

بِسْمِ تَعَالٰی

آموزش تحلیل تکنیکال مقدماتی

استاد: جواد کشاورز



لیست دروس:

مقدمه

- (۱) تحلیل تکنیکال چیست
- (۲) ساختار نمودار و انواع آن
- (۳) روندها و انواع آن
- (۴) حمایت و مقاومت
- (۵) خطوط روند
- (۶) کانال و کانالیزه کردن روند
- (۷) فیبوناچی چیست
- (۸) الگوهای برگشتی و انواع آن
- (۹) الگوهای ادامه دهنده و انواع آن
- (۱۰) اندیکاتورها و اسیلاتورها
- (۱۱) واگرایی ها
- (۱۲) الگوهای شمعی مقدماتی و پیشرفته

امروزه بازارهای معاملاتی فراوانی در سطح جهان و در زمینه های مختلف وجود دارند که عده بسیاری در آنها فعال هستند و معامله می کنند. بازارهایی مانند بورس اوراق بهادار، بورس انرژی، بورس کالا، بورس طلا، نفت، ارزهای جهانی که با نام فارکس شناخته می شوند و ... واضح است که اگر معامله گری بدون علم و آگاهی و دانش مربوطه وارد معامله شود ریسک بسیار بالایی انجام داده و احتمال شکست وی خیلی بیشتر از موفقیتش می باشد.

اما چه ابزاری وجود دارد تا به کمک آن احتمال موفقیت بیشتر از شکست باشد؟ خوب می دانیم که در تمامی این بازارها ریسک وجود دارد و به هیچ وجه نمی توان ریسک یک معامله را به صفر رساند اما اگر با آگاهی و تحلیل درست اقدام شود می توان این ریسک را به حداقل رساند اما توجه داشته باشید که نمی توان این ریسک را از بین برد. بنابراین داشتن علم و دانش مناسب و تحلیل و ارزیابی بازار می تواند به یک تریدر در موفقیت در معاملاتهش کمک شایانی کند.

ویژگی های یک معامله گر موفق:

۱- تحلیل گر

۲- تریدر

تحلیلگر خوب باید بتواند چارت را از لحاظ قیمتی، الگویی و زمانی به درستی تحلیل کند.

ابزارهای تحلیل قیمت:

- سطوح حمایتی و مقاوتی و تبدیل آنها به یکدیگر
- کانال ها
- سطوح فیبوناچی
- نقاط پیووت

ابزارهای تحلیل الگو:

- الگوهای کلاسیک (برگشتی، ادامه دهنده)
- الگوهای هارمونیک
- امواج الیوت

ابزارهای تحلیل زمان:

- ابزار RET
- ابزار TCR
- ابزار ATP
- ابزار EXT
- کاربردهای تحلیل زمانی

ویژگی های تریدر:

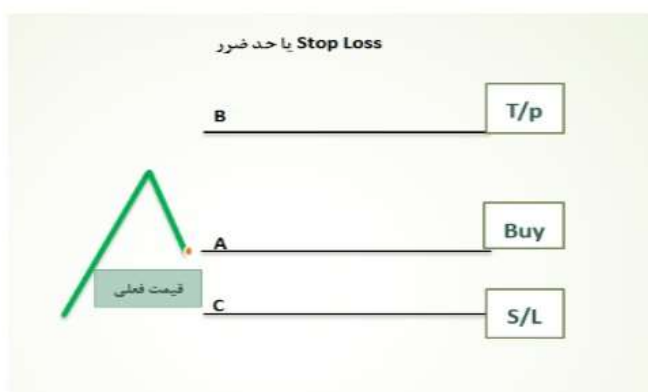
- استراتژی ترکیب تحلیل و ترید

- استراتژی روانشناسی بازار و روانی معامله گر

- استراتژی مدیریت سرمایه

- استراتژی ورود و خروج به موقع

حد ضرر و حد سود



حد ضرر

فرض می کنیم شخصی در نقطه A سهم مورد نظر را با هدف B خریداری می نماید و از نظر ایشان سهم از A تا B رشد خواهد کرد. حال اگر شرایطی پیش آید که این امر اتفاق نیفتد و سهم دچار ریزش شود، این شخص هر روز بر ضررش افزوده می شود. بنابراین باید نقطه ای تعیین شود که اگر قیمت به آن رسید معامله گر ضرر در ترید خود را بپذیرد و اقدام به فروش نماید زیرا با رسیدن قیمت به حد ضرر، قاعدتاً سهم توان بازگشت را فعلاً نخواهد داشت. عوامل زیادی همچون حمایت ها، الگوها، کف ها و ... وجود دارند که حد ضرر را بر مبنای آنها تعیین می کنند. تعیین حد ضرر هنگام معامله بسیار مهم است و اگر بنا به دلایلی تحلیل شخص فیلد شود حداقل میزان ضرر هر روز بیشتر از دیروز نشود. بسیار توصیه می کنیم در ابتدای هر معامله حد ضرر برای آن تعیین نمایید تا دچار ضرر و زیان قابل ملاحظه نشوید.

ریسک به ریوارد:

ریوارد: قیمت سهم منهای حد سود

ریسک: قیمت سهم منهای حد ضرر

همواره سعی شود ریسک به ریوارد زیر ۵۰ درصد باشد.

بخش اول) تحلیل تکنیکال چیست

تحلیل تکنیکال بر سه اصل اساسی بنا شده است:

۱- همه چیز در قیمت لحاظ شده است.

۲- قیمت ها بر اساس روند ها تغییر می کند.

۳- تاریخ تکرار می شود.

تحلیلگر تکنیکال باید بتواند تنها با یک چارت بازار را تحلیل و آن را درک کند. مهم نیست چه پدیده هایی و چه اتفاق هایی در جای دیگر در حال رخ دادن است. او باید بتواند با استفاده از نموداری که در دست دارد با کمک ابزارها و نرم افزارهای تحلیلگری که وجود دارد آینده سهم را پیشبینی نماید و بگوید محتمل ترین اتفاقی که برای سهم خواهد افتاد چیست.

منظور از بند اول این است که هر عاملی که بتواند بر قیمت تاثیر بگذارد مانند سیاست، عوامل اقتصادی و بنیادی و ... در قیمت سهم لحاظ شده است و تحلیلگر اخبار مثبت و منفی پیرامون سهم را در قیمت آن می بیند و به آنها توجهی ندارد. بیشتر اوقات در آغاز یک روند و یا در تغییر روند بازار از صعودی به نزولی یا بالعکس، هیچ کس بطور قطع دلیل این تغییر جهت را نمیداند ولی تحلیل گر تکنیکال به سادگی و با استفاده از الگوها می تواند این تغییر را به موقع شناسایی کند و اهداف آن را مشخص کند. هدف از رسم نمودار یک سهم، شناسایی روند و پیشبینی جهت حرکت آن است. این معنی بند دوم است. هنگامی که روند روی نمودار سهم نشان از یک روند صعودی است پس در آینده شاهد افزایش قیمت سهم خواهیم بود.

بند سوم از فرضیات تحلیل تکنیکال این است که سهم گذشته خود را تکرار می کند به عنوان مثال اگر سهمی در یک روند صعودی از ۱۰۰ تومان به ۲۰۰ تومان رسیده و سپس از ۲۰۰ تومان به ۱۵۰ تومان کاهش پیدا کرده، طبق این فرض این سهم پتانسیل اینکه از ۱۵۰ تومان تا ۲۵۰ تومان رشد نماید را دارد. به عبارتی سهم تمایل دارد تا گذشته خود را تکرار کند. به کمک این ۳ بند و ابزارهایی که وجود دارد تحلیلگر تکنیکال می تواند تحلیلی ارائه کند که محتمل ترین روند آتی سهم را نشان دهد و ریسک معاملاتی را به حداقل برساند.

بطور کلی ۲ نوع تحلیل داریم تحلیل تکنیکال و تحلیل بنیادی.

هدف از تحلیل بنیادی، تعیین ارزش واقعی سهام (ارزش ذاتی) شرکت هاست. این نوع تحلیل معمولاً بر اطلاعات و آمار کلیدی مندرج در صورت های مالی شرکت ها تمرکز می نماید تا مشخص کند آیا قیمت سهام به درستی ارزشگذاری شده است یا خیر. بخش قابل ملاحظه ای از اطلاعات بنیادی، بر اطلاعات و آمار اقتصاد ملی، صنعت و شرکت تمرکز دارد.

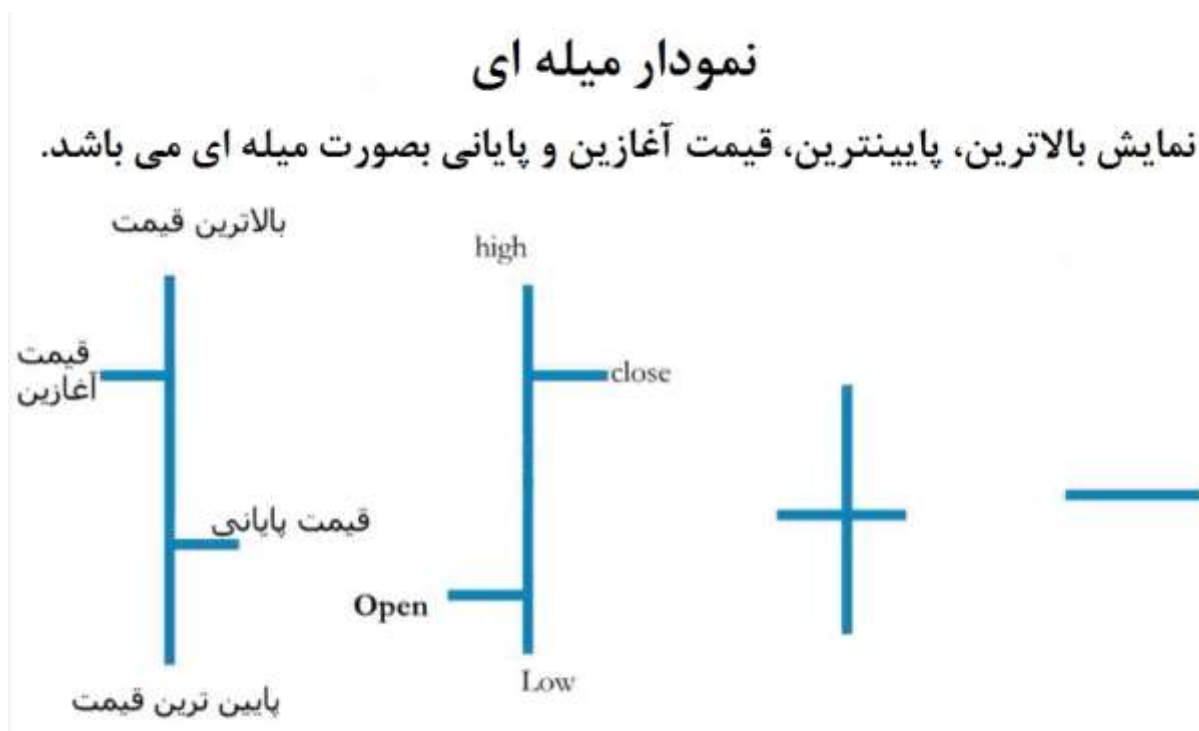


بخش دوم) ساختار نمودار و انواع آن

همانگونه که بیان شد برای تحلیل نیاز به چارت یا نمودار داریم. بطور کلی ۴ نوع نمودار داریم:

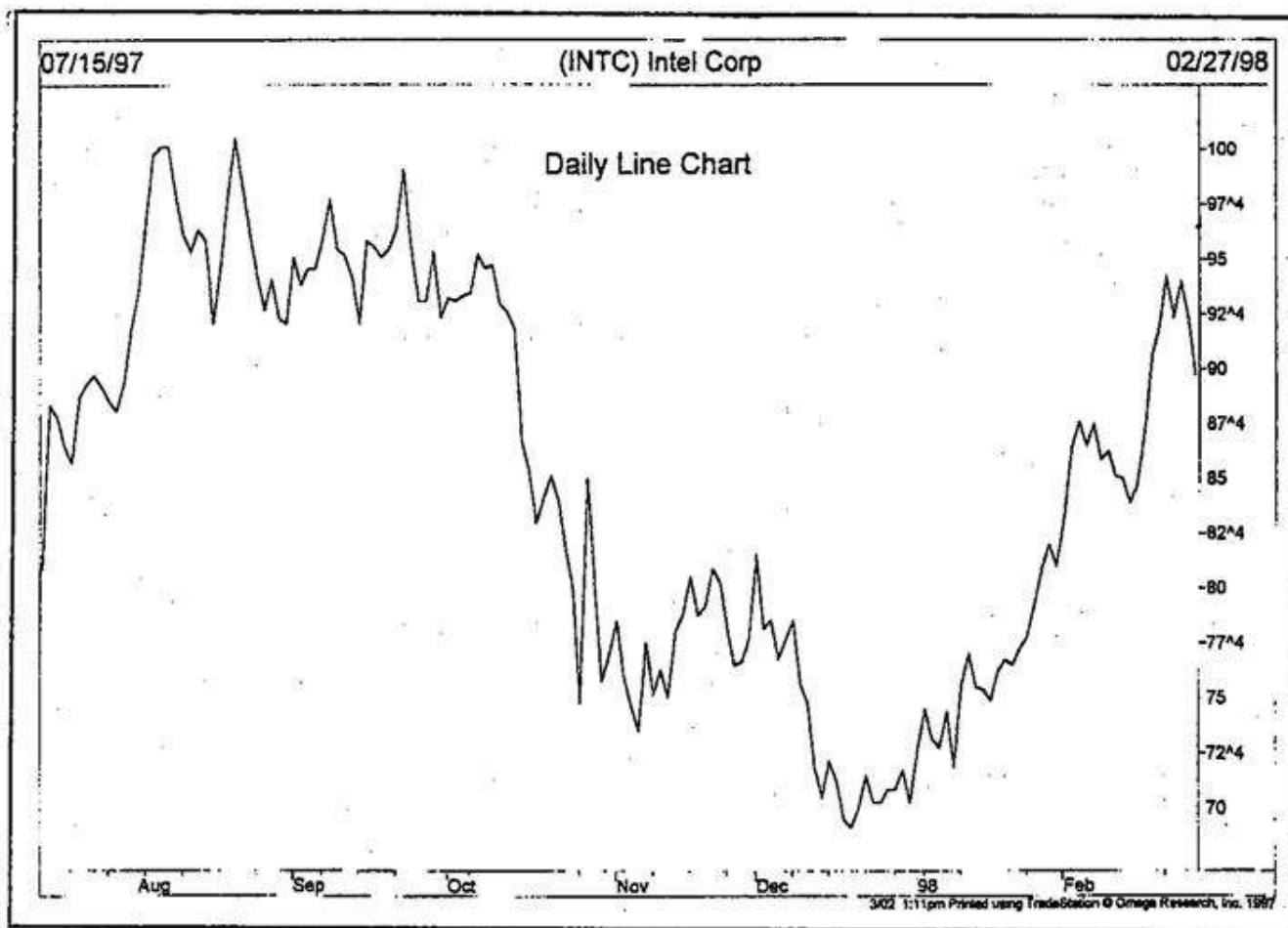
۱- نمودار میله ای

به صورت یک میله می باشد و اطلاعاتی از قبیل قیمت باز شدن، بسته شدن و دامنه نوسان قیمتی را می توان از آن دریافت کرد.



۲- نمودار خطی

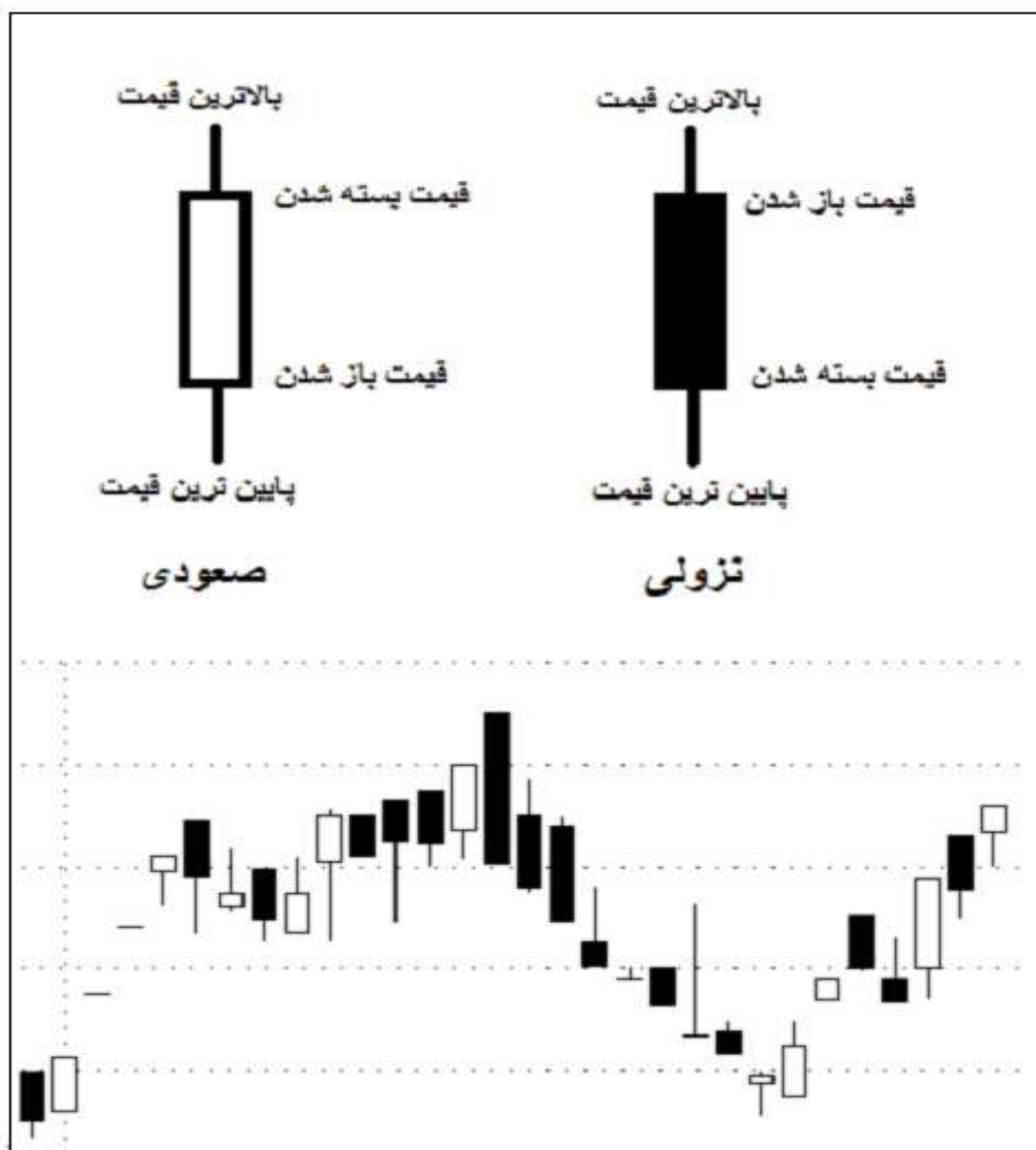
نمودار بصورت خطی ممتد و پیوسته است. این نمودار از وصل نمودن قیمت های پایانی بهم تشکیل می شود.



۳- نمودار شمعی

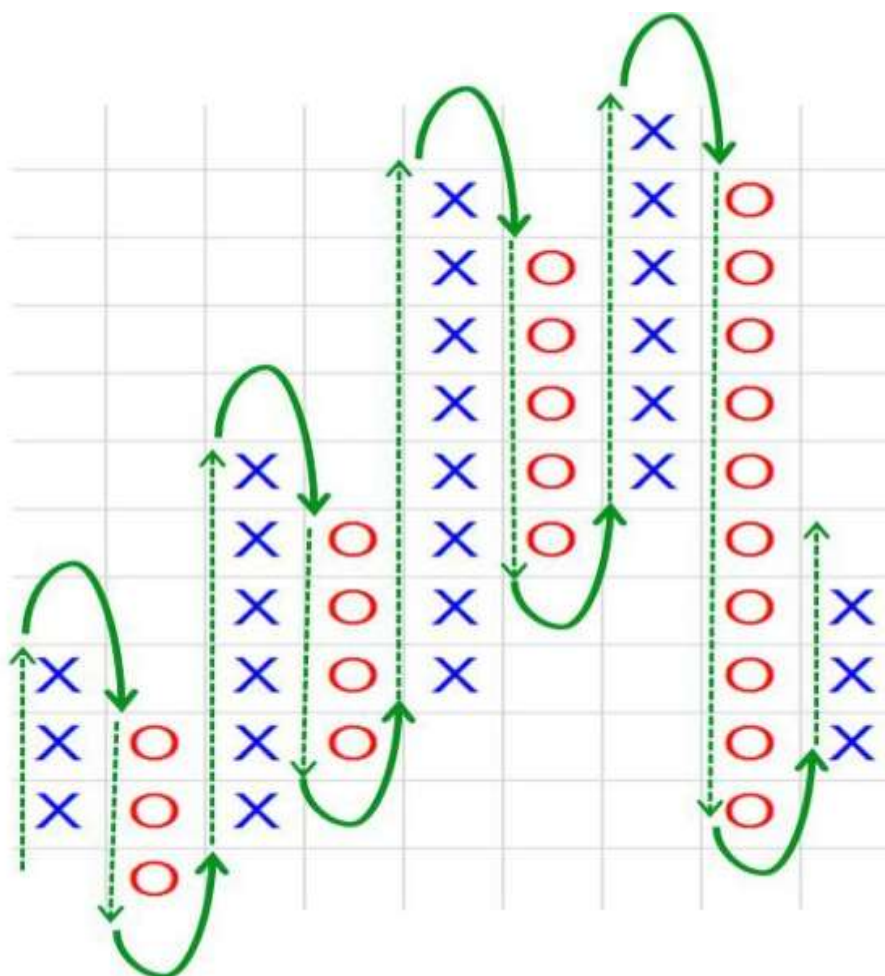
معروف ترین و پرستفاده ترین نمودار، نمودار شمعی ژاپنی (Candle Stick) می باشد. این نمودار نیز اطلاعاتی از قبیل قیمت باز شدن، بسته شدن و دامنه نوسان قیمتی در بازه زمانی مورد نظر را نشان می دهد. اگر قیمت باز شدن سهم پایینتر از قیمت بسته شدن آن باشد (به عبارتی سهم با افزایش قیمت روبرو شده باشد) کندل تو خالی یا سفید و اگر قیمت باز شدن سهم بالاتر از قیمت بسته شدن آن باشد سهم با کاهش قیمت روبرو شده و کندل آن توپر یا مشکی خواهد بود. البته در نرم افزارهای مختلف، می توان رنگ مورد دلخواه خودتان را بر روی

کندل ها انتخاب کنید اما رنگ های مرسوم آنها مشکی و سفید هستند. قسمتی از کندل که بیرون از محدوده قیمت های باز و بسته شدن قرار می گیرد سایه (shadow) نامیده می شود.



۴- نمودار نقطه و شکل

این نمودار بین معامله گران از محبوبیت کمتری برخوردار است و کمتر کسی از آن استفاده میکند. در این نمودار علامت های X بیانگر افزایش قیمت و علامت های O به معنای کاهش قیمت می باشد.



بخش دوم) روندها و انواع آن

نقاط پیووت مینور و مازور

هر تکنیکالیستی برای شروع تحلیل نیاز دارد تا یک سری نقاط رو به عنوان نقاط مهم شناسایی و بر اساس این نقاط روند ها رو تشخیص و یا ابزار ها را رسم کند در علم تکنیکال به این نقاط کلیدی پیووت گفته میشود. پیووت ها نقاطی هستند که چرخشها و تغییر جهت ها در آنها شکل میگیرد. به عبارت علمی تر پیووت مجموعه سه کندل هم راستاست که در جهت خلاف روند قبلی شکل میگیرند.

پیووت مینور

پیووت هایی هستند که برگشت قیمتی محدودی رو شاهد هستیم و در اصطلاح عام نوسانات کوچک خطابشان می کنیم که مورد علاقه نوسان گیران است. اصلاح های کوچکی که در آن ها شاهد توقف کوتاه مدت روند اصلی هستیم و از دید تکنیکال ارزش و اعتبار خاصی ندارند و نباید این نقاط رو مرجعی برای رسم خط روند یا الگو ها قرار داد.

پیووت مازور

برگشت های بزرگی هستند که در این نقاط جهت روند عوض میشه و روند های نزولی تبدیل به روند های صعودی و یا بلعکس میشوند و این نقاط مهم باید توسط تکنیکالیست شناسایی و بر اساس آنها خط روند ها و کانال ها و یا الگو ها رسم شوند. پس به عبارت ساده تر پیووت های مینور نوسانات کوتاه و بی اعتباری هستند که در تعیین الگو های نموداری نقش موثری ندارند.

پیوت های ماژور دو ویژگی خاص دارند:

۱- در این نقاط تغییر فاز مکد شکل میگیرد

۲- روند جدید شکل گرفته در نقطه ماژور ۳۸ درصد روند قبلی رو اصلاح می کند

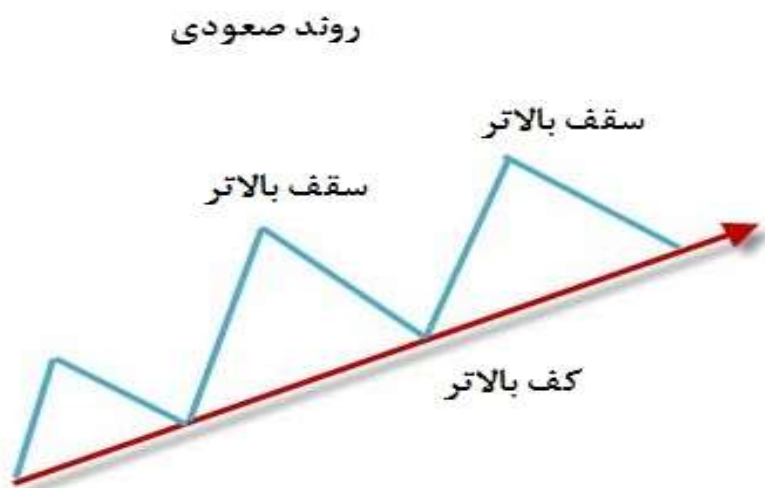
باید توجه داشت که پیووت های ماژور در انتهای یک روند شکل می گیرند و روند جدیدی را شروع میکنند. توجه داشته باشید که برای شناسایی نقاط معتبر باید هر دو شرط در کنار هم رعایت شده باشد.

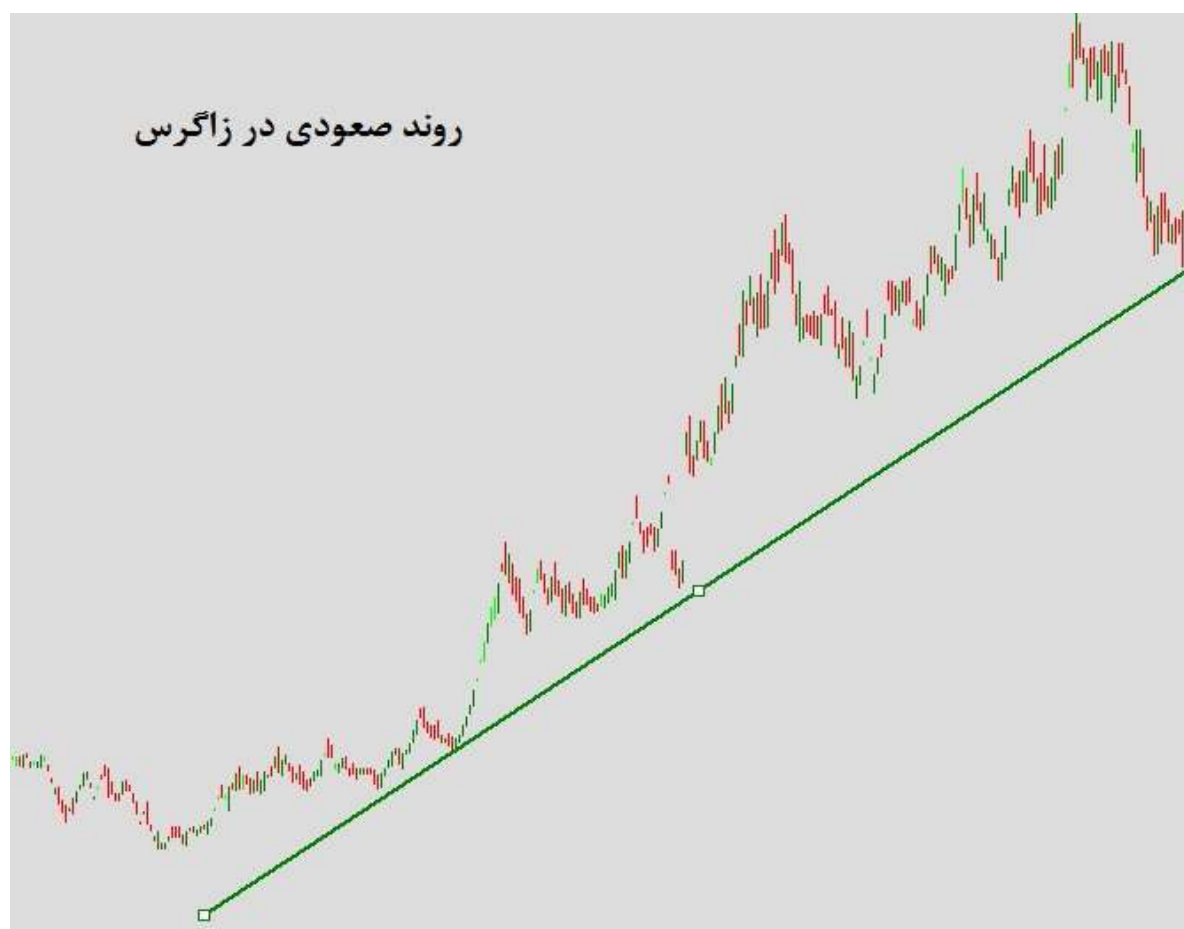
روند، جهت حرکت بازار را مشخص می کند.

۳ نوع روند داریم: روند صعودی و روند نزولی و روند خنثی

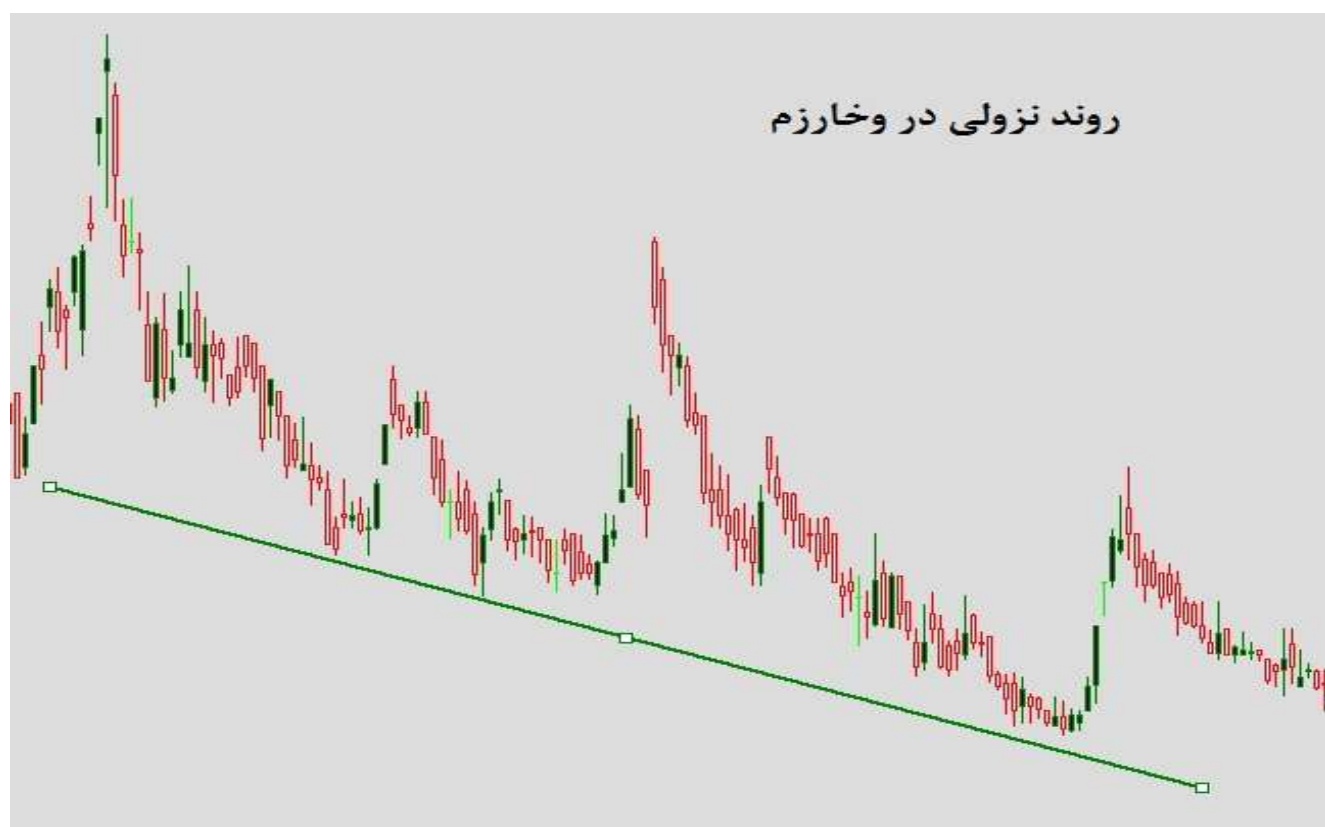
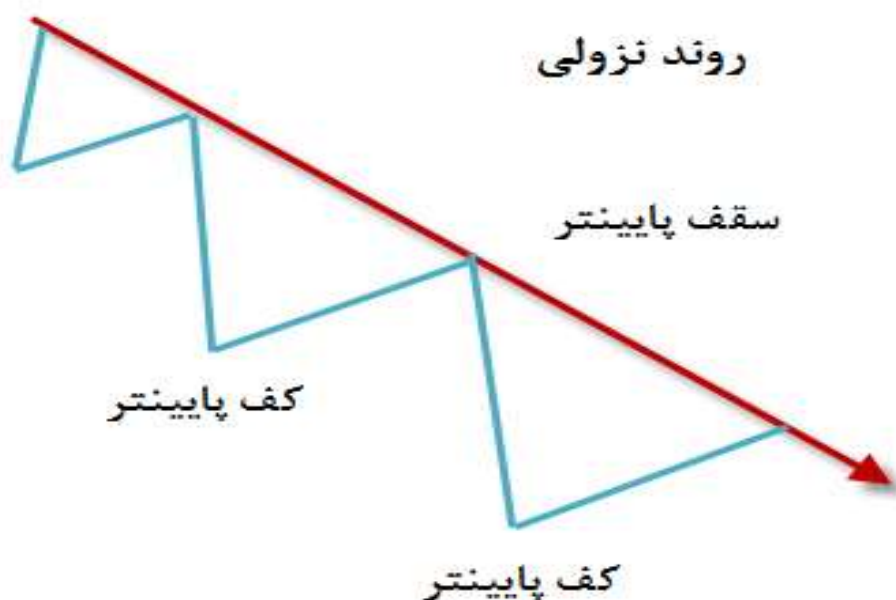
توجه داشته باشید در بازار همواره روند صعودی نیست یا همواره روند نزولی نیست بازار همیشه دارای نوساناتی هست که عرضه و تقاضا آن را مشخص می کند. برآیند همین نوسانات مثبت و منفی است که روند را مشخص می کند.

۱- روند صعودی: در این روند برآیند نزول ها و صعودهای کوچک، صعودی است. معمولاً در این روند سقف های بالاتر تشکیل می شوند و کف های جدید از کف های قبلی بالاتر قرار می گیرند.





۲- روند نزولی: برآیند نزول ها و صعودهای کوچک، نزولی است. در این روند کف ها و سقف های پایینتر تشکیل می شوند.



۳- روند خنثی: بازار در محدوده قیمتی ثابتی در حال نوسان است که نه نزول می کند و نه صعود. این نوع بازار نشاندهنده بلاتکلیفی و سردرگمی معامله گران است. ترید در این نوع بازار پرریسک تلقی می شود.

روند خنثی



روند خنثی در وبهمن



همواره توصیه می شود خرید در روند صعودی انجام شود، فروش در روند نزولی انجام شود و در بازار خنثی معامله انجام نشود و منتظر مشخص شدن روند بازار باشیم.

توجه داشته باشید هر روند می تواند بخشی از روند بزرگتر باشد. مثلا یک روند نزولی می تواند در دوره های زمانی بزرگتر جزء کوچکی باشد و در زمان بزرگتر برآیند صعودها و نزول ها، صعودی و در نتیجه روند صعودی باشد. به عبارتی ساده تر یک روند نزولی کوتاه مدت می تواند در دل یک روند صعودی بلند مدت باشد که به آن اصلاح قیمتی می گویند. معمولا فواصل زمانی کمتر از ۳ هفته را کوتاه مدت، بین ۳ هفته تا ۶ ماه را میان مدت و بیشتر از ۶ ماه را بلند مدت می گویند.



بخش چهارم) حمایت و مقاومت

حمایت ها نقاطی هستند که سهم نسبت به آن واکنش نشان داده و شاهد توقف ریزش و شروع صعود خواهیم بود.



مقاومت: نقاطی هستند که سهم توانایی رشد بیشتر از آن را نداشته و شاهد ریزش از آن نقطه خواهیم بود.



بنابراین معامله عاقلانه به گونه ای است که خریده‌ها در سطوح حمایتی و انتهای ریزش‌ها صورت گیرد و فروش‌ها در سطوح مقاومتی جایی که احتمال صعودِ بیشترِ کمرنگ می‌شود انجام گیرد. لازم به توضیح است هنگامی که مقاومتی رو به بالا شکسته می‌شود و روی آن تثبیت می‌شود پتانسیل سهم برای رشد، بیشتر می‌شود و سطح مقاومتی هم اکنون نقش حمایتی برای سهم ایفا می‌کند.

برعکس هنگامی که حمایتی رو به پایین می‌شکند سهم مستعد ریزش بیشتر است و اصطلاحاً سطح حمایتی به مقاومت جدید تبدیل می‌شود. دلیل این تبدیل‌ها، تغییر سهامداران است چون اکثر ترکیب سهامداران در همین سطوح تغییر می‌کند.



بخش پنجم) خطوط روند

خط روند صعودی خطی است که در یک روند صعودی کف ها را به هم متصل می کند و خط روند نزولی خطی است که در یک روند نزولی سقف ها را به همدیگر متصل می کند. ترسیم خط روند در تحلیل تکنیکال بسیار مهم است و کمک زیادی به درک روند آتی سهم می کند.

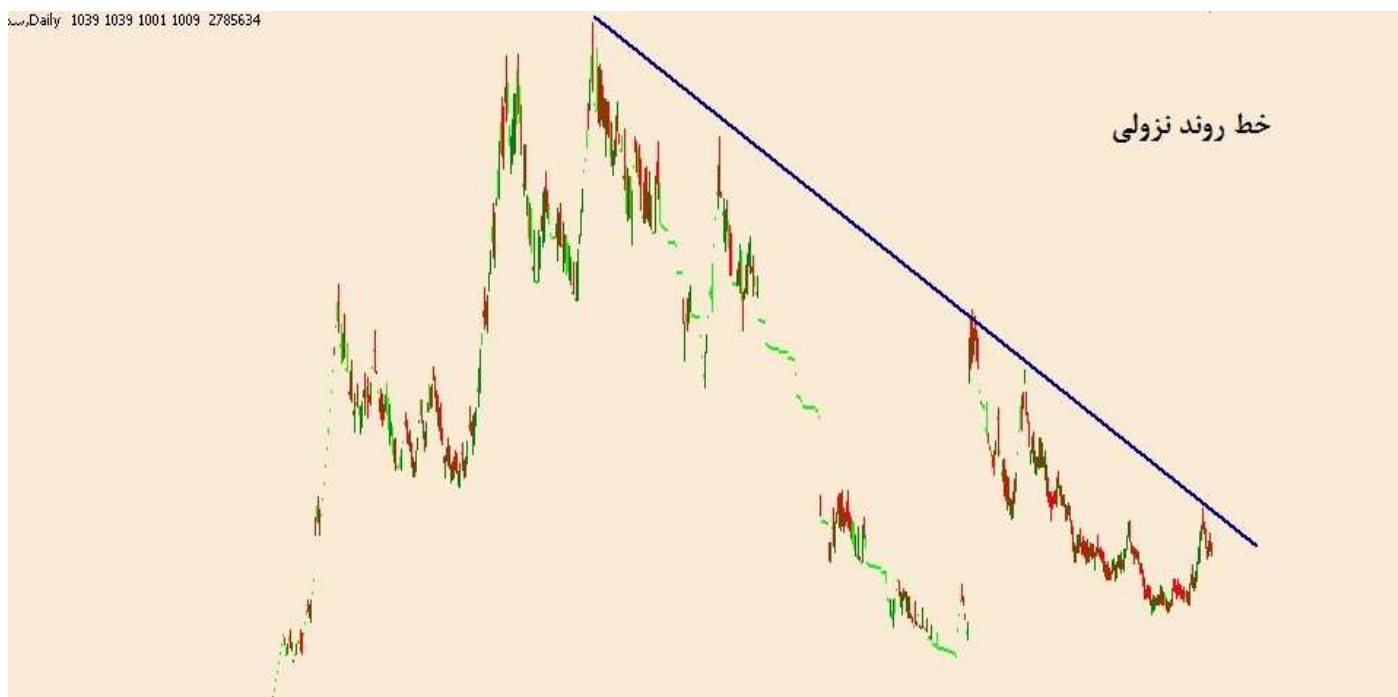
توجه داشته باشید که در روندهای صعودی، نقطه برخورد سهم با خط روند صعودی حکم حمایت برای آن دارد و در روندهای نزولی نقاط برخورد سهم با خط روند نزولی حکم مقاومت برای آن دارد. بدیهی است در صورت شکست خط روند صعودی رو به پایین زنگ خطر به صدا در می آید و در صورت تثبیت قیمت زیر خط روند سیگنال خروج صادر می گردد. همچنین اگر خط روند نزولی رو به بالا شکسته شود سیگنال خرید مطمئنی خواهد بود زیرا نشان از تغییر روند سهم دارد.

برای رسم این خطوط داشتن تنها ۲ نقطه کفایت می کند. آنها را به هم وصل کرده و امتداد می دهیم. برای خط روند صعودی داشتن حداقل ۲ نقطه کف که دومی از اولی بالاتر باشد نیاز داریم. همچنین برای خط روند نزولی داشتن حداقل ۲ سقف که سقف دوم پایینتر از سقف اول باشد مورد نیاز است



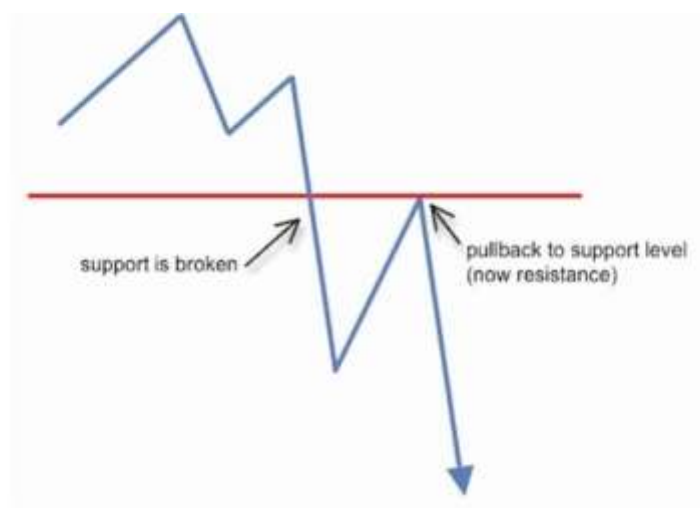
نکته: هرچه تعداد برخوردها با خط روند بیشتر باشد اعتبار آن بیشتر خواهد بود و شکست آن سختتر.





نکته ۱: لازمه تثبیت شدن بالا یا پایین خط روند، تشکیل یک کندل کامل بالا یا پایین آن خط روند است.

نکته ۲: معمولاً پس از شکست خط روند سهم یک برگشت به سطح شکسته شده دارد و به نوعی می‌خواهد آن را تست کند و سپس به راه خود ادامه می‌دهد که به آن پولبک می‌گوییم.





نکته ۳: در مواردی که شیب خط روند زیاد باشد (بیشتر از ۴۵ درجه) امکان دارد در بعضی مواقع خط روند بشکند اما دوباره برگردد و روند عوض نشود. این اتفاق عجیب نیست و در بازار ممکن است اتفاق بیفتد. در این مواقع باید خط روند جدید ترسیم کرد. شیب استاندارد خط روندها معمولاً تا ۴۵ درجه می باشد.

خط روند با شیب بیشتر از ۴۵ درجه.



بخش ششم) کانال و کانالیزه کردن روند

هنگامی که روند سهمی بین ۲ خط موازی پیش برود می توان برای آن یک کانال در نظر گرفت. شناسایی کانال برای یک تریدر بسیار مهم است و می تواند در فواصل کف تا سقف کانال نوسان های خوبی بگیرد.

ترسیم کانال بسیار ساده است. قبلا ترسیم خط روند را فرا گرفتید حال کافیت خط موازی خط روند رسم کنید بطوری که قیمت بین این ۲ خط موازی قرار گیرد.

نکته ۱: هنگامی می توانیم یک کانال را معتبر بدانیم که حداقل ۵ برخورد با ۲ سطح بالا و پایین کانال داشته باشد.

نکته ۲: هرچه تعداد برخوردهای سهم با سطوح کانال بیشتر باشد اعتبار کانال بیشتر خواهد بود.

نکته ۳: شکست کف کانال صعودی به سمت پایین زنگ خطر را به صدا در می آورد و باید هشیار بود اگر زیر آن تثبیت شود روند صعودی به نزولی تبدیل می شود.

نکته ۴: شکست سقف کانال صعودی بیانگر رشد بیش از پیش سهم خواهد بود و می بایست کانال جدید ترسیم شود.

نکته ۵: در صورت شکست کف یا سقف کانال قیمت به اندازه عرض کانال صعود یا نزول خواهد داشت. مثلا اگر عرض کانال به اندازه ۲۰۰ تومان بود و سقف کانال در قیمت ۳۰۰ تومان شکسته شد سهم پتانسیل رشد تا ۵۰۰ تومان را خواهد داشت.

نکته ۶: معمولاً پس از شکست سقف یا کف کانال سهم حتماً یک پولبک به سطح شکسته شده خواهد داشت که فرصت معاملاتی خوبی فراهم می‌سازد.

نکته ۷: نواحی نزدیک به سقف کانال حکم مقاومت و نواحی نزدیک به کف کانال حکم حمایت دارند. همواره توصیه می‌شود در کف کانال اقدام به گرفتن پوزیشن خرید و در سقف کانال پوزیشن فروش بگیرید.

نکته ۸: در کانال صعودی هنگامی که سهم نتواند قله بالاتر از قله قبلی خود بزند باید هشیار بود که احتمال شکست کانال از کف آن وجود دارد.

کانال‌ها به ۳ نوع هستند که عبارتند از: کانال صعودی، کانال نزولی و کانال افقی

کانال صعودی



کانال نزولی



کانال افقی:



ترید در کانال ها

دو نوع استراتژی معاملاتی در کانال ها وجود دارد.

الف) خرید و فروش در کف و سقف کانال (Range Trading)

هنگامی که سهم به کف کانال یعنی حمایت آن نزدیک می شود پوزیشن خرید گرفته و حد سود خود را روی سقف کانال قرار می دهیم. هنگامی که قیمت به سقف کانال می رسد پوزیشن فروش گرفته و خارج می شویم فارغ از اینکه می تواند سقف کانال را بشکند یا خیر.

ب) خرید و فروش براساس شکست سقف یا کف کانال (Breakout Trading)

استراتژی ب مطمئن تر و با ریسک کمتری است. به صورتی که تریدر صبر می نماید تا سقف کانال شکسته شود سپس پوزیشن خرید می گیرد. همانطور که قبلا بیان شد شکست سقف یا کف کانال سیگنال مطمئنی مبنی بر صعود یا نزول سهم است. این تریدر حد سود خود را به اندازه عرض کانال بالاتر قرار می دهد و هر دفعه که سویینگ جدیدی شکل بگیرد استاپ خود را بالاتر می آورد.

بخش هفتم) فیوناچی چیست

فیوناچی دانشمندی ایتالیایی است که با دقت در پدیده‌های طبیعت و با دید آماری به نحوه شکل‌گیری و تکرار آنها به کشف خارق‌العاده‌ای دست پیدا کرد.

حتما تابحال اسم «دنباله فیوناچی» را شنیده اید. دنباله بسیار معروفی در ریاضیات و فیزیک که بصورت زیر می باشد:

۰ - ۱ - ۱ - ۲ - ۳ - ۵ - ۸ - ۱۳ - ۲۱ - ۳۴ - ۵۵ - ۸۹ - ۱۴۴ - ۲۳۳ - ۳۷۷ - ۶۱۰ - ۹۸۷ - ۱۵۹۷ - ۲۵۸۴ - ۴۱۸۱

همانطور که مشاهده می کنید در این دنباله هر عدد برابر حاصلجمع ۲ عدد مجاور قبلی خود است. اما خاصیت بسیار مهم دنباله فیوناچی این است که خارج قسمت تقسیم هر عدد به عدد قبلی خود برابر عدد ۱/۶۱۸ است.

فیوناچی دریافت که در آفرینش و خلقت نوعی تناسب پنهان و مرموز وجود دارد که هر جا این تناسب رعایت شود، شکل و مدل آن جسم یا موجود زیباترین و متناسبترین حالت را از نظر انسان‌ها دارد که این نسبت را نسبت طلایی نامیدند.

اعمال این نسبت بین اعداد مختلف و با فرمولهای مختلف ریاضی منجر به پیدایش سری های مختلف از اعداد شده است که به آنها سریهای فیوناچی می گویند. در تحلیل تکنیکال نیز از ابزاری کمک می گیریم به نام فیوناچی که چند مدل مختلف دارد ولی اساس همه آنها بررسی نقاط مهمتر یک روند قیمت است که به ترتیب زیر می باشند.

اگر ابتدا و انتهای روندی را ۰ و ۱۰۰ درصد بدانیم آنگاه با مجذور نسبت های طلایی مقادیر تقریبی فیبوناچی در میانه روند عبارتند از:

$$۲۳/۶ - ۳۸/۲ - ۵۰ - ۶۱/۸ - ۷۸/۶ \text{ درصد فیبوناچی}$$

این محدوده ها هر کدام دارای اهمیت خاصی هستند و مقادیر دقیق و مهارت در محاسبه آنها در طول روند، از ابزار مهم تحلیل تکنیکال به حساب می آیند.

در تحلیل تکنیکال روندهای صعودی فرض می گیریم سهمی از A تا B رشد کرده و هم اکنون در حال اصلاح می باشد. اگر فاصله نقطه A تا نقطه B را صد درصد در نظر بگیریم سهم در راستای اصلاح خود به احتمال خیلی زیاد از یکی از درصدهای فیبوناچی برمیگردد. به عبارت دیگر این سطوح نقش حمایتی را ایفا می کنند و انتظار می رود سهم در یکی از این سطوح به ریزش خود پایان دهد و دوباره به روند صعودی خود ادامه دهد.

همچنین اگر سهمی از نقطه A تا نقطه B ریزش کرد و هم اکنون در حال اصلاح باشد اگر فاصله نقطه A تا نقطه B را صد درصد در نظر بگیریم سهم در راستای اصلاح خود به احتمال زیاد از یکی از سطوح فیبوناچی بر میگردد و روند نزولی خود را ادامه می دهد. به عبارتی این سطوح نقش مقاومتی دارند.

نکته: مهمترین سطوح فیبوناچی سطح ۵۰ و ۶۱/۸ درصد می باشند.

در نمودار وایران مشاهده میکنیم که سهم یک بار از حمایت ۵۰ درصد فیبوناچی برگشت داشته اما دوباره آن سطح را به پایین شکسته اما اینبار از سطح ۶۱/۸ درصد به خوبی برگشته است.



در نمودار سهم چکاو مشاهده می کنیم سهم از حمایت ۷۸/۶ درصد فیبو حمایت شده و برگشته است.



در نمودار سیمان شمال مشاهده میکنیم که سهم پس از ریزشی که داشته هم اکنون در حال رشد هست اما مقاومت های فیبوناچی سر راه آن قرار دارند. یک بار سطح $23/6$ درصد مانع از رشد بیشتر آن شد که در مرحله بعدی موفق به شکست آن شد و هم اکنون مقاومت $38/2$ درصد را در سر راه خود دارد.



فیبوناچی انواع مختلف دارد و هم در زمان و هم در قیمت می توان از نسبت های استفاده کرد. در اینجا هدف آشنایی کلی با فیبوناچی بود. انواع آن و کاربردهای آنها و چگونگی استفاده از آنها را در ادامه دروس آموزش خواهید دید.

سوال: از کجا بدانیم سهم از کدام سطح فیبوناچی بر میگردد؟ جواب این سوال را بعدها به کمک اندیکاتورها پیدا خواهیم کرد.

سوال: هنگامی که روند نزولی است و سهم در رشد کوتاه خود با مقاومت های فیبوناچی روبرو می شود اگر بتواند آن مقاومت را بشکند آیا آن مقاومت تبدیل به حمایت می شود؟ جواب خیر است. با رسم فیبوناچی در روند ریزشی تنها سطوح مقاومتی بدست می آید و برای بدست آوردن حمایت آن رشد کوتاه مدت باید مجدداً از ابزار فیبوناچی روی آن استفاده کرد.

بخش هشتم) الگوهای برگشتی

الگوهای برگشتی در انتهای روندهای صعودی یا نزولی شکل میگیرند و بیانگر برگشت بازار هستند. به عبارت دیگر الگوهای برگشتی باعث تغییر روند بازار می گردند.

نکته ۱: حتما باید یک روند صعودی یا نزولی در ابتدا وجود داشته باشد که الگوی برگشتی بتواند در انتهای آن تشکیل شود. زمانی که تحرکی در بازار نداشته باشیم الگوی برگشتی معنایی ندارد.

نکته ۲: یکی از اولین نشانه های تشکیل الگوهای برگشتی شکسته شدن خط روند است.

نکته ۳: الگوهای برگشتی در انتهای روند صعودی سریعتر از الگوهای برگشتی در انتهای روند نزولی شکل می گیرند.

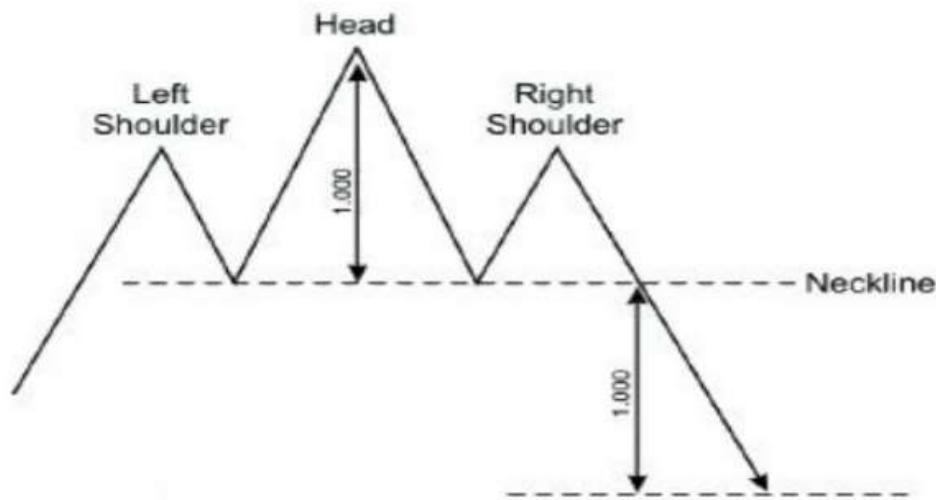
نکته ۴: هرچه الگوی برگشتی بزرگتر باشد ریزش یا صعود بعد از آن نیز بزرگتر خواهد بود.

نکته ۵: الگوی برگشتی در انتهای روند صعودی با حجم خیلی زیادی تشکیل می شود.

الگوی بازگشتی سر و شانه:

این الگو از جمله الگوهای معتبر و مطمئن است و با تشکیل آن معامله گران با خیال راحتتر وارد پوزیشن می شوند.

الگوی سر و شانه

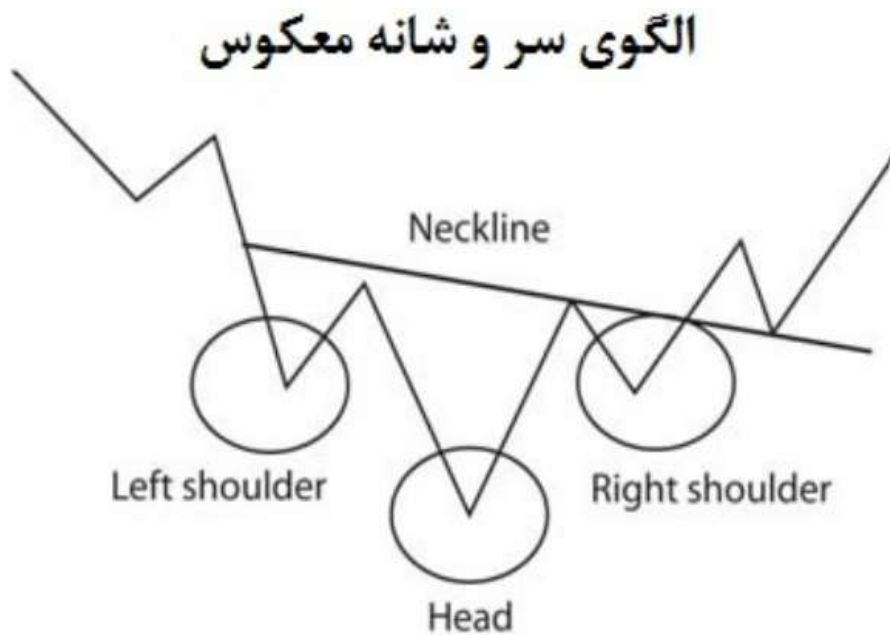


این الگو در انتهای روند صعودی به گونه ای که در شکل مشخص است شکل میگیرد. این الگو از یک سر، خط گردن و شانه چپ و راست تشکیل می شود. شانه راست توانایی شکست قله قبلی را ندارد و با شکست خط گردن به سمت پایین رسماً الگو تکمیل میگردد و سیگنال خروج صادر می شود. در صورت تشکیل این الگو هدف قیمتی سهم به اندازه فاصله خط گردن از سر میباشد.



الگوی بازگشتی سر و شانه معکوس:

این الگو در انتهای روند نزولی شکل میگیرد و همانند الگوی سر و شانه از یک سر، خط گردن و ۲ شانه چپ و راست تشکیل می شود. در این الگو شکست خط گردن به سمت بالا الگو را تکمیل می کند. تا زمانی که خط گردن شکسته است فقط می توانیم حدس بزنیم که این الگو در حال شکلگیری است و از تشکیل آن مطمئن نیستیم. هدف اول پس از شکسته شدن گردن به اندازه فاصله خط گردن تا سر می باشد.



Forest Laboratories, Inc. (FRX) NYSE

© StockCharts.com

2-Jan-1998

Open 5.69 High 6.16 Low 5.68 Close 6.14 Volume 3.1M Chg +0.52 ▲



Head & Shoulders Reversal

Daily Chart - E-mini Russell 2000 Future (ER2)

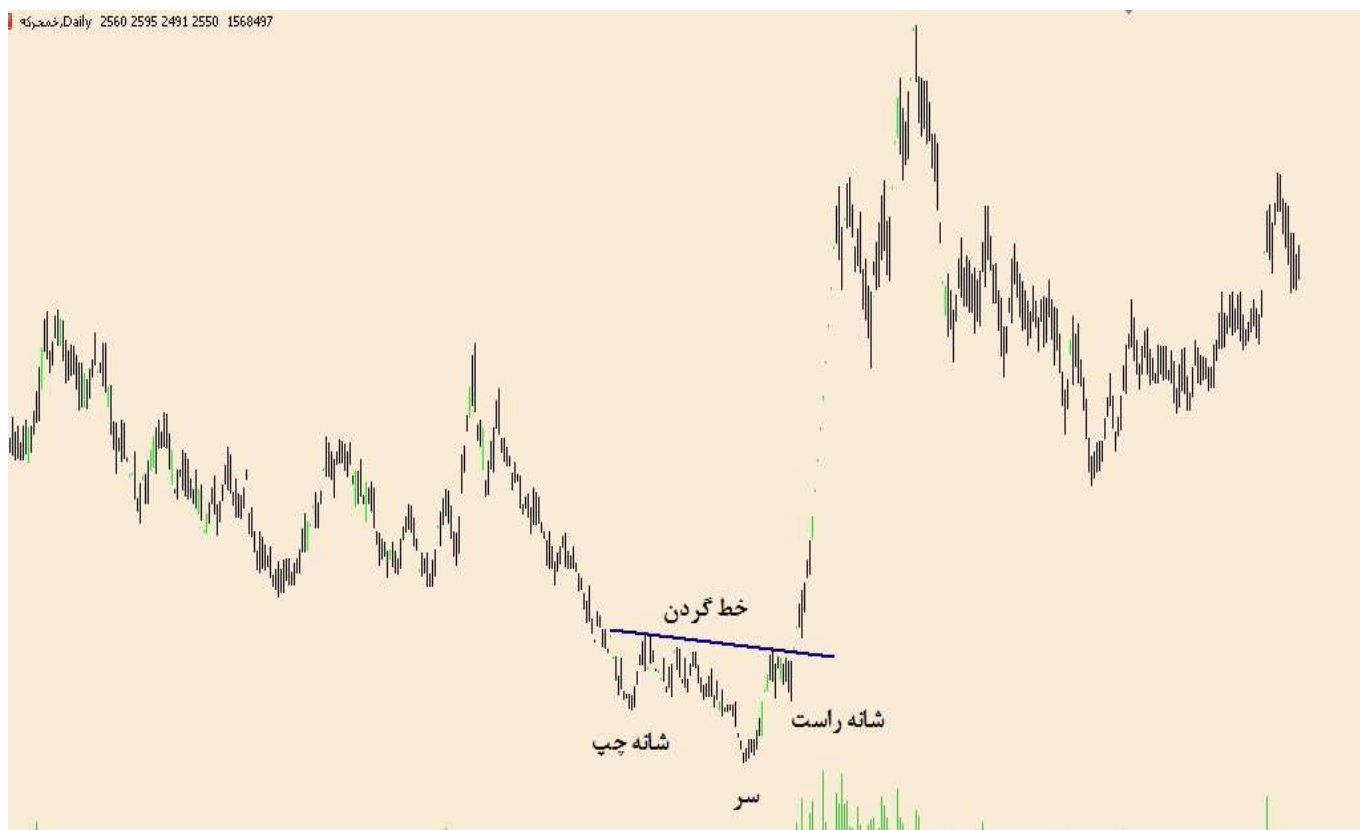


A Rising Confirmation Line is a Stronger Head & Shoulders Reversal Pattern than a Decreasing Confirmation Line

www.OnlineTradingConcepts.com - All Rights Reserved

Created with TradeStation

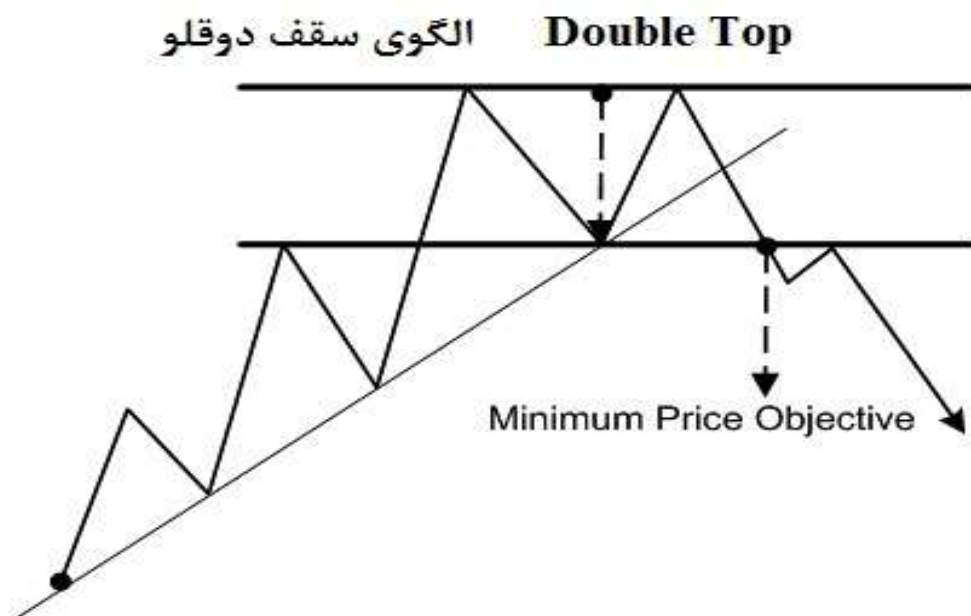
مجدد تاکید می شود تا زمانی که خط گردن رو به بالا شکسته نشده است سیگنال خریدی صادر نمی شود.



الگوی بازگشتی سقف یا کف ۲ قلو:

الگوی دیگری که می تواند در انتهای روندهای نزولی و صعودی تشکیل شود و باعث تغییر روند آن شود عبارت است از الگوی سقف ۲ قلو که در انتهای روند صعودی شکل میگیرد و کف ۲ قلو که در انتهای روند نزولی شکل می گیرد.

معمولا حجم معاملات در سقف دوم کمتر از سقف اول است چون معامله گران در قله دوم میدانند اگر سهم نتواند قله اول را به بالا بشکند روند صعودی سهم پایان یافته و نزول آغاز میشود. بنابراین صبر میکنند تا ببینند سقف اول می شکند یا خیر.



سقف دو قلو در کمنگنز

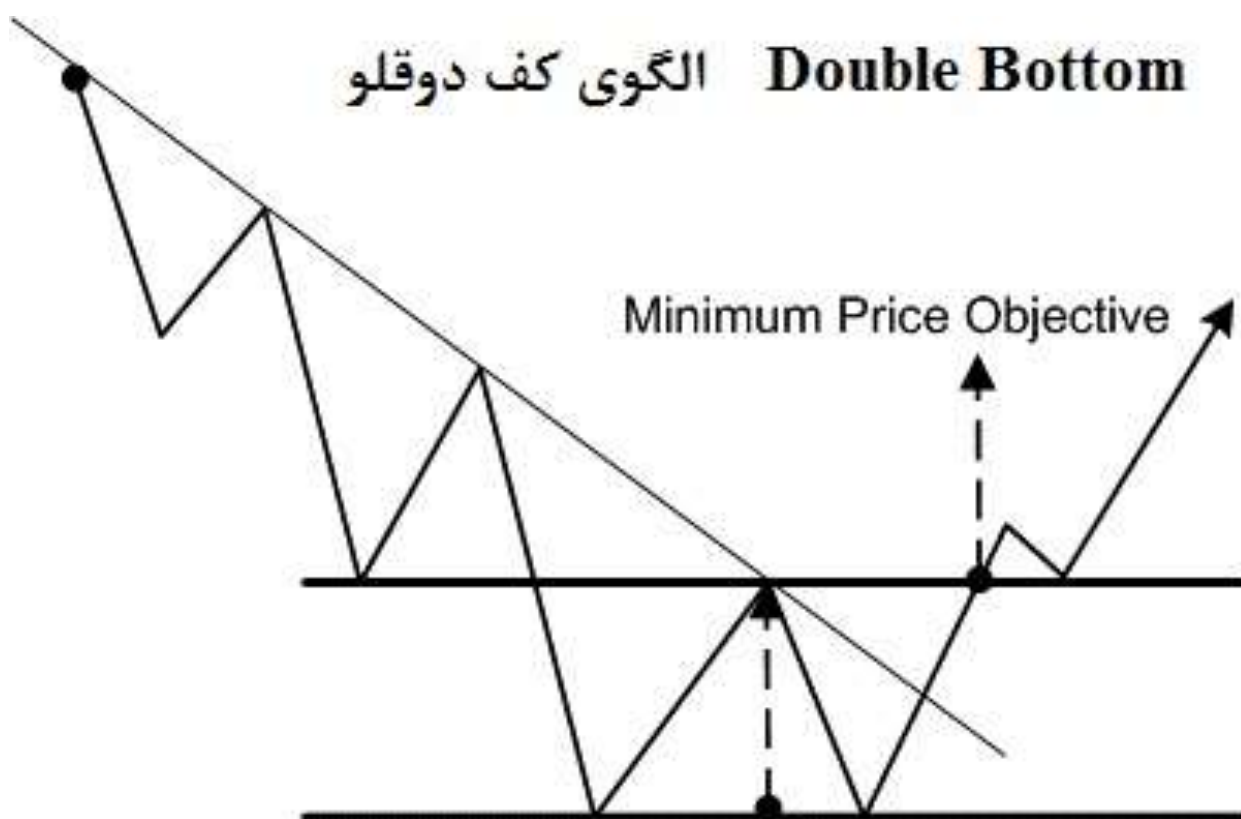


سقف دو قلو در بشهاب



الگوی کف دوقلو در انتهای روند نزولی شکل می گیرد و یکی از نشانه های اتمام روند و تغییر آن می باشد.

معمولا حجم معاملات در کف دوم به مراتب کمتر از کف اول است چون در کف دوم معامله گران صبر میکنند تا ببینند آیا کف دوبل تشکیل می شود (در کف دوم حمایت می شود یا خیر) و سپس با اطمینان بیشتری وارد پوزیشن شوند.



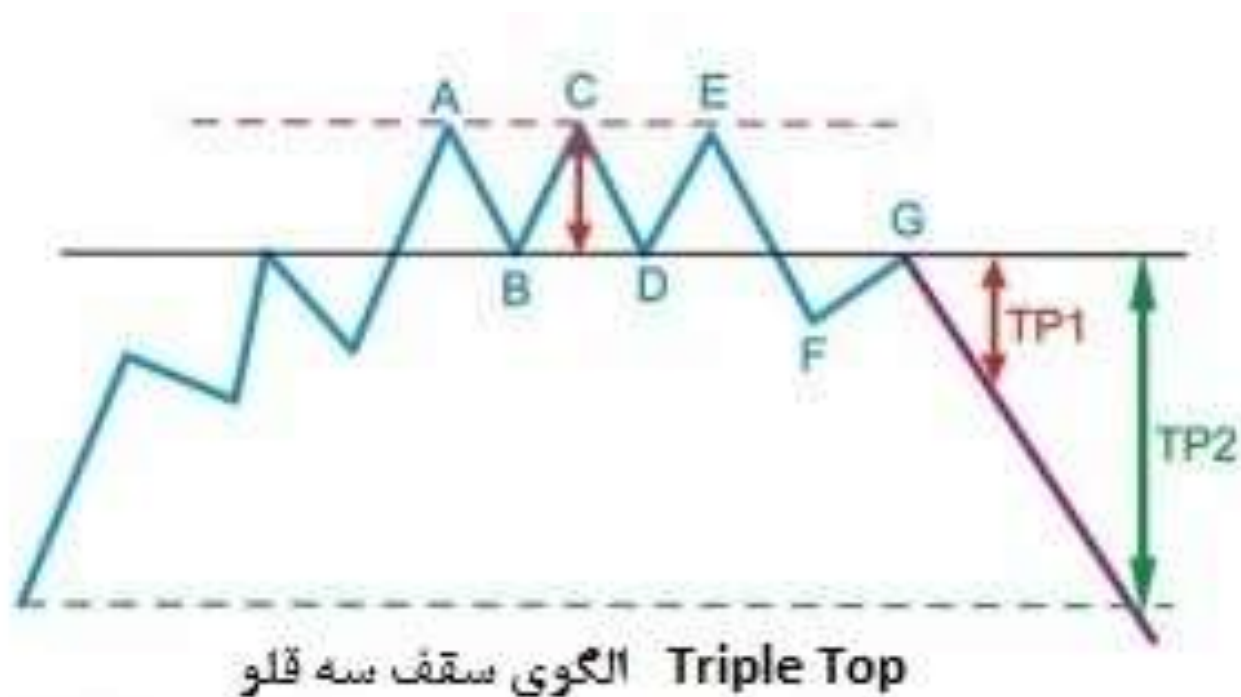
کف دوقلو در رکیش



کف دوقلو در بالاس



الگوی بازگشتی سقف و کف ۳ قلو: این الگو نیز همانند الگوی کف یا سقف ۲ قلو می باشد با این تفاوت که قیمت ۳ بار با سقف یا کف برخورد کرده و برمی گردد. توجه داشته باشید الگوی سقف یا کف ۳ اعتبار و قدرت بیشتری نسبت به الگوی سقف یا کف ۲ قلو دارد.



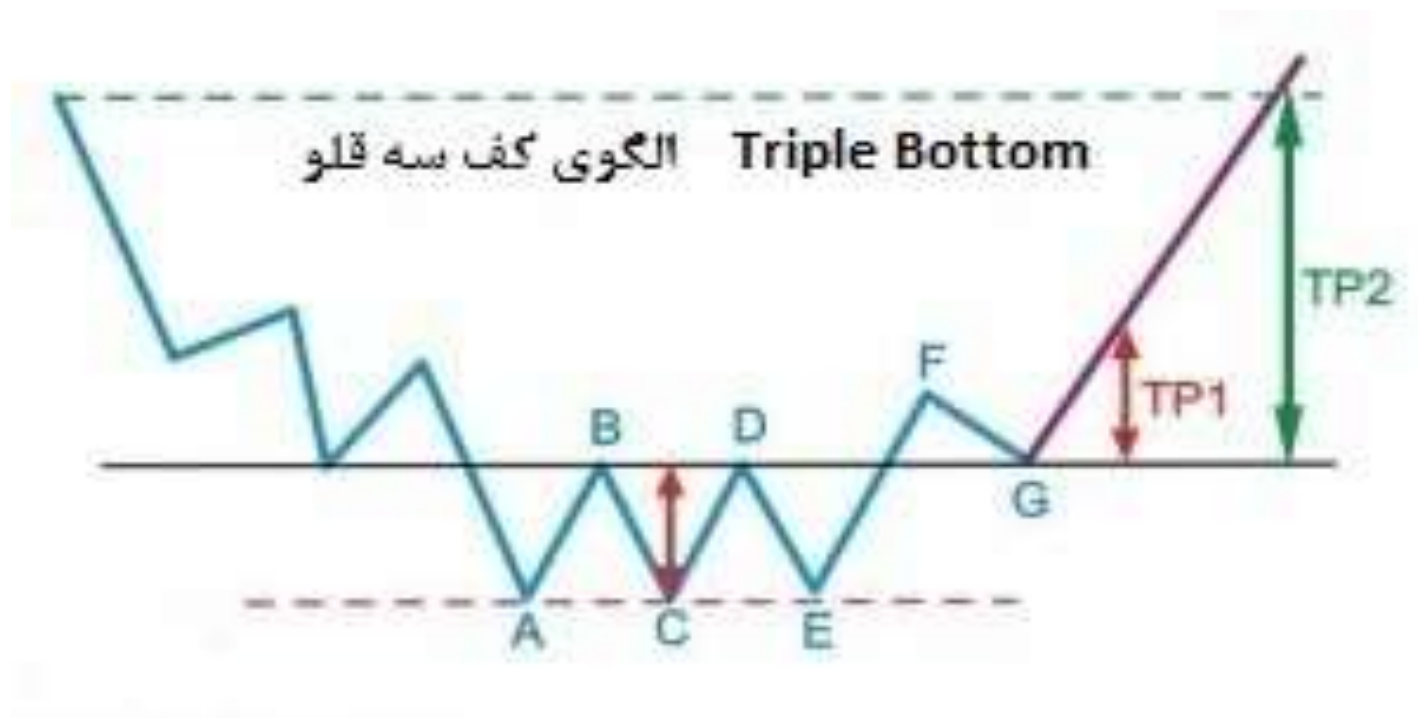
سقف ۳ قلو در فولای



سقف ۳ قلو در شرانل



الگوی کف ۳ قلو در انتهای روند نزولی شکل می گیرد.



کف ۳ قلو در کفپارس



در صورت برگشت سهم از سومین کف در وینا، می توان روند نزولی چند ساله را پایان یافته دانست و فرصت معاملاتی خوبی برای یک رشد ایده آل داشت.



بخش نهم) الگوهای ادامه دهنده و انواع آن

هنگامی که سهمی در روند خود حرکت می کند گاهی در میانه راه به استراحت نیاز دارد و به اصطلاح برای ادامه روند خود نفس می گیرد. این استراحت در بیشتر موارد در قالب الگوهایی انجام میگیرد که با شناسایی این الگوها می توانیم از ادامه روند قبلی مطمئن تر شویم.

انواع الگوهای ادامه دهنده عبارتند از:

۱- مثلث

۲- پرچم

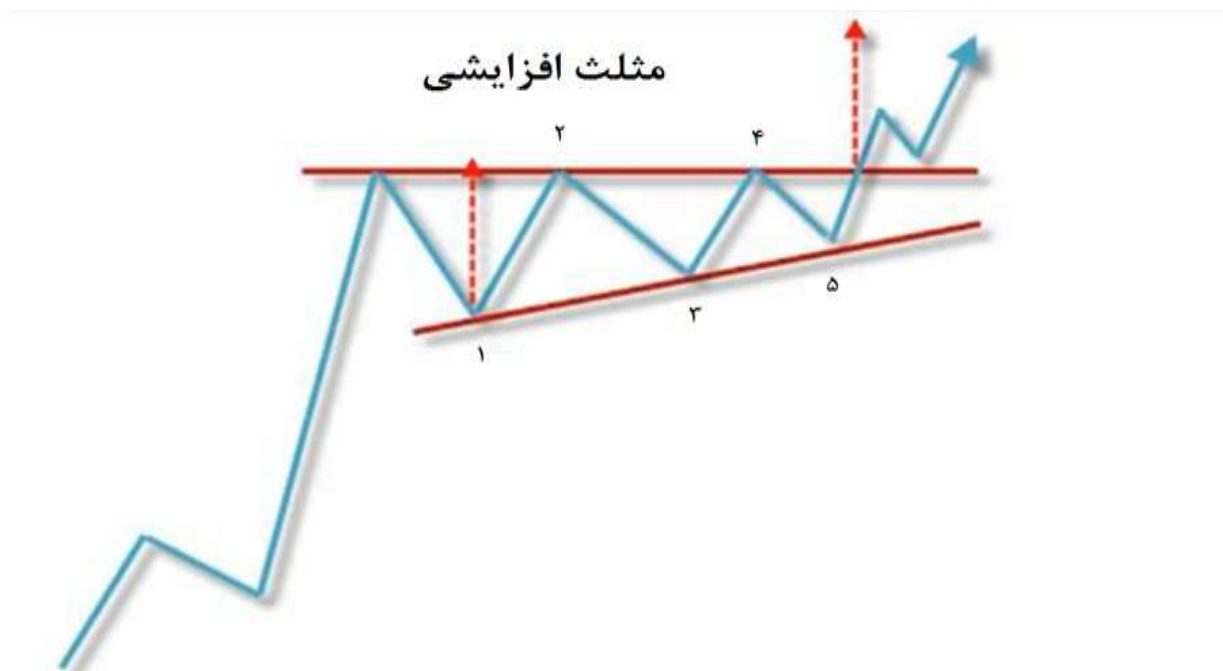
۳- مستطیل

۴- کنج

۵- سر و شانه ادامه دهنده

۱- الگوی ادامه دهنده مثلث بر ۴ نوع است: مثلث افزایشی، کاهشی، متقارن و پهن شونده

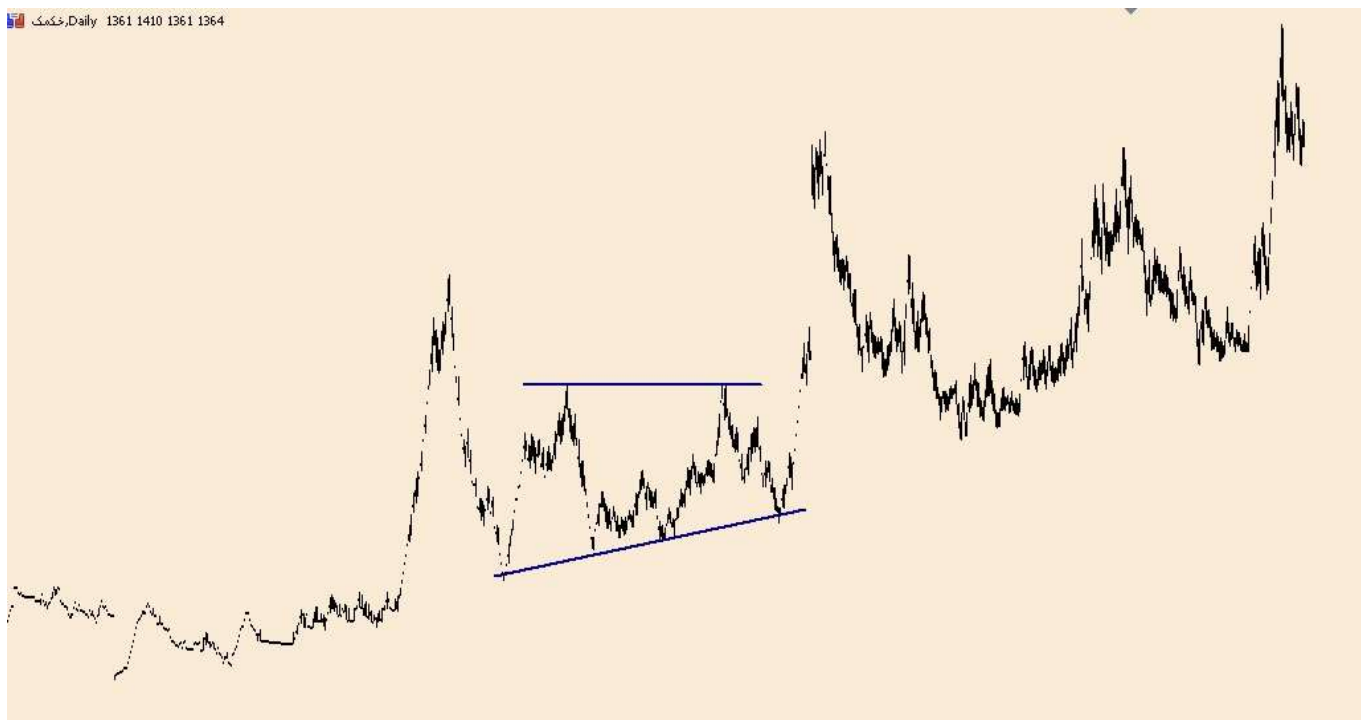
الف) مثلث افزایشی



۲ مثلث افزایشی در پارسان که هر دفعه باعث ادامه روند صعودی آن شده است.



مثلث افزایشی و ادامه روند صعودی در خکمک

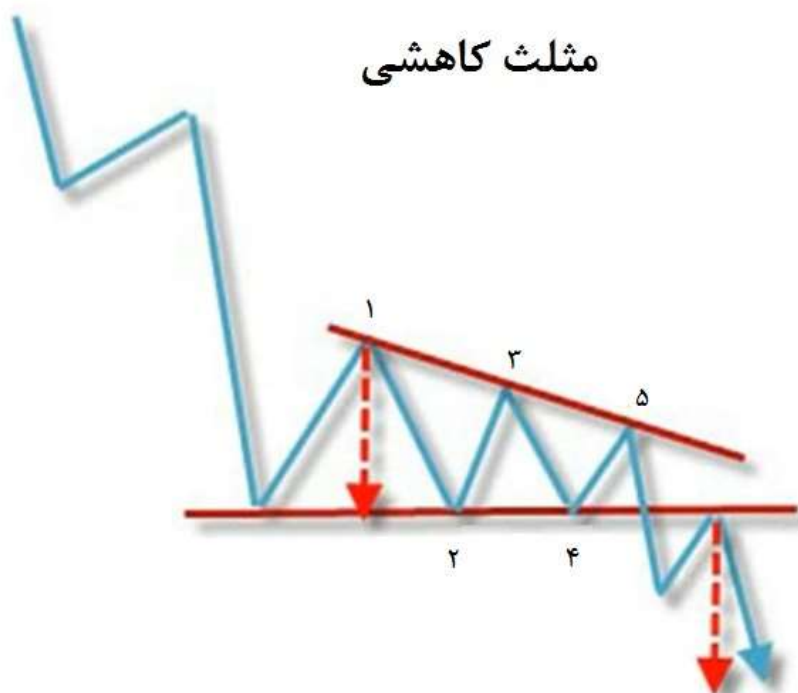


مثلث افزایشی در لبوتان

تثبیت قیمت روی ضلع بالایی مثلث سیگنال خرید مطمئنی صادر خواهد کرد.



ب) مثلث کاهشی



مثلث کاهشی در فولاد



مثلث کاهشی در فسرب

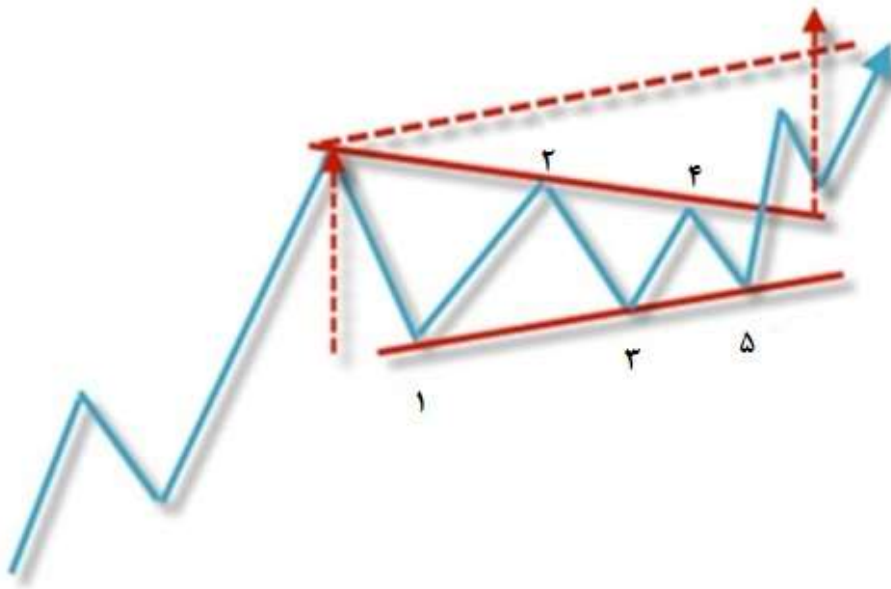


مثلث کاهشی در کفرا



پ (مثلث متقارن (Symmetrical Triangle)

الگوی مثلث متقارن



مثلث متقارن در ثاباد



مثلث متقارن در شخارک



د) مثلث پهن شونده (Expanding Triangle)

این الگو نسبت به الگوهای مثلث دیگر کمتر اتفاق می افتد.

مثلث پهن شونده



مثلث پهن شونده در فارسی



مثلث پهن شونده در وصنا



مثلث پهن شونده در روند نزولی



۲- پرچم ها

۲ نوع الگوی پرچم داریم: پرچم سه گوش (Pennant) و پرچم چهارگوش (Flag)

پرچم ها از نوع الگوهای ادامه دهنده هستند و در صورت تشکیل روند قبلی خود را شارپتر ادامه می دهند.

الف) پرچم سه گوش

الگوی پرچم سه گوش



پرچم سه گوش در سپاها



پرچم سه گوش در ولصنم



الگوی پرچم چهارگوش در سکرما

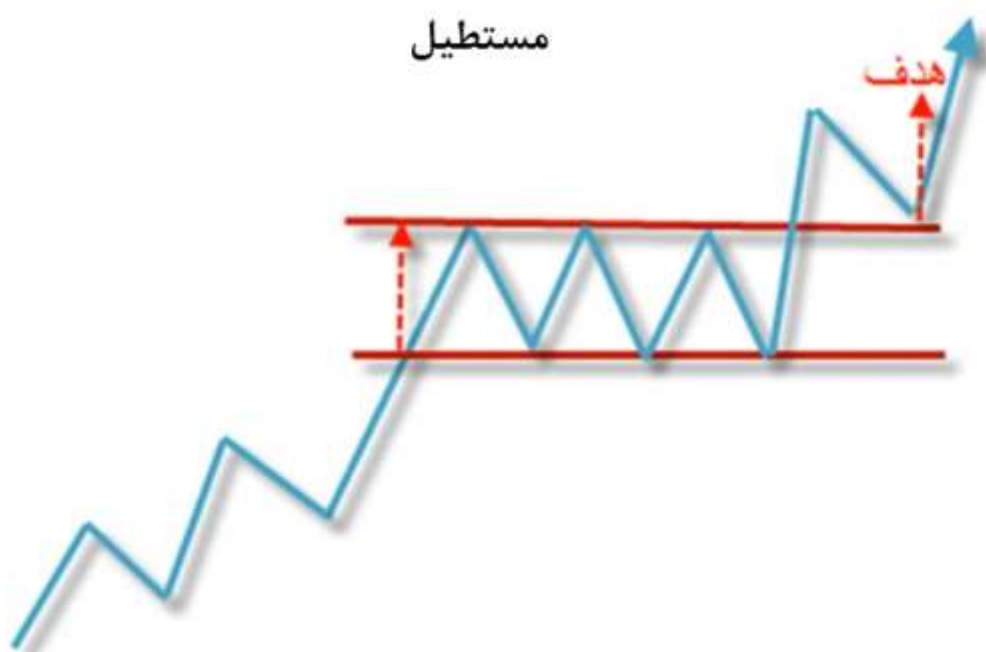


پرچم چهارگوش در سرود



۳- الگوی مستطیل

این الگو از الگوهای ادامه دهنده می باشد اما اگر در جهت روند قبلی ضلع مستطیل را بشکنند. بطور کلی ترید در داخل یک مستطیل توصیه نمی شود چون ریسک بالایی دارد و هر لحظه ممکن است یکی از اضلاع آن شکسته شود. بعنوان مثال در شکل زیر اگر سقف مستطیل شکسته شود سهم به روند صعودی قبلی خود ادامه می دهد اما اگر کف مستطیل شکسته شود آنگاه با یک الگوی سقف ۲ یا ۳ قلو طرف هستیم که از نوع الگوهای بازگشتی است.



الگوی مستطیل در شاهد



الگوی مستطیل در لایسا



۴) الگوی کنج (Wedge)

این الگو بسیار شبیه به الگوی مثلث و الگوی پرچم سه گوش می باشد اما تیزتر از آن می باشد و روند با شتاب بیشتری بعد از آن حرکت می کند. همچنین مدت زمانی که برای تشکیل یک کنج طول می کشد کمتر از یک ماه است.

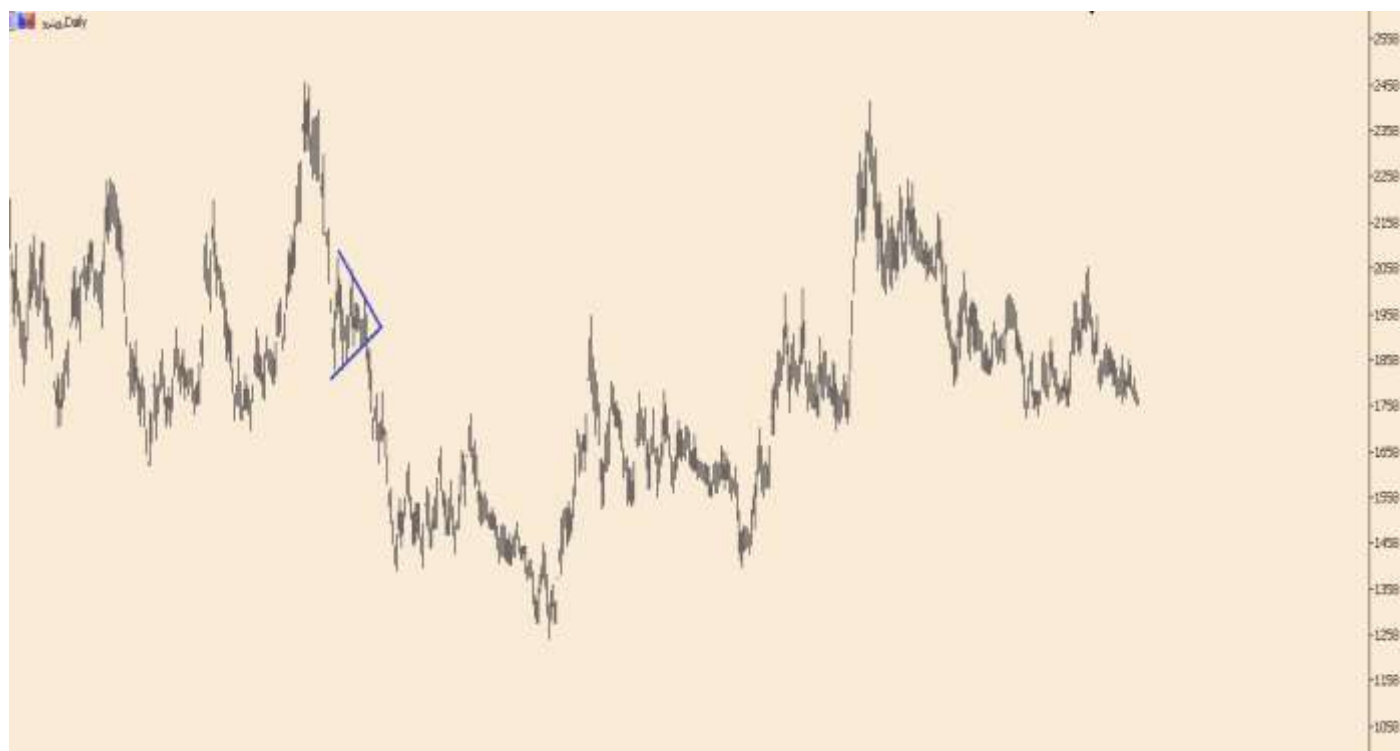
الگوی کنج



الگوی کنج در وگستر

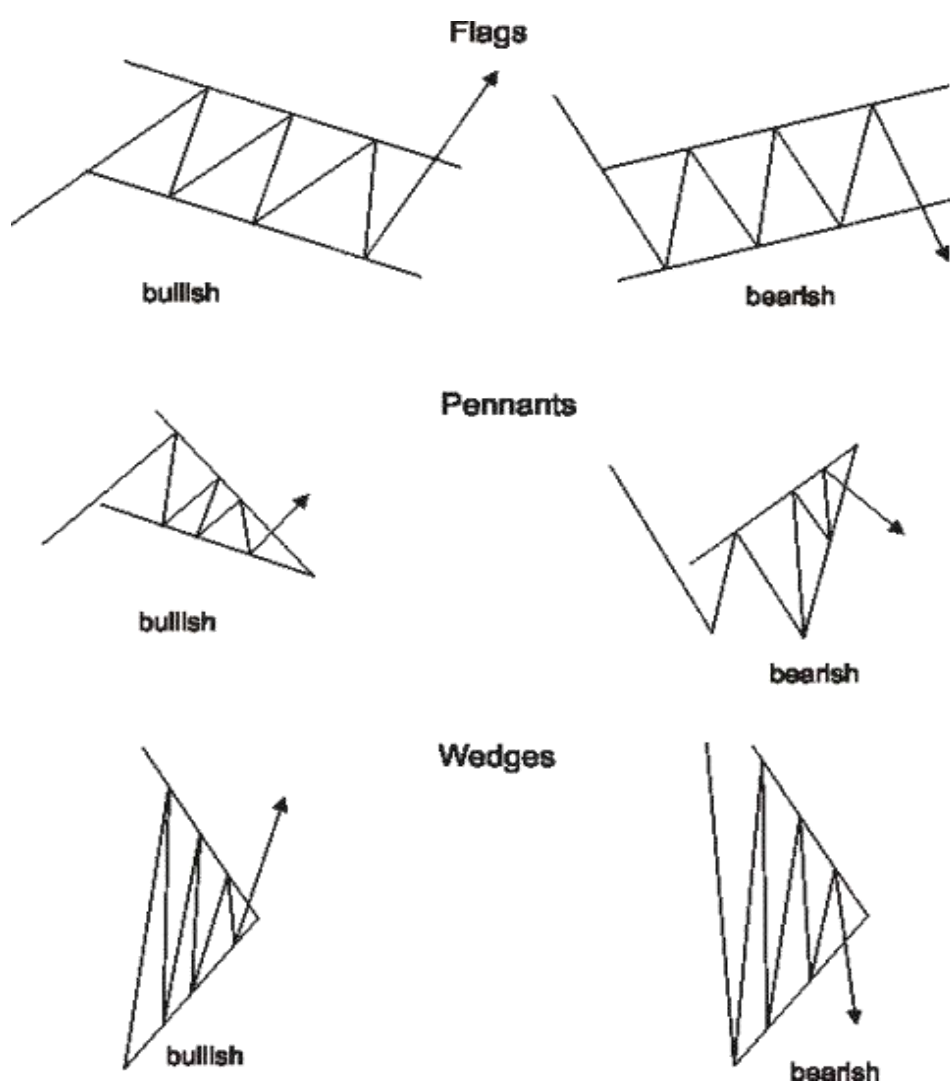


الگوی کنج نزولی در وپترو



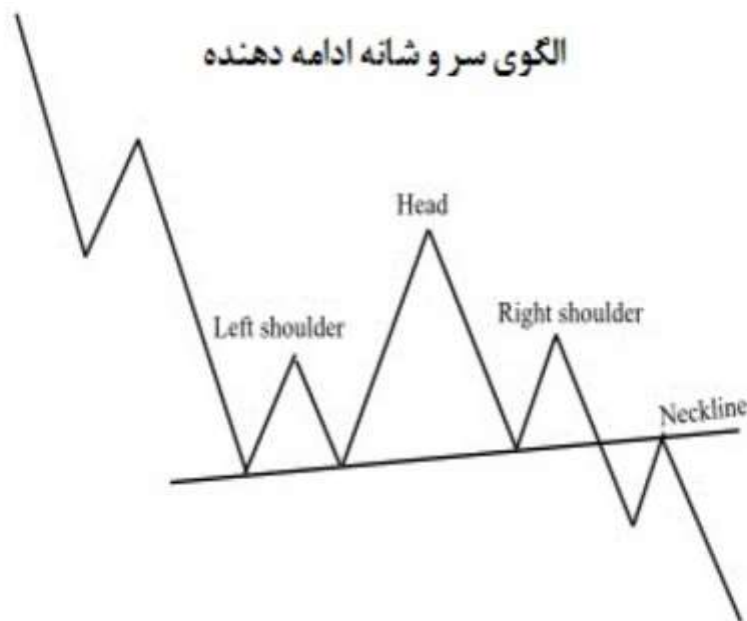
بطور کلی تفاوت های ظاهری سه گروه پرچم های سه و چهار گوش و کنج ها را در شکل زیر

می بینیم:



۵- الگوی سر و شانه ادامه دهنده

نوعی از الگوی سر و شانه وجود دارد که اگر در میانه روند صعودی یا نزولی شکل گیرد از نشانه های ادامه آن روند است. اگر در میانه روند نزولی تشکیل شود به آن الگوی سر و شانه ادامه دهنده می گویند.



اگر در یک روند نزولی الگوی سر و شانه تشکیل شود، دیگر از نوع الگوی بازگشتی نخواهد بود. این الگو که به صورت خرسی (Bearish) می باشد به ندرت اتفاق می افتد و شامل ۲ شانه چپ و راست، سر و خط گردن می باشد. دقت شود این الگو از نوع بازگشتی نیست چون در این روند نزولی الگوی سر و شانه معکوس تشکیل نشده است.

اگر در میانه یک روند صعودی تشکیل شود به آن الگوی سر و شانه معکوس ادامه دهنده می گویند.



اگر در یک روند صعودی الگوی سر و شانه معکوس تشکیل شود، دیگر از نوع الگوی بازگشتی نخواهد بود. این الگو که به صورت گاوی (Bullish) می باشد به ندرت اتفاق می افتد و شامل ۲ شانه چپ و راست، سر و خط گردن می باشد. دقت شود این الگو از نوع بازگشتی نیست چون در این روند صعودی الگوی سر و شانه تشکیل نشده است.

بخش دهم) اندیکاتورها

اندیکاتور چیست؟

اندیکاتور ها (indicator) یا ترجمه فارسی آن شاخص ها مجموعه ای از توابع هستند که از انواع میانگین ها یا حجم معاملات برای گرفتن هشدارها، تاییدها و از همه مهمتر سنجش قدرت روند ها و یا حتی پیش بینی آینده روند ها در کنار الگو ها و یا سایر ابزار ها در نمودارها مورد استفاده قرار میگیرند.

اندیکاتور ها به چهار خانواده اصلی تقسیم میشوند:

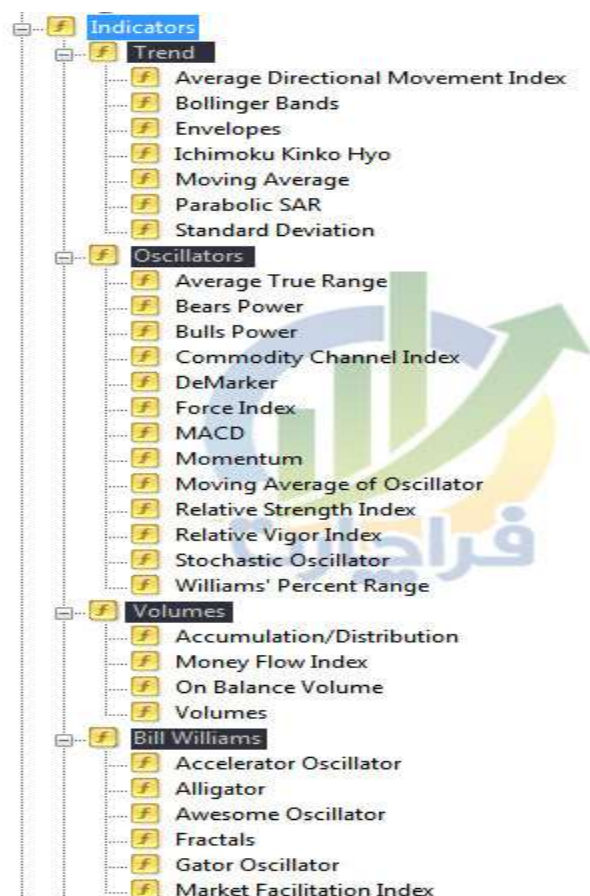
۱- روندها (Trend): شناخته شده ترین اعضای این خانواده ابرهای ایچیموکو انواع مووینگ اوریج ها هستند مهمترین ویژگی مشترک اعضای این خانواده قرار گرفتن اندیکاتور ها بر روی خود نمودار قیمتی (میل و یا کندل ها) است.

۲- اسیلاتورها (Oscillators): به تفصیل در ادامه مطلب توضیح داده خواهد شد.

۳- حجم (volume): دسته ای از اندیکاتور ها که صرفا حجم و ارزش معاملات رو مورد آنالیز قرار میدهند همان اندیکاتور حجمی که عموم تحلیل گران در زیر نمودارهایشان قرار میدهند از این خانواده هستند.

۴- اندیکاتور بیل ویلیام (Bill Williams): مجموعه ای از اندیکاتور های که جناب بیل ویلیامز خالق آنها بوده و به احترام تلاش های ایشان در یک خانواده قرار گرفته اند شناخته شده ترین اندیکاتور این خانواده اندیکاتور Alligator هست البته در این خانواده دو اسیلاتور نیز وجود

دارد، Accelerator oscillator و awesome oscillator که در بازار ایران کمتر استفاده میشود.



بعضی معامله گران اندیکاتورها را با اسیلاتورها اشتباه میگیرند و فرض می کنند این دو یکی هستند. در اینجا تفاوت های این دو را به اختصار بیان می کنیم.

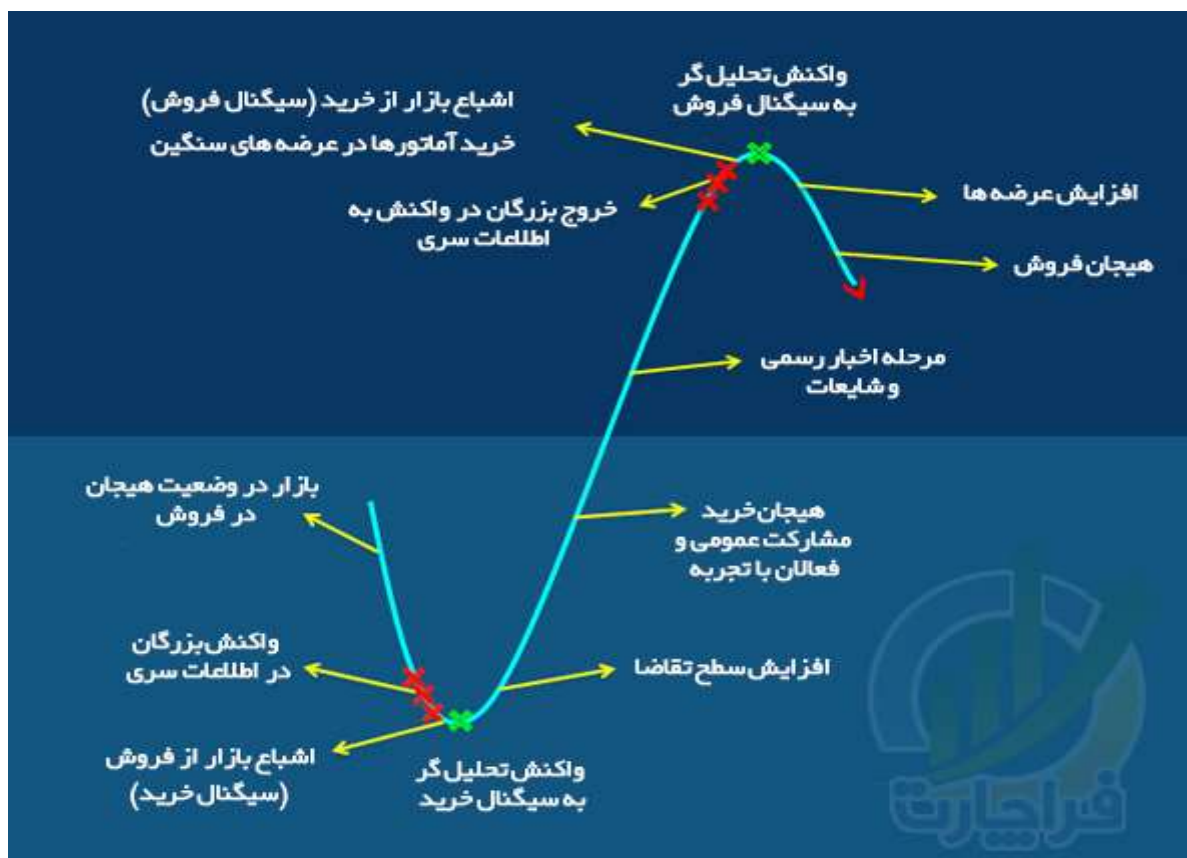
همانطور که مشاهده کردید اسیلاتور ها یکی از ۴ زیر مجموعه خانواده اندیکاتور ها هستند. پس به یاد داشته باشید نه تنها دو لغت اندیکاتور و اسیلاتور هم معنی و مترادف نیستند بلکه

اسیلاتور ها یکی از زیر مجموعه های اندیکاتور ها محسوب میشوند و این اولین تفاوت اسیلاتور و اندیکاتور هست.

اسیلاتور چیست؟

اسیلاتور ها (oscillators) یا ترجمه فارسی آن نوسانگرها به مجموعه ای از اندیکاتور ها اطلاق میشود که هدفشان درک و سنجش میزان هیجان خریداران و فروشندگان است. در حقیقت اسیلاتور ها سعی دارند دماسنج هیجانات خریداران و فروشندگان فعال در سهم باشند و ما را از میزان هیجان خرید و فروش حاضر در معاملات آگاه کنند .

به تصویر بسیار مشهور سیکل هیجانات روحی سرمایه گذاران توجه کنید. اسیلاتور ها دقیقا سعی دارند به شما بگویند معامله گران در چه مرحله و نقطه ای از این سیکل هستند.



به همین خاطر اسیلاتور ها دارای دو محدوده هستند، اشباع خرید اشباع فروش. بنابراین تفاوت دوم آنها قرار گرفتن محدوده خرید و فروش هیجانی در اسیلاتور ها می باشد. در عموم اسیلاتور های مشهور اشباع خرید در محدوده بیش از ۷۰ قرار دارد و حکایت از اوج هیجان زدگی در خریداران است و اشباع فروش در محدوده کمتر از ۳۰ و حکایت از اوج هیجان شتاب زدگی در فروشندگان است. این در حالیست که در سایر اندیکاتور ها مانند ADX ، مووینگ اوریج ها ابر های ایچیموکو و ... چنین چیزی وجود ندارد. پس نوسانگرهای پر کاربرد RSI و DT oscillator و Stochastic و CCI و MACD از نوع اسیلاتور هستند.



تفاوت سوم اسیلاتور ها و اندیکاتور ها در گرفتن واگرایی هاست. ما صرفاً اجازه داریم از اسیلاتور ها واگرایی بگیریم. اسیلاتور هایی مثل MACD و RSI و CCI محبوب ترین اسیلاتور ها برای گرفتن واگراییست. در سه زیر مجموعه دیگر اندیکاتور ها شامل اندیکاتور های حجم، اندیکاتور های روند، اندیکاتور های بیل ویلیامز واگرایی گرفتن متداول و معمول نیست علت این امر به فلسفه ماهیت و فرمول سایر اندیکاتور ها بر میگردد. بحث واگرایی ها بسیار بحث مهم و

پرکاربردی هست که در دروس آینده مفصل توضیح داده خواهد شد. در این بخش به معرفی چند اندیکاتور مهم می پردازیم:

از خانواده Trend ها:

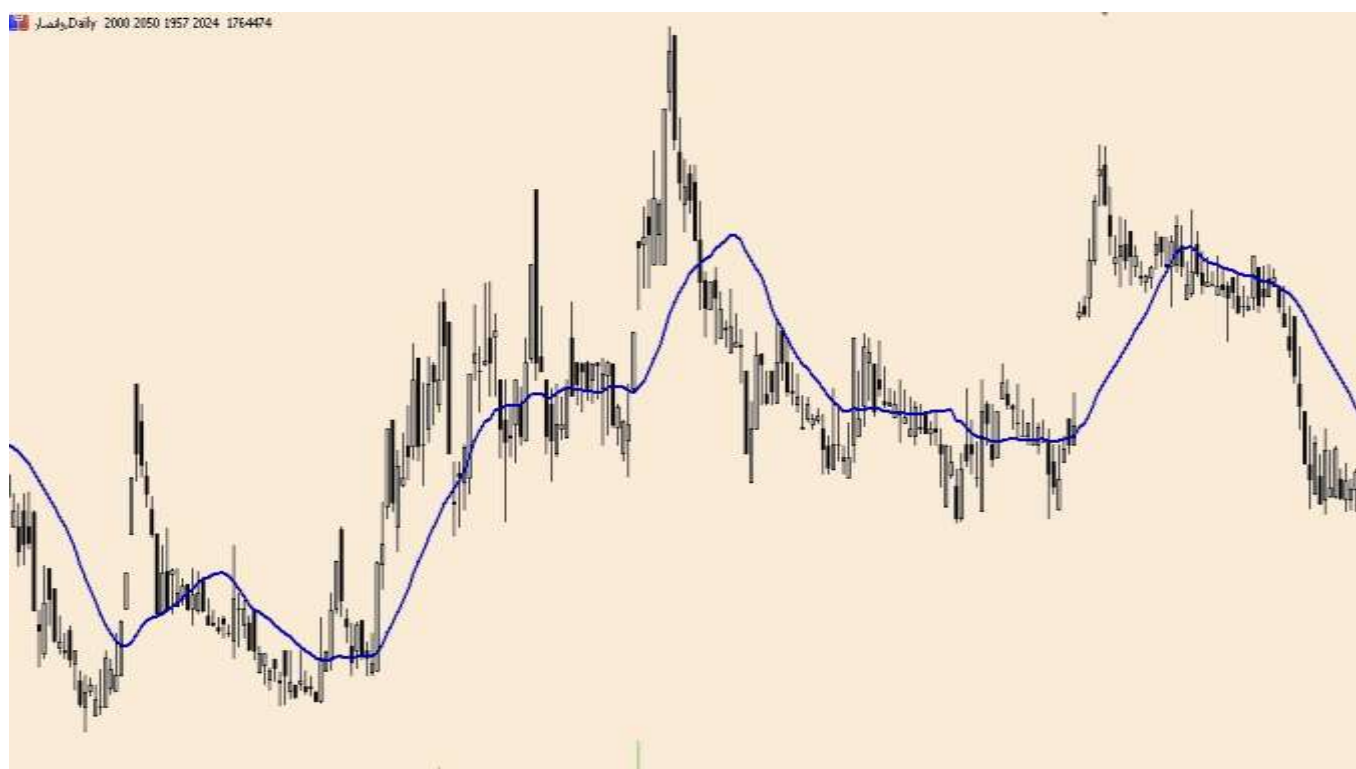
۱- اندیکاتور مووینگ اوریج: مووینگ اوریج ها (MA) جزو اندیکاتورهای تعقیب کننده قیمت هستند و به علت اینکه در فرمول داخلی اکثر اندیکاتورها به نوعی و با تقدم و تاخر خاصی از فرمول مووینگ اوریج ها استفاده شده به مووینگ اوریج ها مادر اندیکاتور ها را نیز اطلاق میشود.

فرمول تهیه مووینگ اوریج ها از ساده ترین تا پیچیده ترین آنها بر یک مبنای کلی استوار هست و آن میانگین گیری و معدل گیری از قیمت هست به این صورت که اگر یک مووینگ اوریج را بر روی چارت بیندازید یک گراف و یک نموداری را در کنار قیمت مشاهده می کنید که تا حد زیادی نوسانات قیمت را فیلتر کرده و دنبال قیمت در حرکت است.

در حالت ساده فرمول ساخت یک مووینگ اوریج $SUM(CLOSE, N)/N$ که SUM به معنای مجموع و N به معنای تعداد دوره و Close قیمت پایانی قیمت در آن دوره است.

وقتی ما یک مووینگ اوریج با پریود زمانی ۱۰۰ را روی تایم فریم روزانه قرار میدهیم به معنای این است که یک مووینگ اوریج ۱۰۰ روزه روی چارت داریم و هنگامی که همین مووینگ اوریج را در تایم پنج دقیقه قرار میدهیم به این معناست که ما یک مووینگ اوریج صد تا پنج دقیقه

روی چارت انداختیم. پس در کل مووینگ اوریجی که در چارت استفاده میشه با تایم فریم آن نسبت مستقیم دارد.



کاربردهای این اندیکاتور عبارتند از:

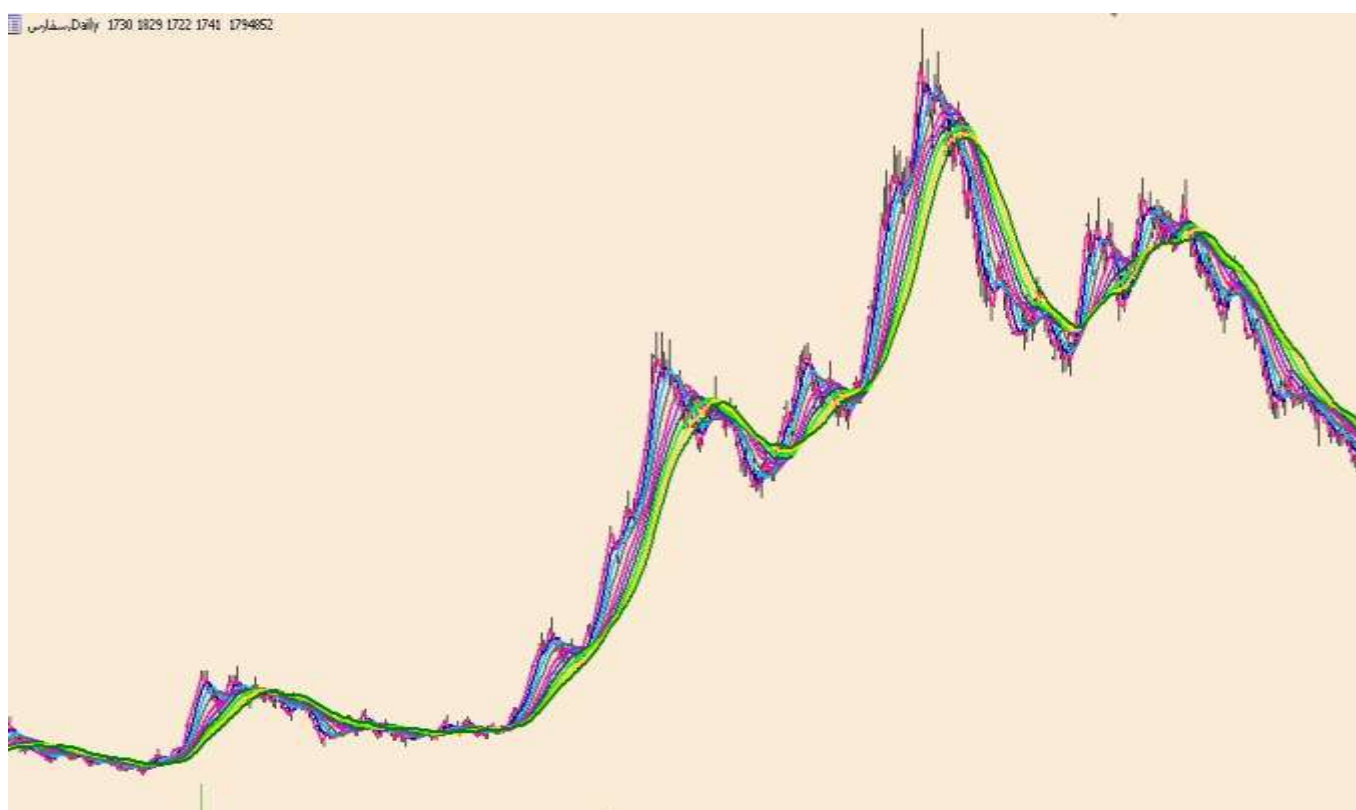
۱- به عنوان حمایت و مقاومت داینامیک: هنگامی که خط اندیکاتور زیر قیمت هست زمان برخورد قیمت آن سطح یک سطح حمایتی برای قیمت سهم است و اگر خط اندیکاتور بالای روند قیمتی باشد برخورد قیمت با آن سطح یک سطح مقاومتی برای قیمت سهم است.



۲- از کراس و برخورد مووینگ با هم می توان سیگنال خرید و فروش گرفت: در این روش به حداقل دو مووینگ اوریج نیاز هست، یکی با پریود زمانی بالا یعنی کند تر و دیگری با پریود زمانی کوچک یعنی تند تر. زمانی که مووینگ تند تر مووینگ کندتر را رو به پایین قطع کند سیگنال فروش صادر میشود و زمانی که مووینگ تند تر مووینگ کندتر را رو به بالا قطع کند سیگنال خرید صادر می شود. البته ضعف این روش در بازارهای رنج (خنثی) است که دائماً مووینگها در هم پیچیده و تنیده میشوند ولی در بازارهای روند دار عالی عمل میکنند.



۳- استفاده از خاصیت دافعه و جاذبه در میان مووینگ اوریج ها: در این روش به حدودا ۱۰ عدد مووینگ اوریج با پریودهای زمانی مناسب نیاز داریم. وقتی همه ی این ده مووینگ اوریج به هم فشرده میشوند مانند یک فنر فشرده شده عمل می کنند و قدرت زیادی در آنها ذخیره میشود که این انرژی می تواند در جهتی خاص آزاد شده و منجر به افزایش یا کاهش شدید قیمت شود. که در این حالت مووینگها به تدریج از هم دور میشوند (دفع میشوند).



۲- باندهای بولینگر (Bollinger Bands):

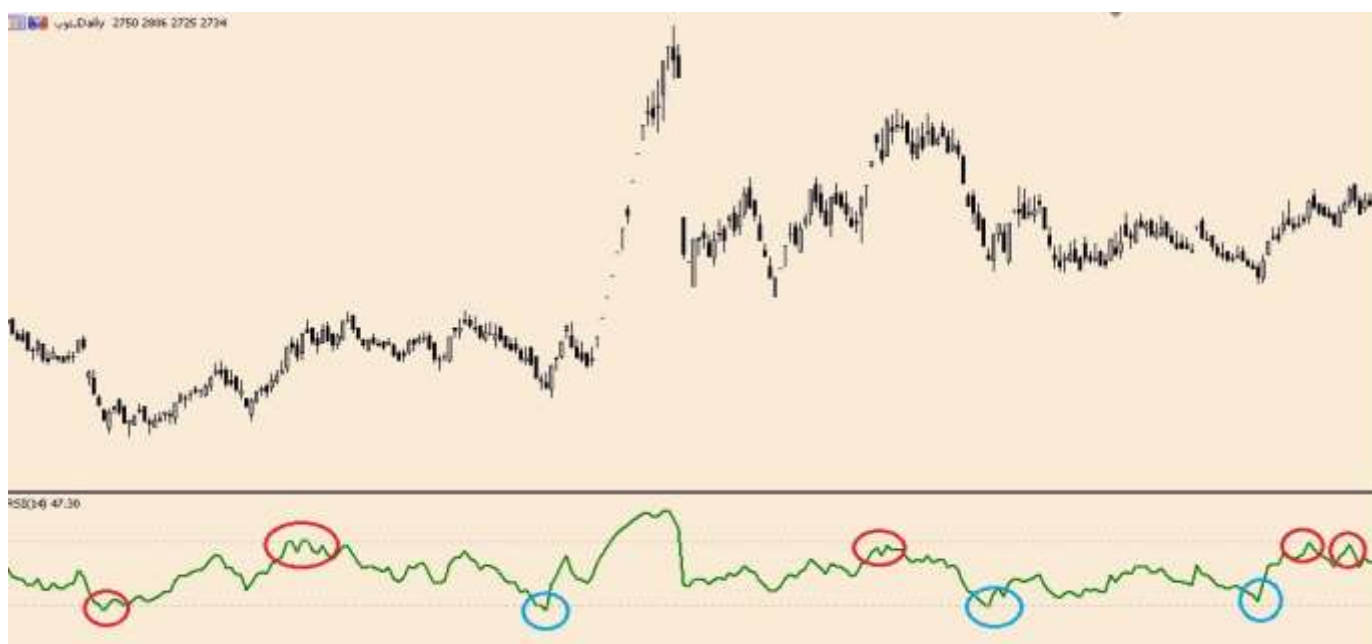
باندهای بولینگر اندیکاتوری بر اساس دو باند انحراف از معیار یک میانگین متحرک هستند. باندهای این اندیکاتور حکم حمایت و مقاومت را می تواند در بازار داشته باشد و حداقل میزان بازگشت قیمت بر اساس این حمایت و مقاومت ها تا خط مرکزی این اندیکاتور یعنی همان میانگین متحرک آن می باشد. در صورتی که قیمت از یکی از این باندها عبور کند و یک یا چند کندل بصورت کامل بیرون از باندها شکل بگیرد نشان دهنده آغاز روند جدید است.

از کاربردهای دیگر باندهای بولینگر شناسایی قدرت نسبی روند جاری بازار است. هنگامی که دو باند بالایی و پایینی بسیار بهم نزدیک شوند نشانه عدم وجود روند در بازار است و هنگامی که دو باند از هم فاصله بگیرند نشانه وجود روند محکم و شتاب شدید در بازار است. در نتیجه زمانی که دو باند بسیار بهم نزدیک می شوند معامله گران انتظار دارند حرکت پرشتاب جدیدی در بازار آغاز شود.



۱- نوسان نمای شاخص قدرت نسبی (Relative Strength Index):

شاخص قدرت نسبی یا RSI در سال ۱۹۷۸ معرفی شده و از محبوبیت زیادی در میان معامله گران برخوردار است. RSI از نوع نوسانگرهایی است که سرعت و شتاب تغییرات قیمت را اندازه گیری می کند و همانند بیشتر نوسانگرها به بخش پایینی نمودار قیمت اضافه می شود. این اسیلاتور بین ۰ تا ۱۰۰ نوسان می کند که دو سطح مهم آن یعنی ۳۰ و ۷۰ نشان دهنده سطوح «بیش فروش یا فروش افراطی» و «بیش خرید یا خرید افراطی» است. هنگامی که RSI به سطح ۳۰ نزدیک می شود این سطح حکم یک حمایت برای آن دارد و معامله زیر این سطح از فرصت های خرید محسوب می شود. اما باید توجه کرد که ابزارهای دیگر تحلیلی نیز سیگنال خرید را بدهند. ممکن است سهمی مدت های بسیار زیر سطح ۳۰ در حال پیشروی باشد اما نشانی از تغییر روند و امید به صعود در آن مشاهده نشود. همچنین سطح ۷۰ مقاومت سهم بوده با شکست آن می توان به صعود بیشتر امیدوار بود. توجه کنید خرید در بالای سطح ۹۰ بسیار پرریسک تلقی می شود.



۲- اسیلاتور شاخص کانال کالا (Commodity Channel Index)

شاخص کانال کالا (Commodity Channel Index) ، اندیکاتوری است که توسط «دونالد لامبرت» ایجاد شده است. علیرغم هدف اولیه این اندیکاتور که تعیین روندهای جدید بود، از آن امروزه به شکل گسترده ای برای ارزیابی سطح کنونی قیمت ها در ارتباط با میانگین اش استفاده می شود.

این اسیلاتور حول و حوش خط میانی صفر و بین $100+$ تا $100-$ نوسان دارد. خط میانی صفر، همان سطح قیمت متوازن شده میانگین است. هر چه این اندیکاتور از خط میانی صفر بالاتر رود، رسیدن به سقف خرید بیشتر تضمین می شود و هرچه بیشتر وارد محدوده منفی شود، پتانسیل بیشتری برای افزایش قیمت وجود دارد.

قیمت متوازن شده به تنهایی نمی تواند به عنوان یک اندیکاتور شفاف نه جهت قیمت آینده را و نه قدرت آن را نشان دهد. همزمان باید به مقادیر بسیار مهم و امتدادهای متقاطع به دقت توجه شود.

سیگنال هایی که می توان از این اسیلاتور گرفت:

اگر از سطح $100+$ بالاتر رود، به معنای احتمال حرکت صعودی بیشتر است.

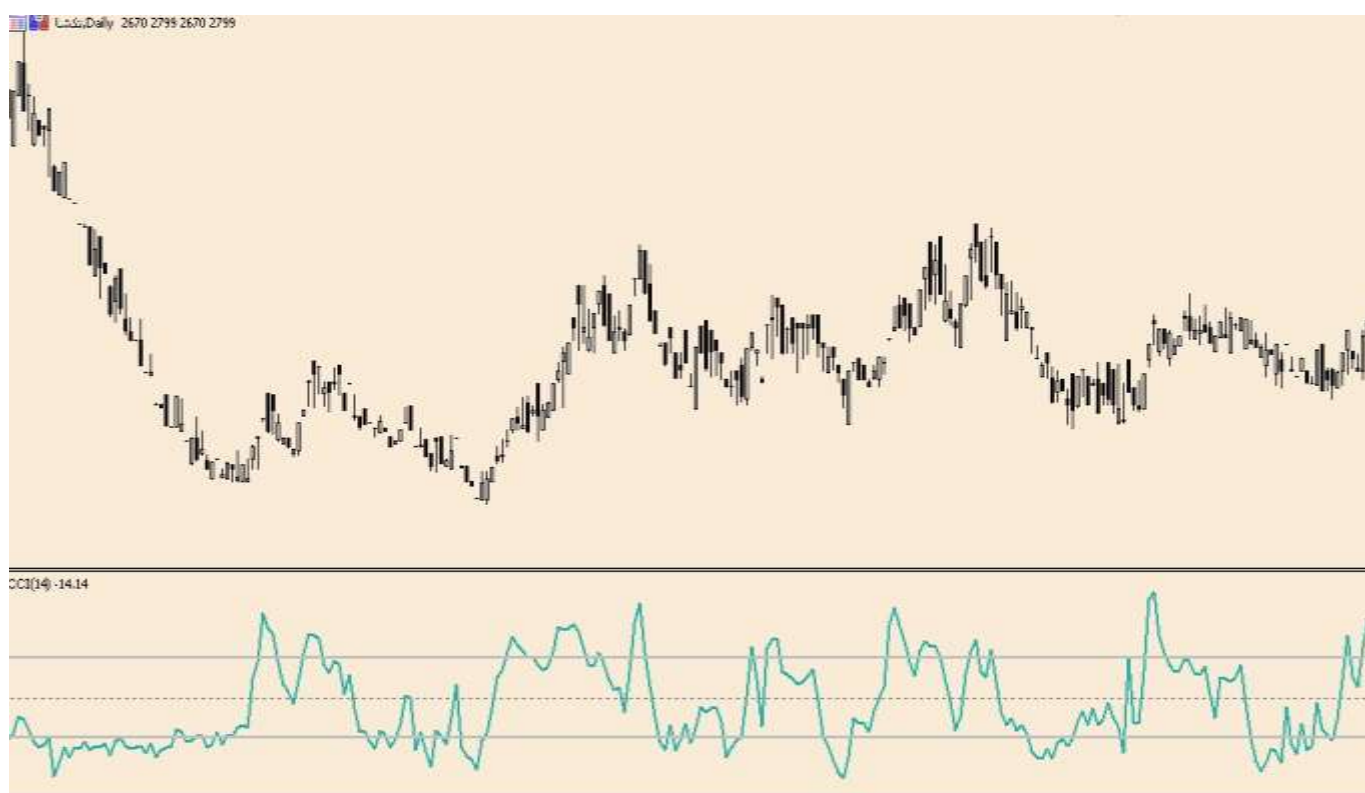
اگر از سطح $100+$ پایین تر برود، به معنای تغییر جهت 180 درجه ای است و سینگالی برای فروش محسوب می شود.

اگر از سطح $100-$ بالاتر رود، به معنای حرکت نزولی بیشتر است.

اگر از سطح -۱۰۰ پایین تر رود، به معنای تغییر جهت ۱۸۰ درجه ای است و سیگنالی برای خرید محسوب می شود.

اگر از پایین و به شکل صعودی خط میانی صفر را قطع کند به معنای تأیید خرید است.

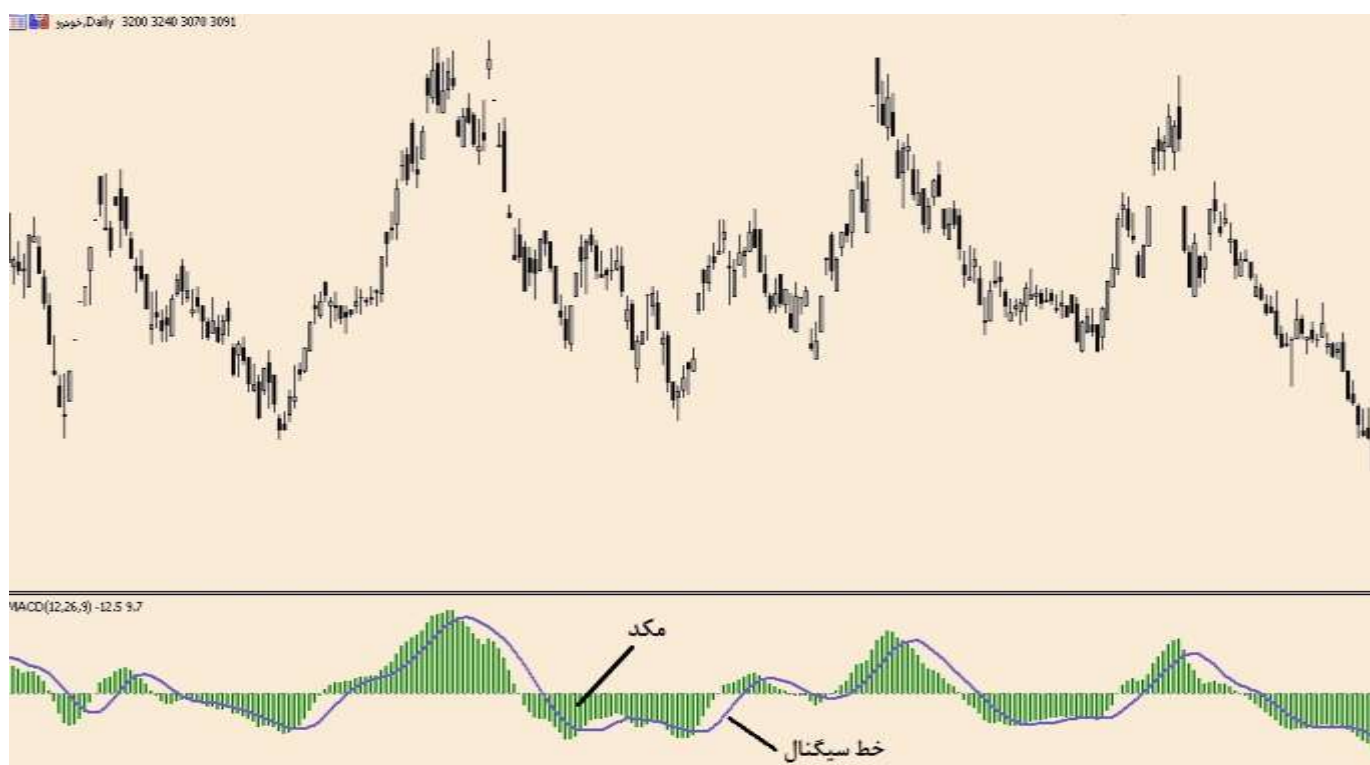
اگر از بالا و به شکل نزولی خط میانی صفر را قطع کند به معنای تأیید فروش است.



۳- اسلاتور مکد (MACD)

این اسلاتور ابداع آقای جرال د بی اپل می باشد. نحوه شکل گیری این اندیکاتور با استفاده از میانگین های متحرک می باشد. به این صورت که اگر مقادیر یک میانگین متحرک ۲۶ روزه

نمایی را از مقادیر میانگین متحرک ۱۲ روزه نمایی برای یک سهم کم نمایم اندیکاتور شکل گرفته مکدی خواهد بود. در این اندیکاتور میله های عمودی همان مکد و خطی که وجود دارد خط سیگنال نام دارد. اسیلاتور دیگری نیز وجود دارد به اسم مکد هیستوگرام که تفاوت بین نمودار مکد و نمودار خط سیگنال است.



مهم ترین کاربرد این نوسانگر در بحث واگرایی هاست که بعداً بطور کامل در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اما مکد کاربردهای دیگری هم دارد و می توانیم به راحتی از این نوسانگر سیگنال خرید یا فروش بگیریم. به گونه ای که اگر خط سیگنال در بالای خط صفر از میله های مکد خارج شود سیگنال فروش است. اگر در پایین خط صفر از میله های مکد خارج شود سیگنال خرید است. همچنین اگر در زیر خط صفر باشیم این خط مقاومتی برای سهم محسوب می شود و اگر

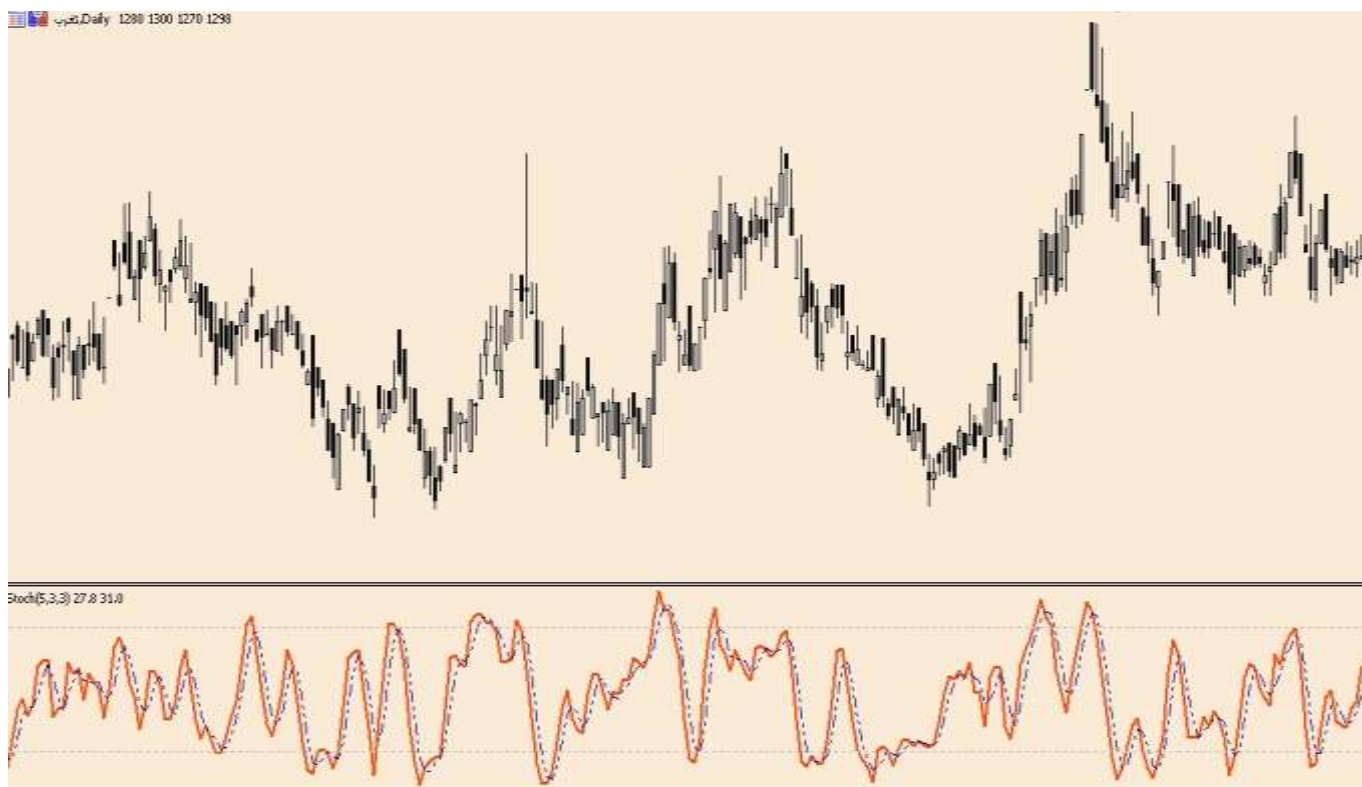
بالای آن باشیم نقش حمایت را خواهد داشت. بنابراین شکسته شدن سطح صفر توسط مکد به معنی احتمال صعود بیشتر و شکست آن به پایین به معنی احتمال نزول بیشتر در آن است.

توجه داشته باشید هیچوقت نباید به تنهایی با دیدن سیگنال های مکد یا هر اندیکاتور دیگری اقدام به ترید کرد حتما باید فاکتورهای دیگر و ابزارهای تحلیلی دیگر را نیز مورد بررسی قرار داد و سپس اقدام به گرفتن پوزیشن کرد.

۴- اسیلاتور استوکاستیک (Stochastic)

این نوسانگر در اواخر دهه ۱۹۵۰ معرفی شده و از نوع نوسانگرهایی است که سرعت و شتاب تغییرات قیمت را اندازه گیری می کند. از اندیکاتور Stochastic می توان برای پیش بینی تغییر روند قیمت ها و یا مشخص کردن زمان بیش خرید و بیش فروش شدن یک سهم یا دارایی کمک گرفت.

نوسان نمای Stochastic از یک منحنی اصلی و یک منحنی سیگنال تشکیل شده که مقادیر آن بین ۰ تا ۱۰۰ نوسان می کند. منحنی اصلی معمولا به صورت خط پیوسته، و منحنی سیگنال به صورت خط چین نمایش داده می شود. این اندیکاتور دو سطح مهم ۲۰ درصد و ۸۰ درصد دارد که نشان دهنده سطوح «بیش فروش» یا Oversold و سطح «بیش خرید» یا Overbought است.



سیگنال خرید ۱- زمان بیش فروش شدن: ورود منحنی اصلی Stochastic به محدوده ۲۰ درصد نشانه بیش فروش شدن نماد و احتمال افزایش قیمت ها است. هرچه Stochastic مدت بیشتری در محدوده بیش فروش (زیر ۲۰ درصد) باقی بماند احتمال تغییر روند نزولی بازار و در نتیجه افزایش قیمت ها نیز بیشتر می شود.

سیگنال خرید ۲- تقاطع صعودی منحنی اصلی و سیگنال (سیگنال ضعیف): عبور صعودی منحنی اصلی Stochastic به بالای منحنی سیگنال نشانه ای از احتمال تغییر روند نزولی بازار و رشد آتی قیمت ها است.

سیگنال خرید ۳- همگرایی نمودار قیمت و Stochastic: یعنی زمانی که در نمودار قیمت کف های نزولی و در منحنی Stochastic کف های صعودی تشکیل شود.

سیگنال فروش ۱- زمان بیش خرید شدن: ورود منحنی اصلی Stochastic به محدوده ۸۰ درصد نشانه بیش خرید شدن نماد و احتمال کاهش قیمت ها است. هر چه Stochastic مدت بیشتری در محدوده بیش خرید (بالای ۸۰ درصد) باقی بماند احتمال تغییر روند صعودی بازار و در نتیجه کاهش قیمت ها نیز بیشتر می شود.

سیگنال فروش ۲- تقاطع نزولی منحنی اصلی و سیگنال (سیگنال ضعیف): عبور نزولی منحنی اصلی Stochastic به زیر منحنی سیگنال نشانه ای از احتمال تغییر روند صعودی بازار و کاهش آتی قیمت ها است.

سیگنال فروش ۳- واگرایی نمودار قیمت و Stochastic: یعنی زمانی که در نمودار قیمت قله های صعودی و در منحنی Stochastic قله های نزولی تشکیل شود.

از خانواده Volume ها:

۱- اندیکاتور حجم معاملات (On Balance Volume)

این اندیکاتور قیمت و حجم معاملات را با یکدیگر ترکیب کرده تا نشان دهد آیا تغییرات قیمت قوی هستند یا ضعیف و بدون ثبات. این اندیکاتور اینگونه عمل میکند که اگر امروز قیمت سهم مثبت بود حجم معاملات امروز را به مقدار محاسبه شده دیروز اضافه میکند و اگر قیمت امروز سهم منفی بود آن را از مقدار دیروز کم می کند. بنابراین اگر سهمی قیمت امروزش از دیروزش کمتر باشد مقدار حجم آن از مقدار دیروز اندیکاتور OBV کم می شود. به عبارتی در این

اندیکاتور نتوانسته سقف دیروز را بشکند و با واگرایی همراه شده است بنابراین علاقه کمتر خریداران امروز نشاندهنده این است که افزایش قیمت ادامه نخواهد داشت و به نوعی سیگنال فروش است.

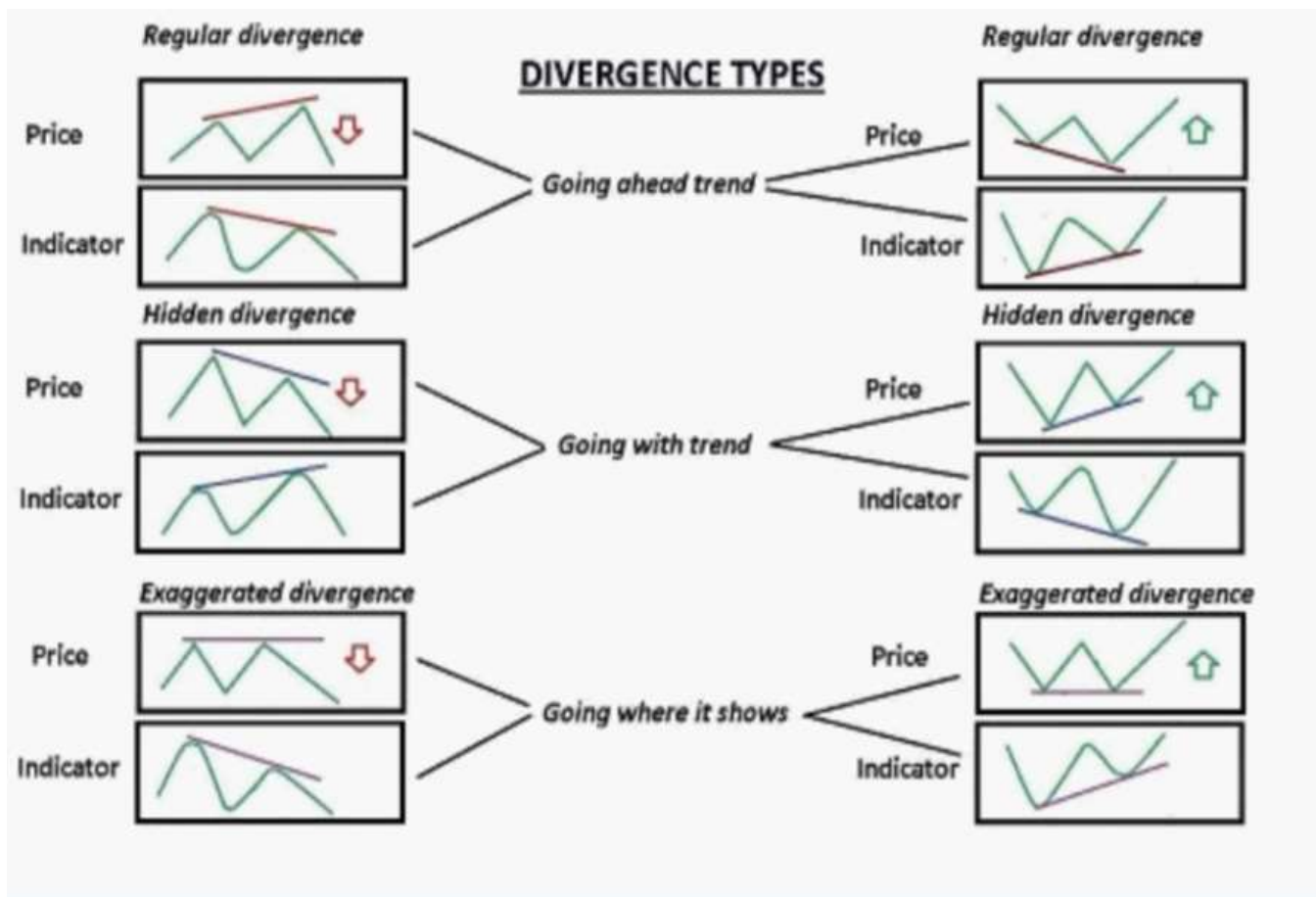
همچنین اگر حجم معاملات در روزهای منفی بیشتر از روزهای مثبت باشد بازهم یک واگرایی منفی داریم و این نشان دهنده این است که افزایش قیمتی که در روزهای اخیر داشته ایم توسط خریداران قدرتمند پشتیبانی نمی شود که این به هیچ عنوان سیگنال خرید محسوب نمی شود. عکس هر دو مطلب بالا نیز کاملاً محتمل و سیگنال خرید می باشد.



بخش یازدهم) واگرایی ها

مبحث واگرایی بسیار مهم و پرکاربرد است و می توان سیگنال های طلایی از آن گرفت. واگرایی در یک تعریف کلی به معنای حرکت قیمت و اندیکاتور در خلاف جهت یکدیگر میباشد و نتیجه این امر عموماً این است که در هنگام وقوع واگرایی قیمت از ادامه حرکت می ایستد و تغییر جهت میدهد.

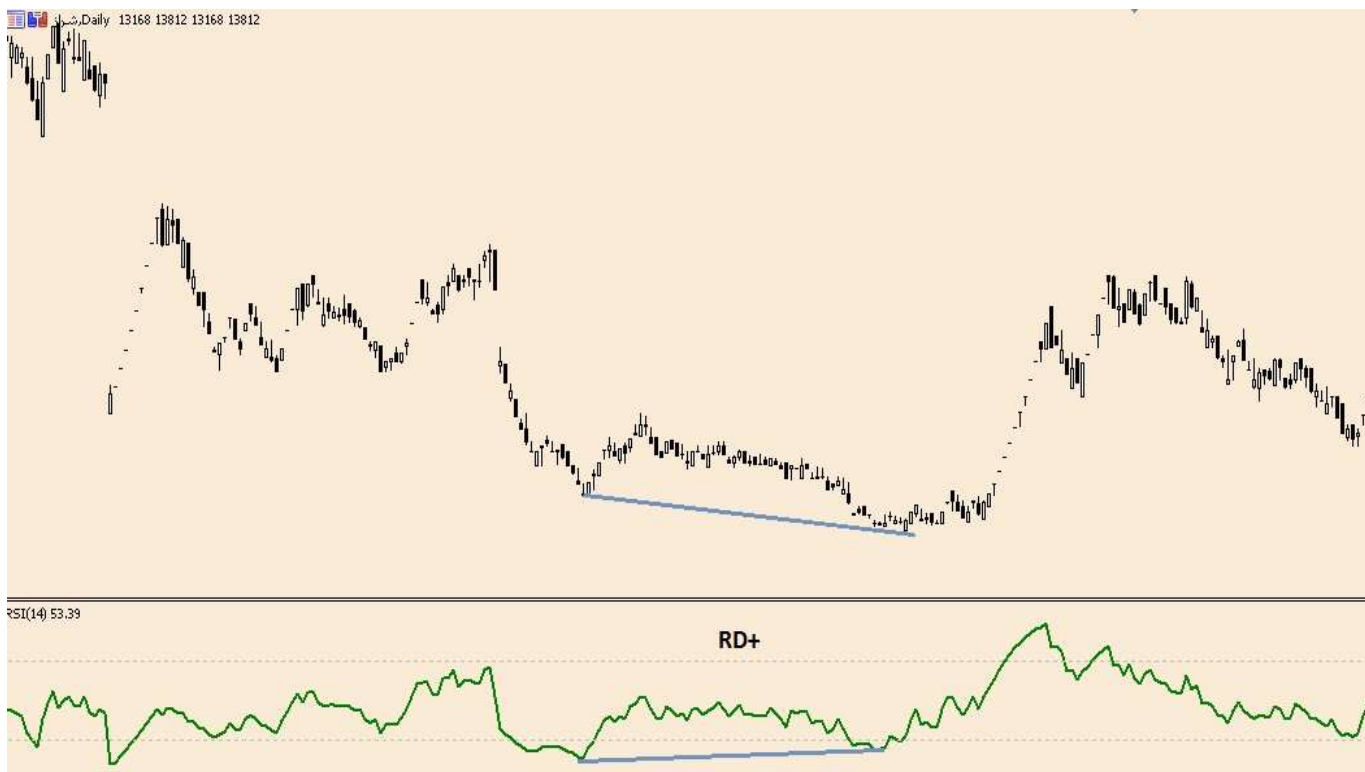
هنگامی که واگرایی در سقف ها اتفاق می افتد واگرایی منفی است و هنگامی که در کف ها اتفاق می افتد واگرایی مثبت است. سه نوع واگرایی داریم که هر کدام می توانند مثبت یا منفی شکل بگیرند. در شکل زیر کلیت واگرایی ها را مشاهده می کنید.



ستون سمت چپ واگرایی در سقف ها شکل گرفته پس واگرایی منفی است و سیگنال فروش صادر می شود. ستون سمت راست واگرایی در کف ها شکل گرفته پس واگرایی مثبت است و سیگنال خرید صادر می شود.

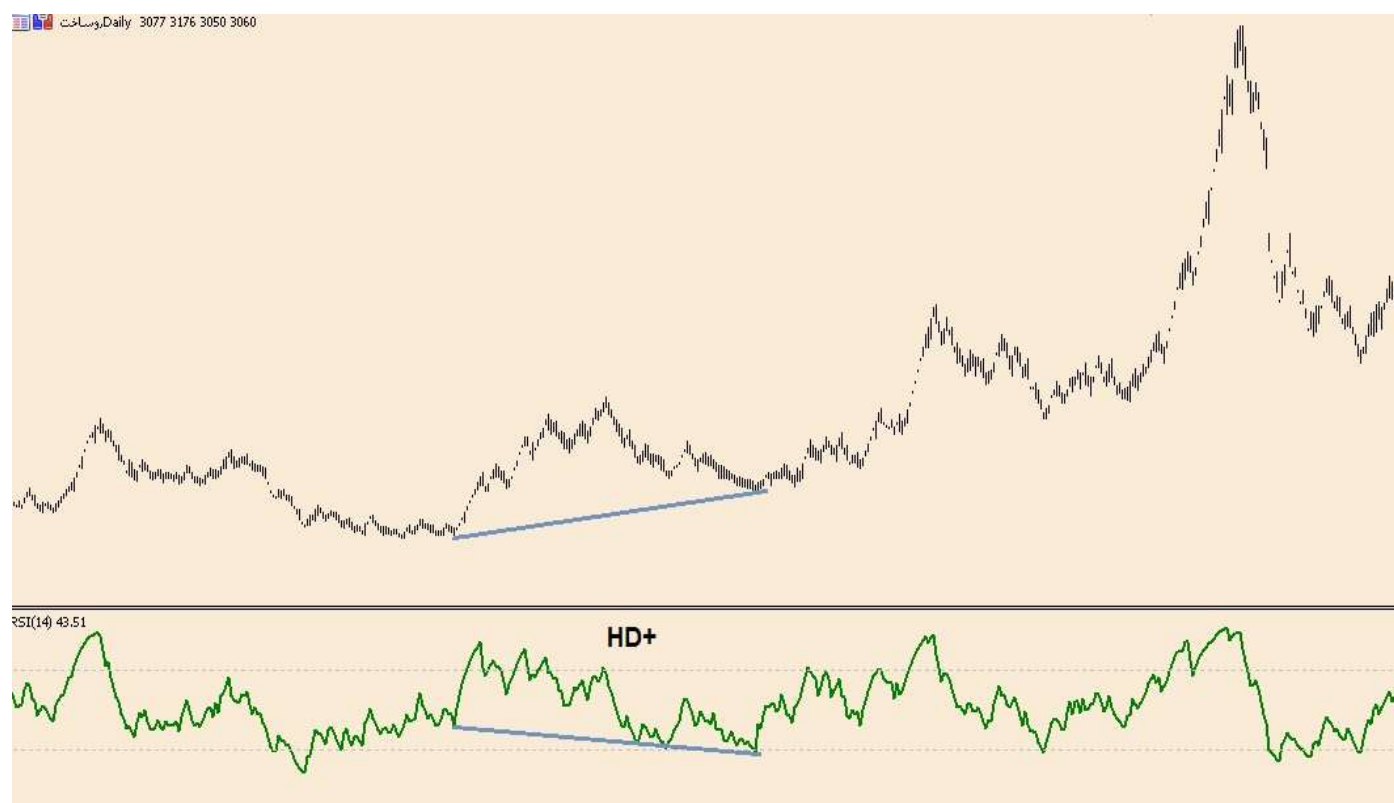
۱- واگرایی معمولی مثبت (Regular Divergence) یا به اختصار RD+





۲- واگرایی مخفی مثبت (Hidden Divergence) یا به اختصار HD+





۳- واگرایی اغراق آمیز مثبت (Exaggerated Divergence) یا به اختصار ED+

این واگرایی بسیار شبیه واگرایی معمولی یا Regular می باشد.



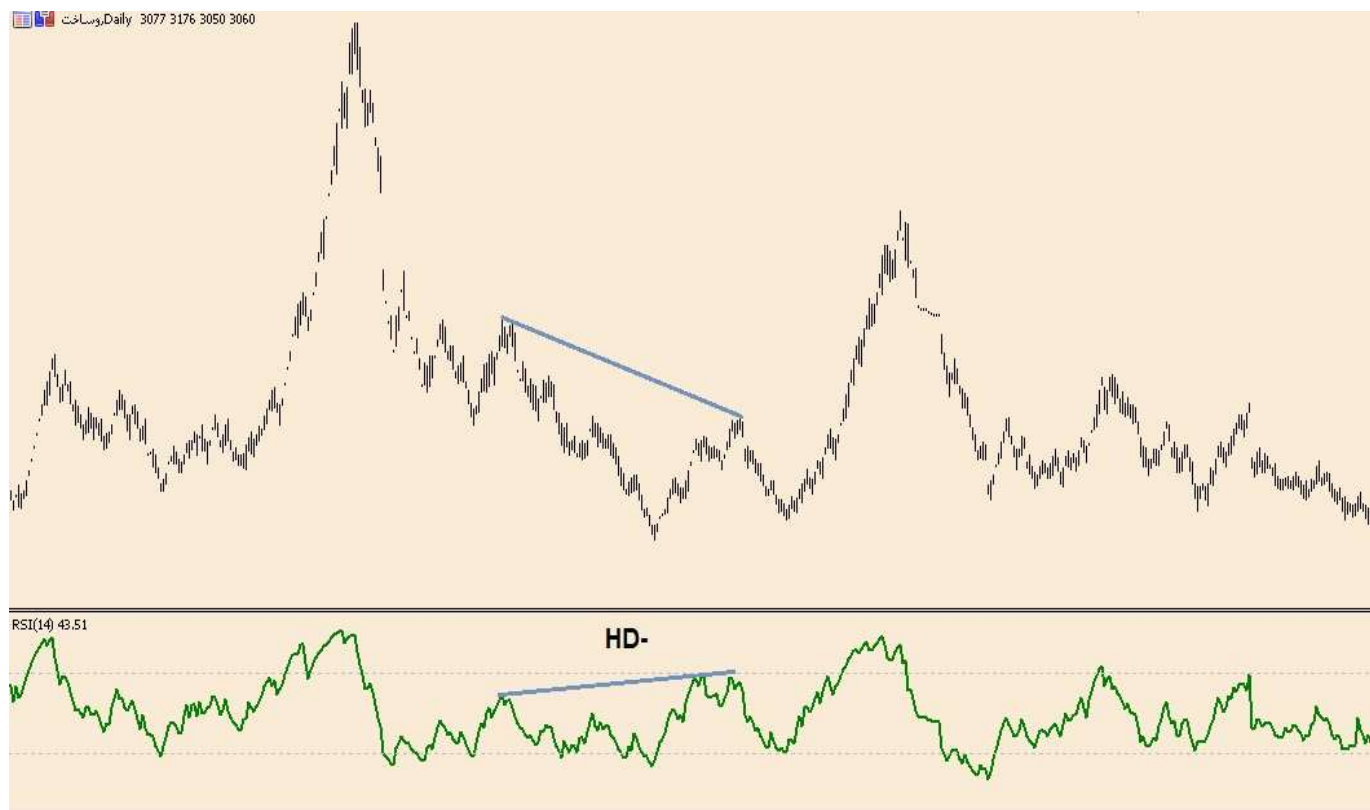


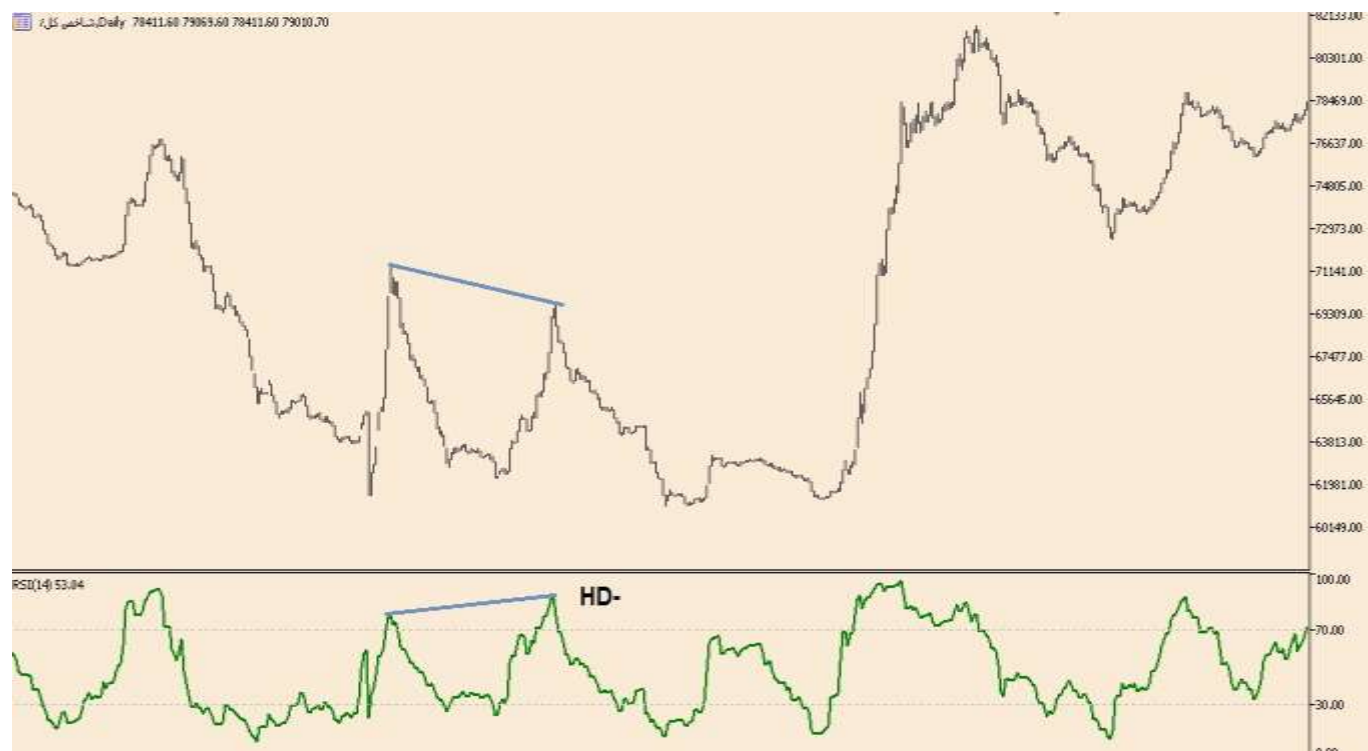
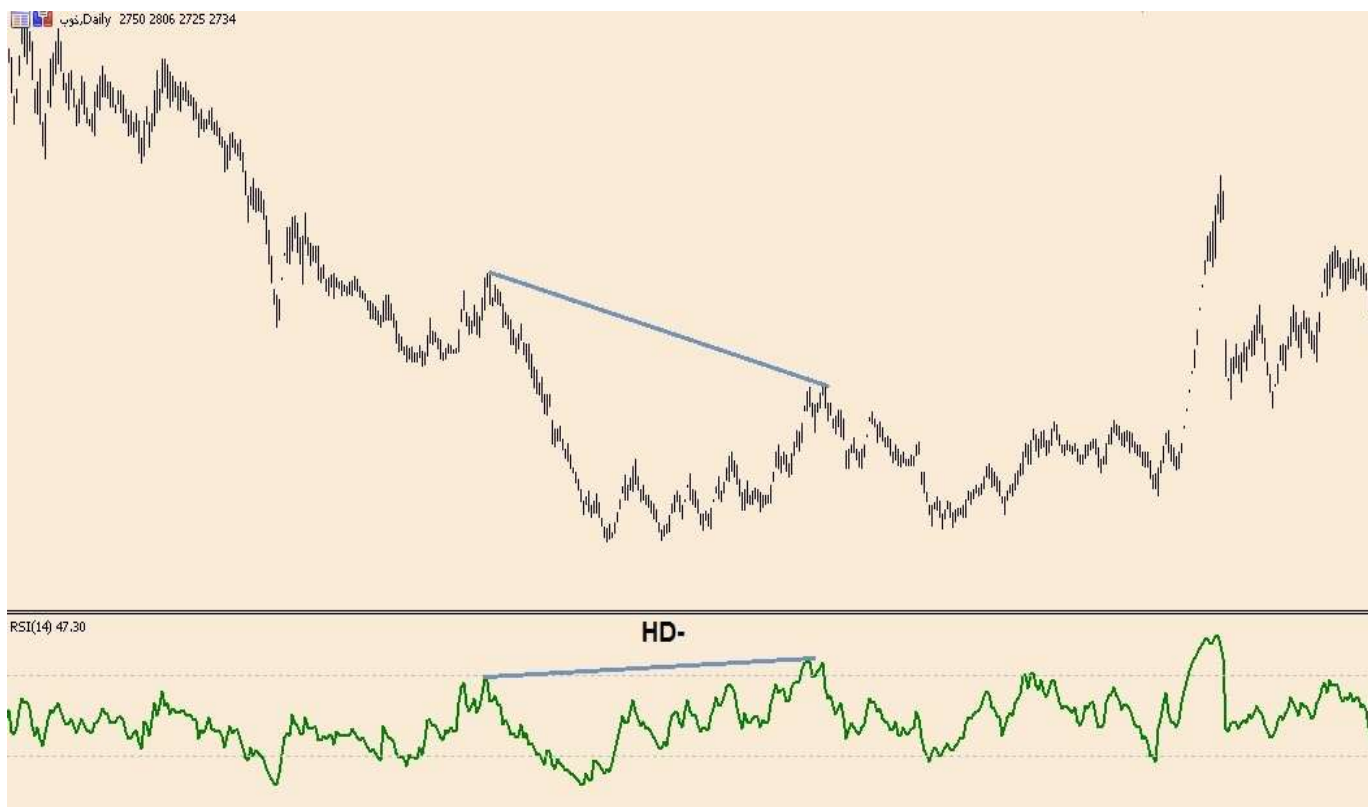
۴- واگرایی معمولی منفی یا RD-





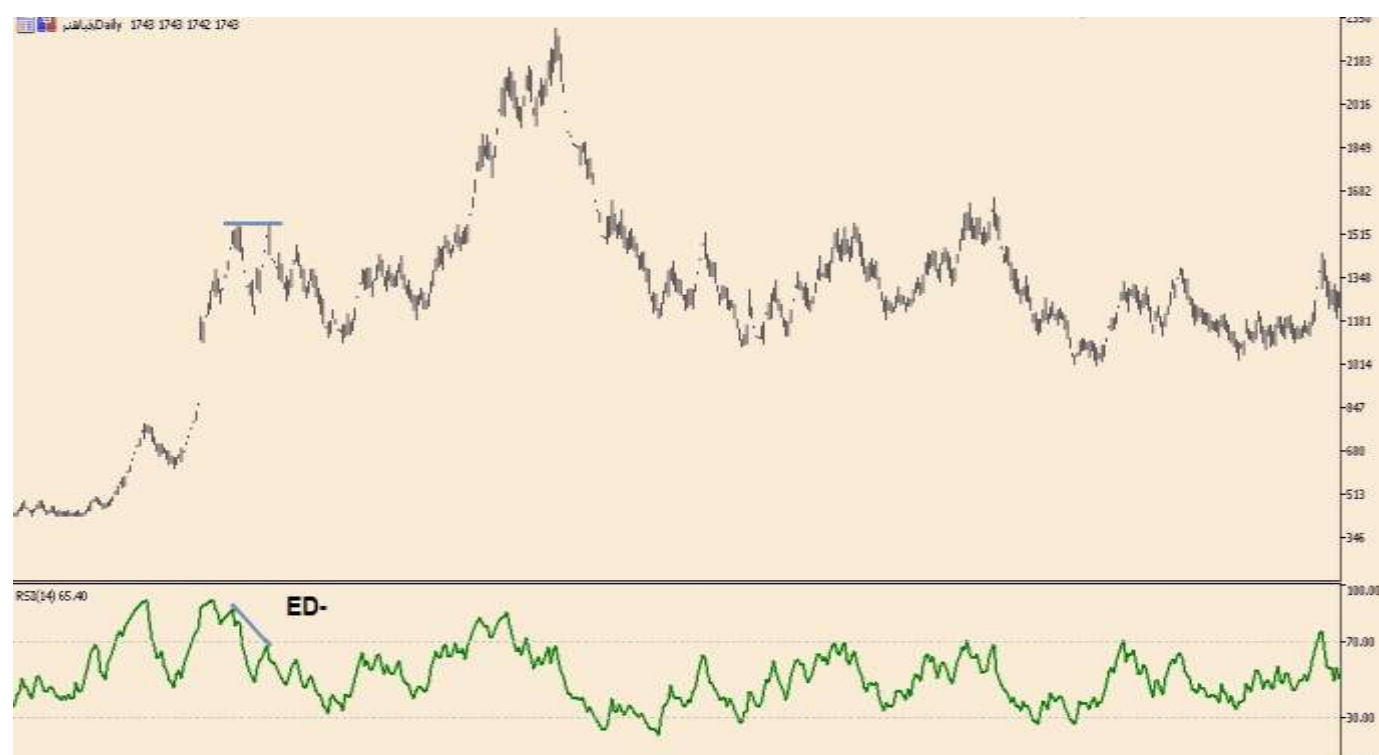
۵- واگرایی مخفی منفی یا HD-





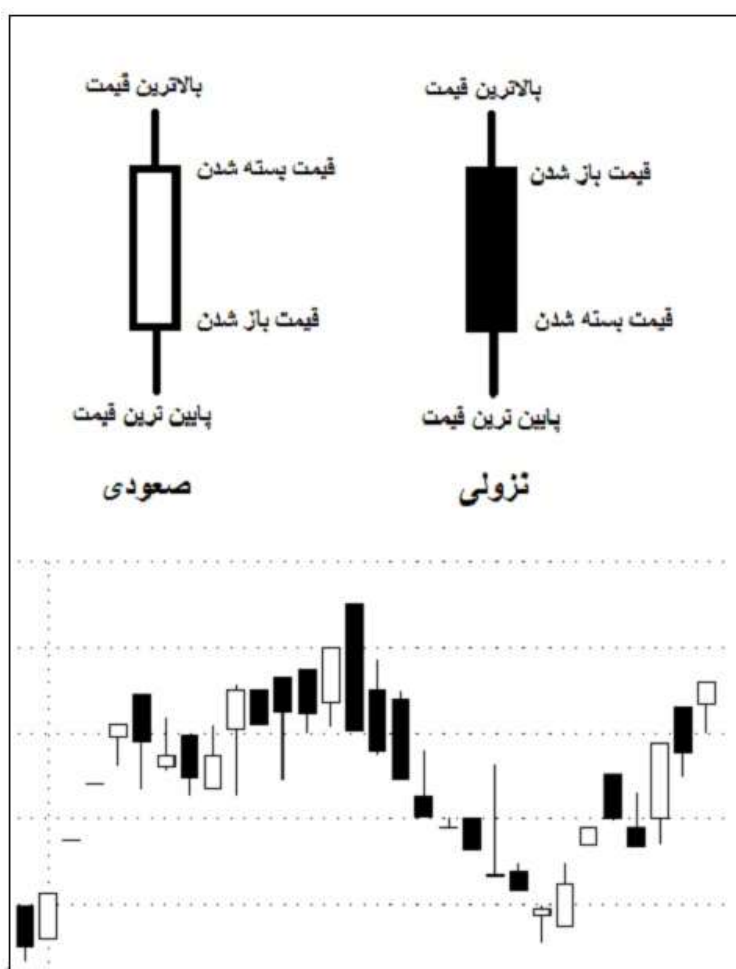
۶- واگرایی اغراق آمیز منفی یا ED-





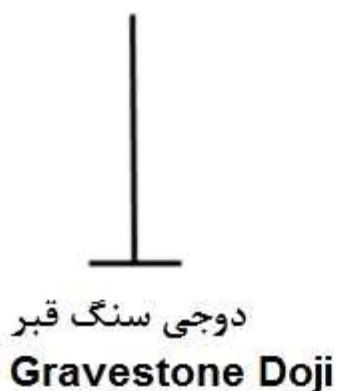
بخش دوازدهم) الگوهای شمعی مقدماتی و پیشرفته

همانطور که در ابتدای دوره بیان شد یکی از انواع نمودار هایی که با آن کار می کنیم نمودار شمعی است که اطلاعاتی از قبیل قیمت باز و بسته شدن و دامنه نوسان را به ما می دهد. به کمک ساختار این کندل ها و همچنین ترتیب قرار گرفتن آنها با یکدیگر می توان سیگنال هایی گرفت و برگشت سهم و تغییر روند را پیشبینی نمود.



۱- کندل دوجی (Doji): در این کندل قیمت باز و بسته شدن سهم یکی است و کندل فاقد بدنه است. در این کندل قدرت خریدار و فروشنده برابر است و به این معنی است که بازار خسته است و توان ادامه روند قبلی را ندارد. بنابراین کندل دوجی یک کندل برگشتی است. مثلاً در نقطه حمایتی یا کف کانال ها اگر کندل دوجی شکل گرفت صبر کرده اگر کندل بعدی صعودی باشد وارد معامله می شویم.

انواع دوجی:



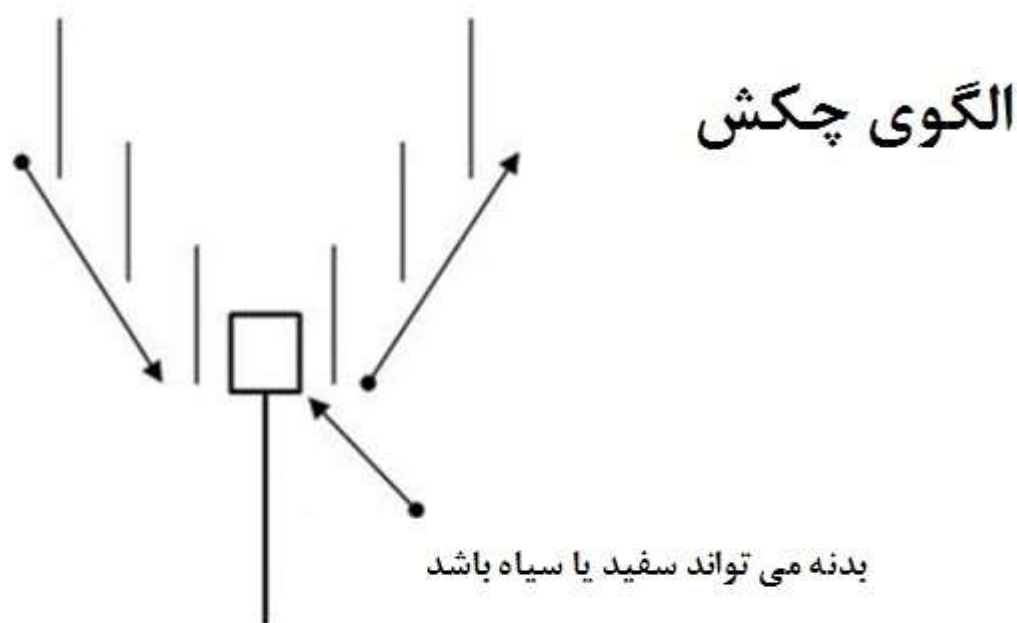


الگوهای صعودی یا Bullish

الگوهای تک شمعی

۱- الگوی چکش (Hammer)

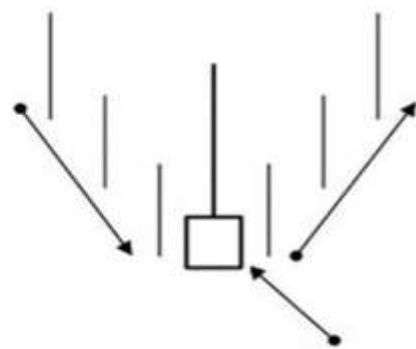
این کندل در انتهای یک روند نزولی شکل می گیرد و در آن سایه حداقل ۲ برابر بدنه است و کندل سایه بالایی ندارد و یا بسیار کم است. در این کندل پس از باز شدن و نزول قیمت خریداران مجدداً به سهم هجوم می آورند و قیمت بسته شدن را به قیمت باز شدن نزدیک میکنند. رنگ چکش اهمیتی ندارد و می تواند توخالی یا توپر باشد اما کندل صعودی بیانگر قدرت بیشتری برای برگشت است. توجه داشته باشید کندل بعدی باید کندل صعودی و پر قدرت باشد در غیر اینصورت الگوی کندل چکش را نادیده می گیریم.





۲- کندل چکش وارونه (Inverted Hammer)

این الگو نیز مانند الگوی چکش در انتهای روند نزولی شکل می گیرد. سایه بالایی بلند سایه پایینی ندارد و یا بسیار کوچک است. سایه بالایی باید حداقل ۲ برابر بدنه شمع باشد. رنگ آن تفاوتی ندارد اما اگر کندل صعودی باشد قدرت بیشتری برای برگشت دارد.



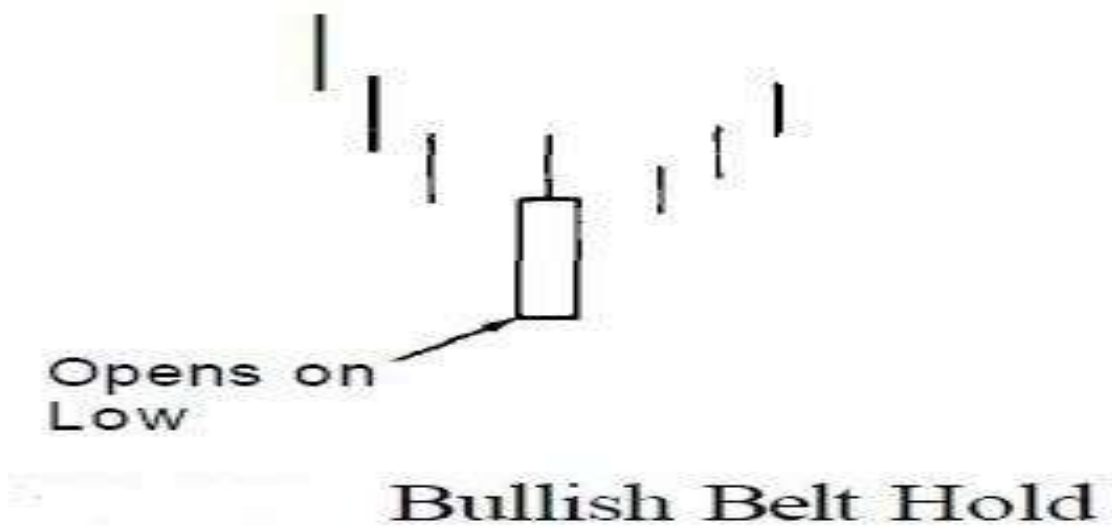
الگوی چکش وارونه

بدنه می تواند سفید یا سیاه باشد



۳- الگوی Belt Hold

الگوی بسیار نادری که در انتهای روند نزولی با گپ شکل میگیرد و در ادامه روند قیمتی رو به بالاست و کندل با بدنه بزرگی خواهیم داشت. معمولاً سایه پایینی ندارد و اگر بتواند گپ قیمتی تا انتهای کندل روز قبل خود را پر کند به احتمال قوی تغییر روند را شاهد خواهیم بود.

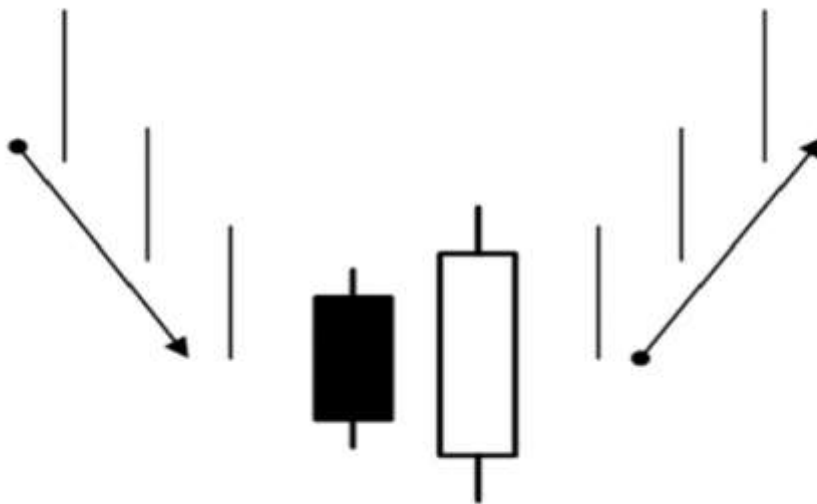


الگوهای ۲ شمعی

۱- الگوی پوشا مثبت یا Positive Engulfing

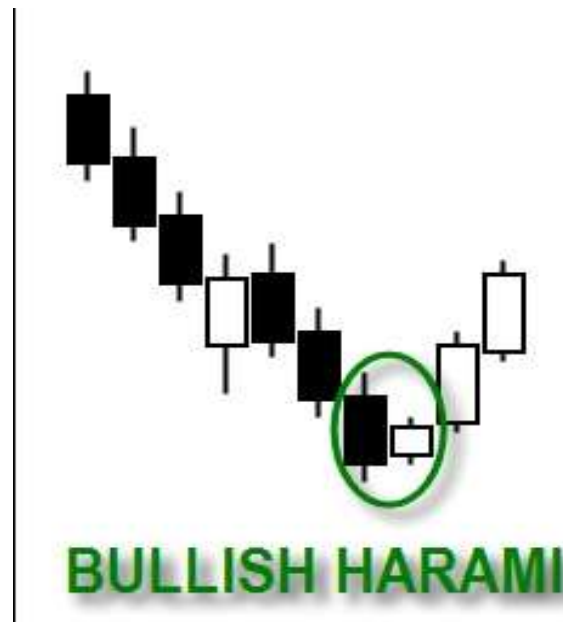
این الگو که در انتهای روند نزولی شکل میگیرد از یک کندل سفید و یک کندل مشکی تشکیل می شود که کندل دوم (سفید) بطور کامل کندل مشکی قبل از خود را می پوشاند. میزان سایه ها اهمیتی ندارد اما بدنه کندل صعودی باید بدنه کندل نزولی را بپوشاند.

پوشا مثبت Positive Engulfing



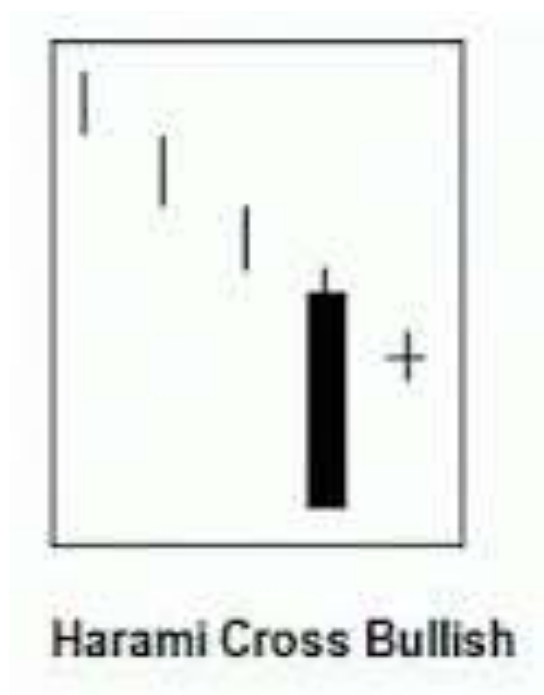
۲- الگوی باردار یا Harami

در این الگو شمع نزولی اول شمع صعودی بعد از خود را بطور کامل می پوشاند. خارج نشدن سایه های شمع دوم از محدوده شمع اول بیانگر قدرت بیشتر این الگو می باشد.



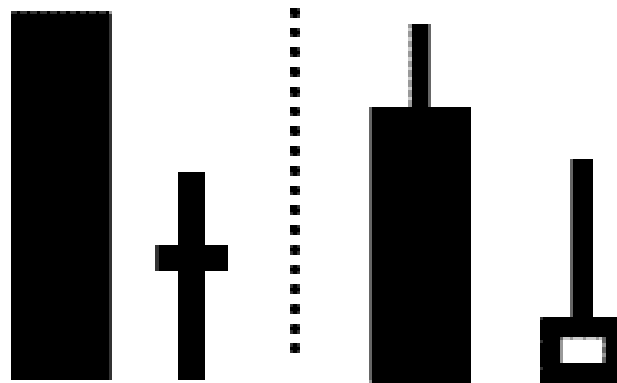
۳- الگوی صلیب باردار یا Harami Cross

این الگو همان الگوی باردار قبلی است اما در آن باید کندل دوم حتما یک دوجی معمولی باشد.



۴- الگوی شمعی انبرک پایینی یا Tweezers Bottom

در این الگو ابتدا یک کندل نزولی با بدنه بزرگ و فاقد سایه پایینی تشکیل می شود و سپس یک کندل صعودی به شکل دوجی یا چکش وارونه تشکیل میشود.

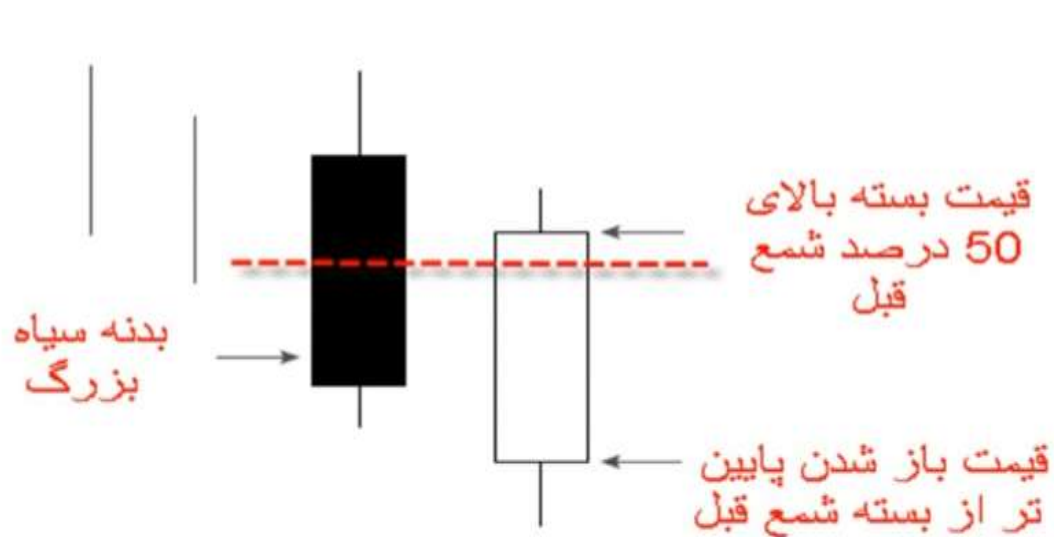


Bottom

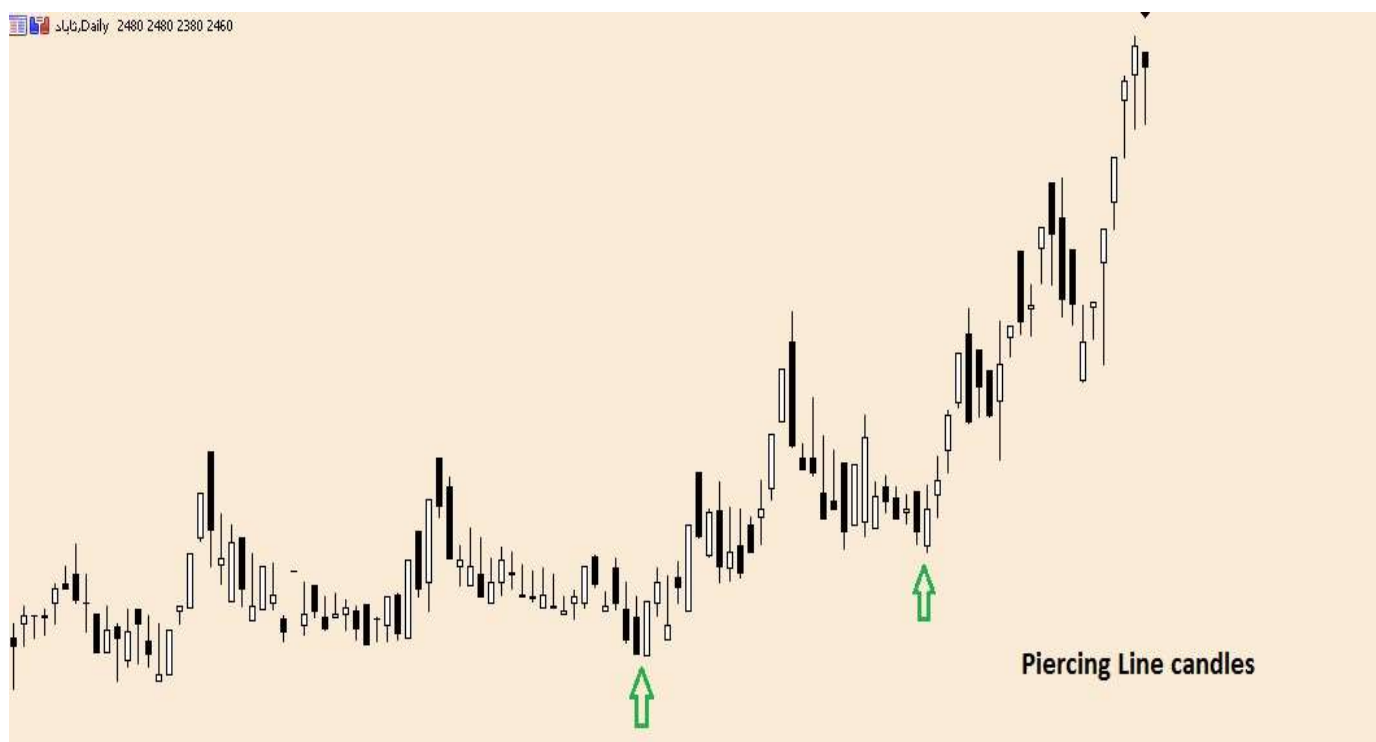


۵- الگوی خط نفوذ کننده یا Piercing Line

Piercing Line Pattern الگوی خط نفوذ کننده



انتشار: سایت فراچارت
www.fara chart.com



الگوهای ۳ شمعی

۱- الگوی شمعی سه سرباز سفید یا Three white soldiers

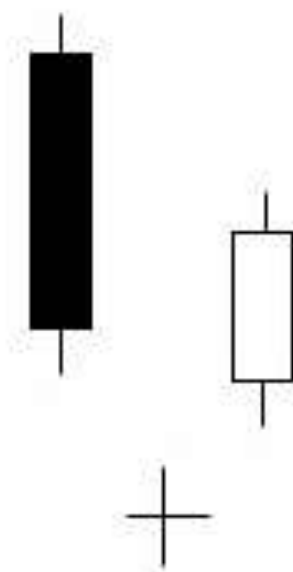
الگوی سه سرباز سفید

Three White Soldiers



۲- الگوی کودک رها شده یا Abandoned Baby

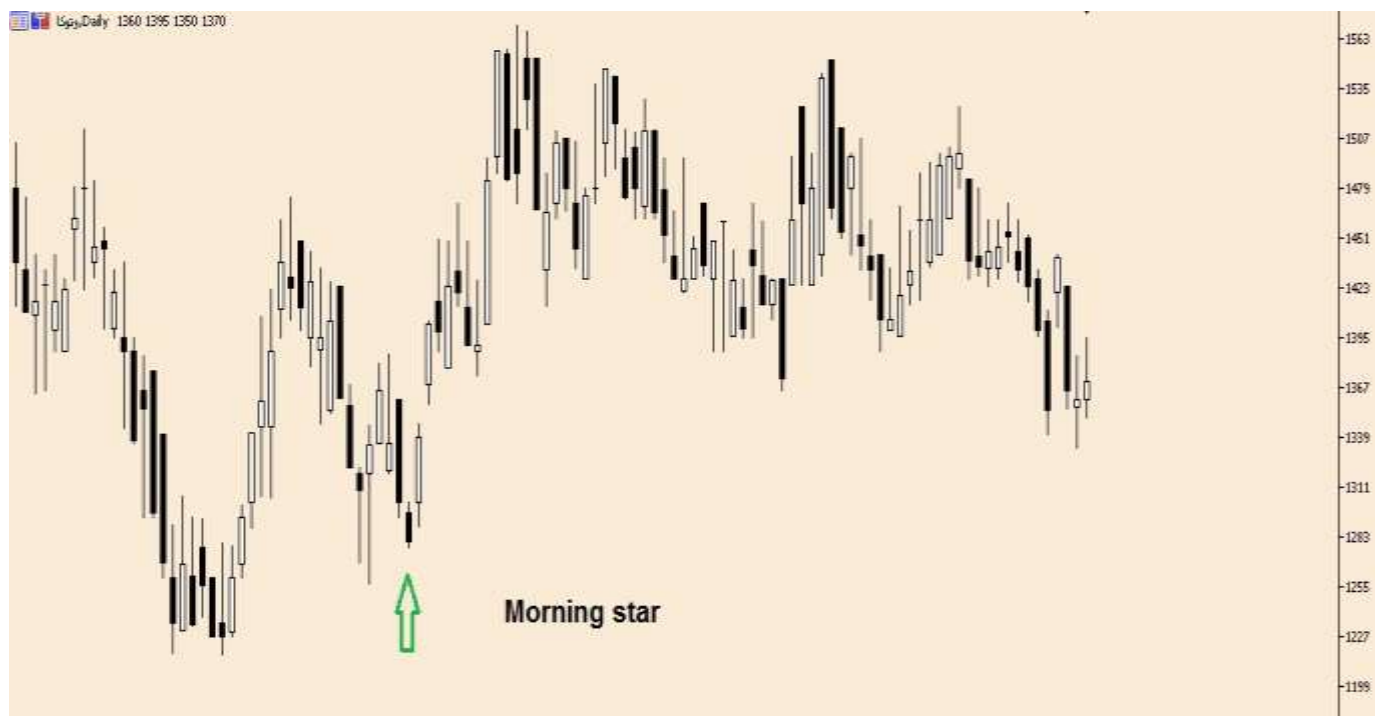
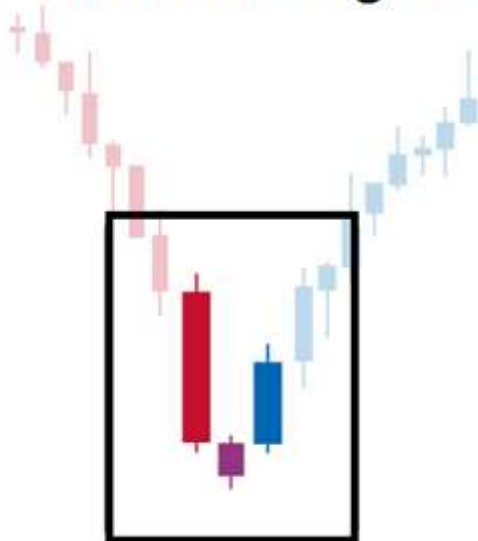
الگوی نادری است و در آن یک دوجی معمولی در انتهای یک روند نزولی همراه با گپ پس از یک کندل نزولی و مجدداً همراه با گپ قبل از کندل صعودی تشکیل می‌شود.



۳- الگوی ستاره صبحگاهی یا Morning Star

این الگو از سه شمع که اولی نزولی پرقدرت و بعدی همراه با گپ پایینتر از شمع اولی (رنگ آن می تواند سفید یا مشکی باشد) و سومی کندل صعودی همراه با گپ تشکیل می شود. برای قدرت بیشتر شمع سوم باید در قیمتی بالاتر از ۵۰ درصد از بدنه شمع اول بسته شود.

Bullish Morning Star



۴- الگوی ستاره صبحگاهی دوجی یا Morning Doji star

این الگو بسیار شبیه الگوی ستاره صبحگاهی است با این تفاوت که شکافی بین کندل ها دیده نمی شود و کندل وسطی یک دوجی است.

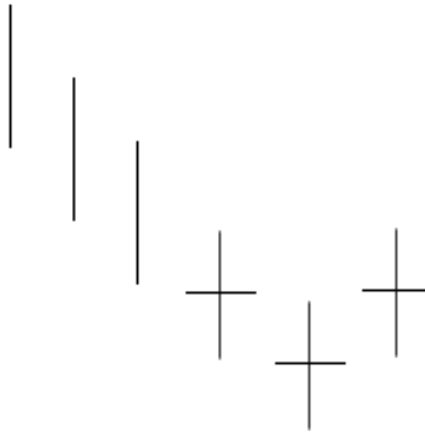
Morning Doji Star



۵- الگوی سه ستاره یا Tri-Star

از سه کندل دوجی شکل تشکیل شده است. اندازه سایه ها مهم نیستند اما اگر بین کندل ها گپ وجود داشته باشد الگو قدرت بیشتری دارد.

Bullish Tri Star

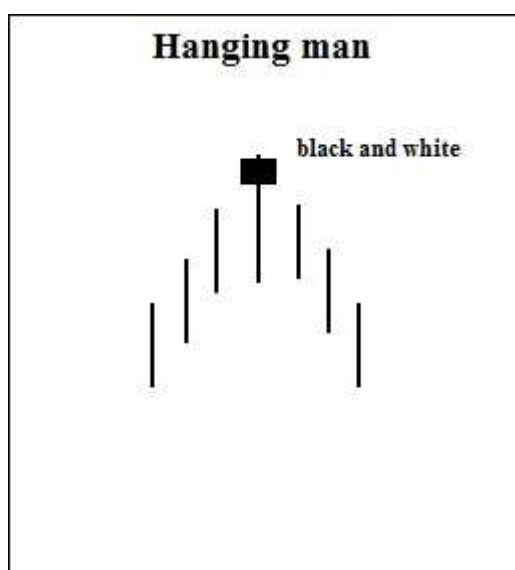


الگوهای شمعی نزولی Bearish

الگوهای تک شمعی

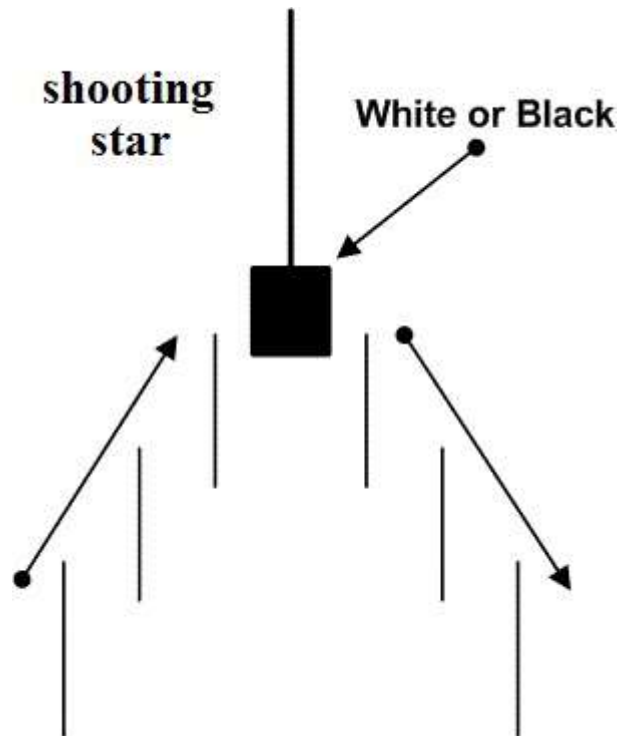
۱- الگوی مرد آویزان یا Hanging Man

در این الگو که معمولاً سایه بالایی ندارد سایه پایینی باید حداقل ۲ برابر اندازه بدنه باشد. رنگ کندل می تواند سفید یا مشکی باشد اما کندل مشکی قدرت بیشتری برای تغییر روند دارد.



۲- الگوی شهاب سنگ یا Shooting Star

در این الگو شمع سایه پایینی ندارد و طول سایه بالایی باید حداقل ۲ برابر طول بدنه باشد. رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما کندل مشکی قدرت بیشتری دارد.



۳- الگوی Belt Hold

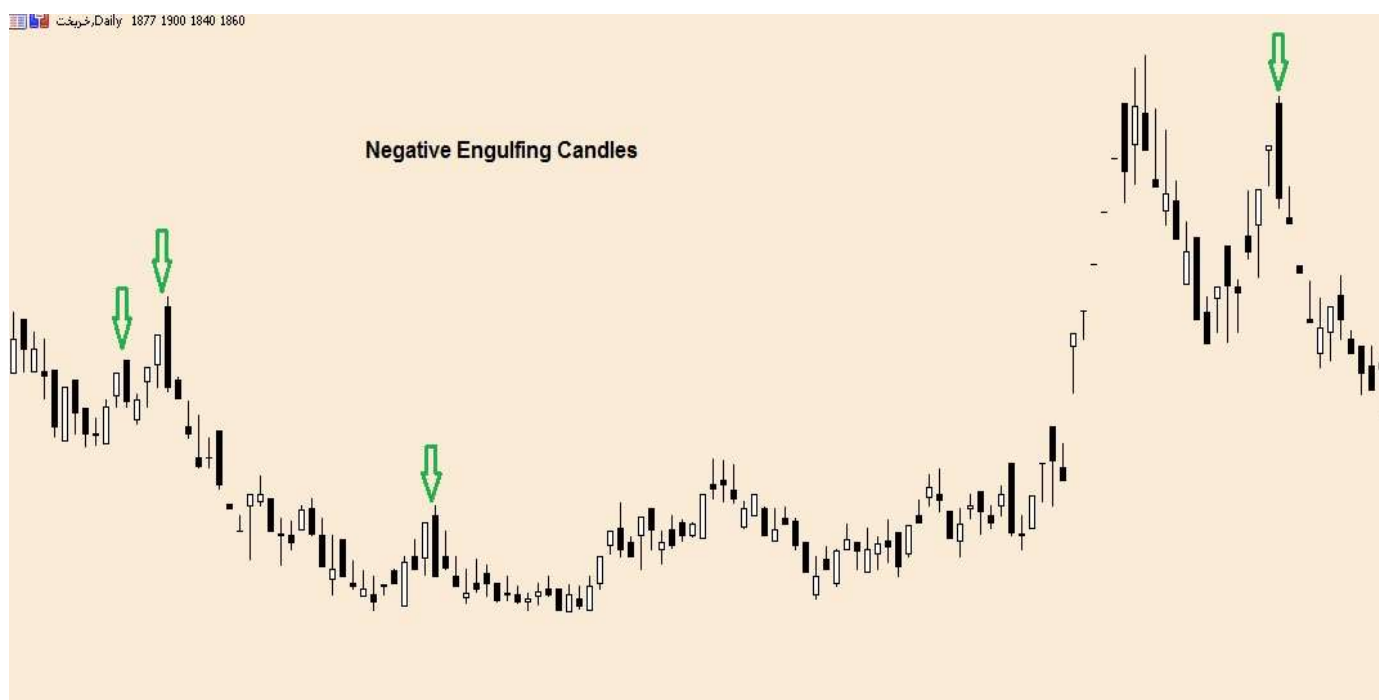
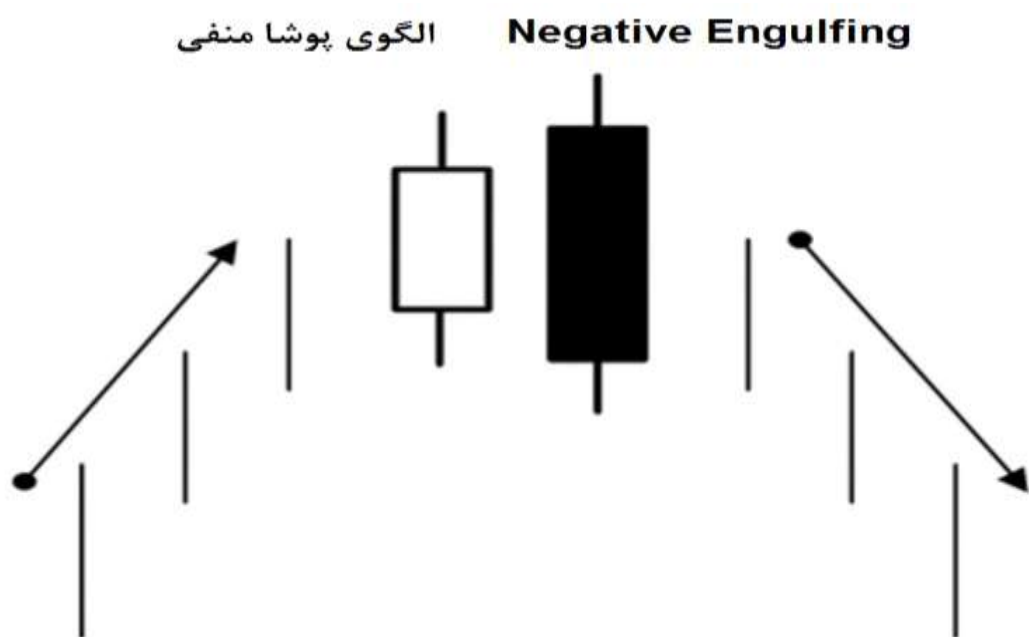
در این الگو قیمت با گپ بالا آغاز می شود و در ادامه سایه بالایی تشکیل نمی شود و روند قیمتی همینطور نزول می کند و با بدنه بزرگ مشکی بسته می شود.



الگوهای دو شمعی

۱۔ الگوی پوشا منفی یا Negative Engulfing

در این الگو کل بدنه مشکی شمع دوم بدنه سفید شمع اول را می پوشاند و طول سایه ها اهمیتی ندارد.



۲- الگوی باردار نزولی Bearish Harami

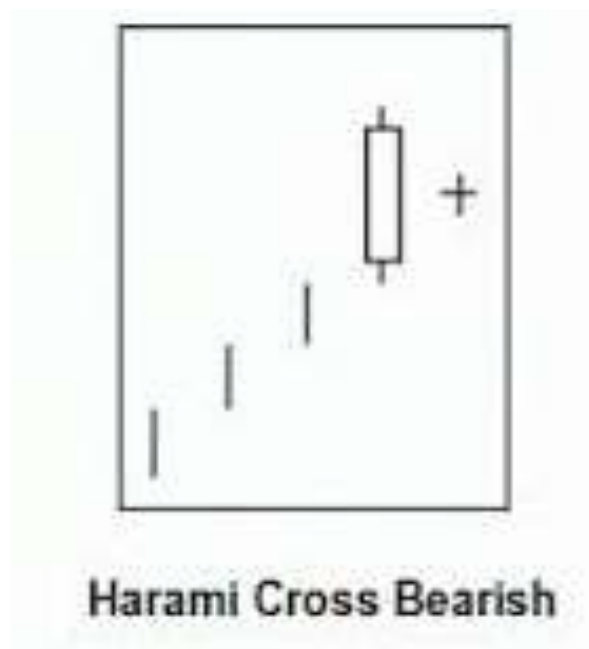
در این الگو بدنه سفید شمع اول کل بدنه مشکی کندل دوم را در بر میگیرد و طول سایه ها در آن اهمیتی ندارد.

BEARISH HARAMI



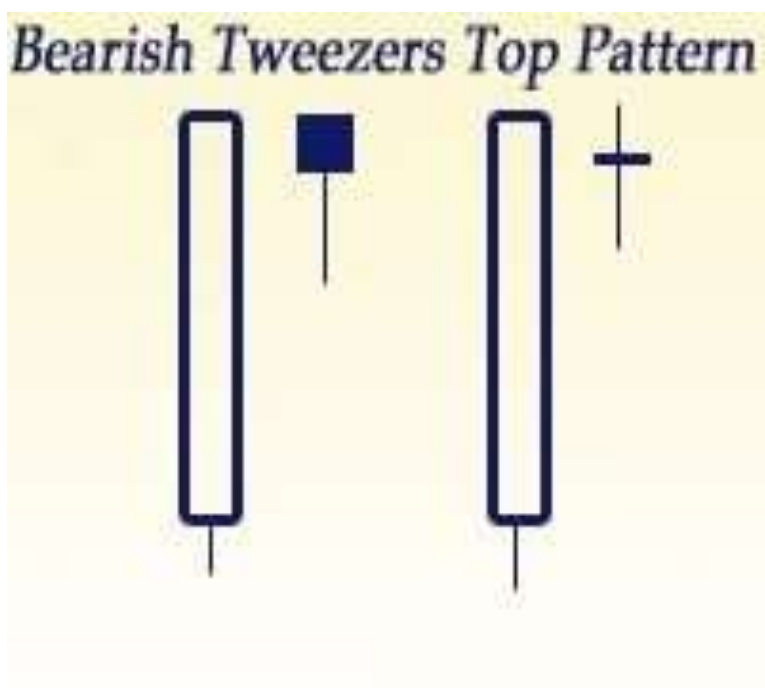
۳- الگوی صلیب باردار یا Harami Cross

این الگو بسیار شبیه به همان الگوی باردار است اما با این تفاوت که شمع دوم حتما بصورت یک دوجی معمولی می باشد.

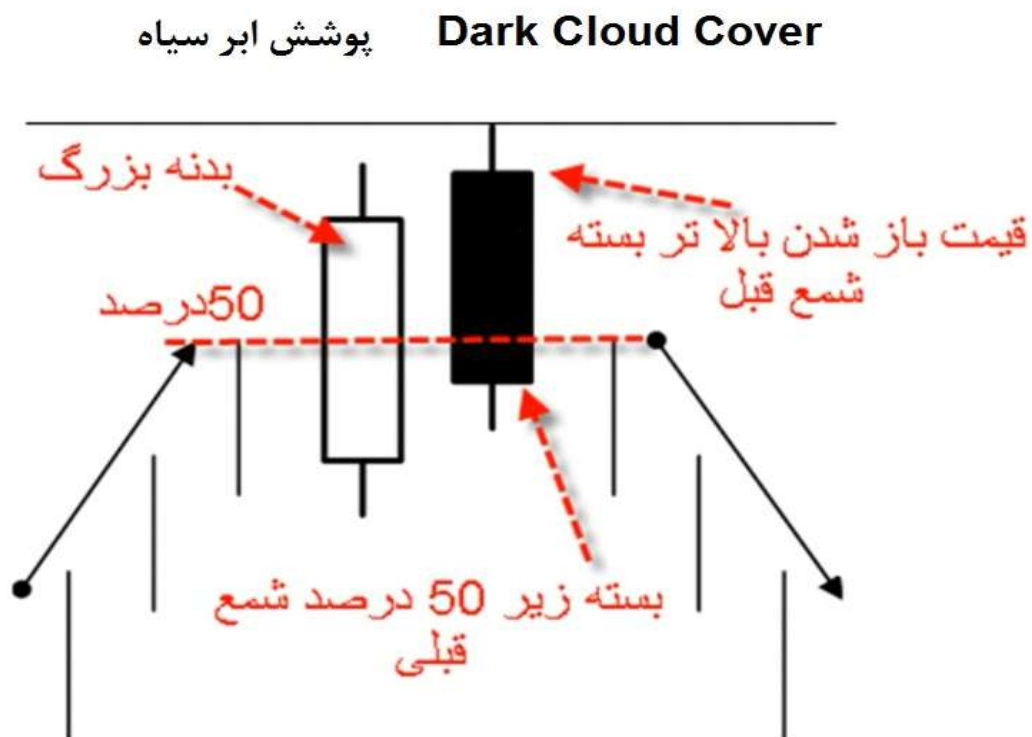


۴- الگوی انبرک بالایی یا Tweezers Top

در این الگو شمع اول که صعودی است فاقد سایه است یا سایه خیلی کمی دارد و شمع دوم یا بصورت دوجی و یا بصورت چکش در دل شمع اول شکل می گیرد.

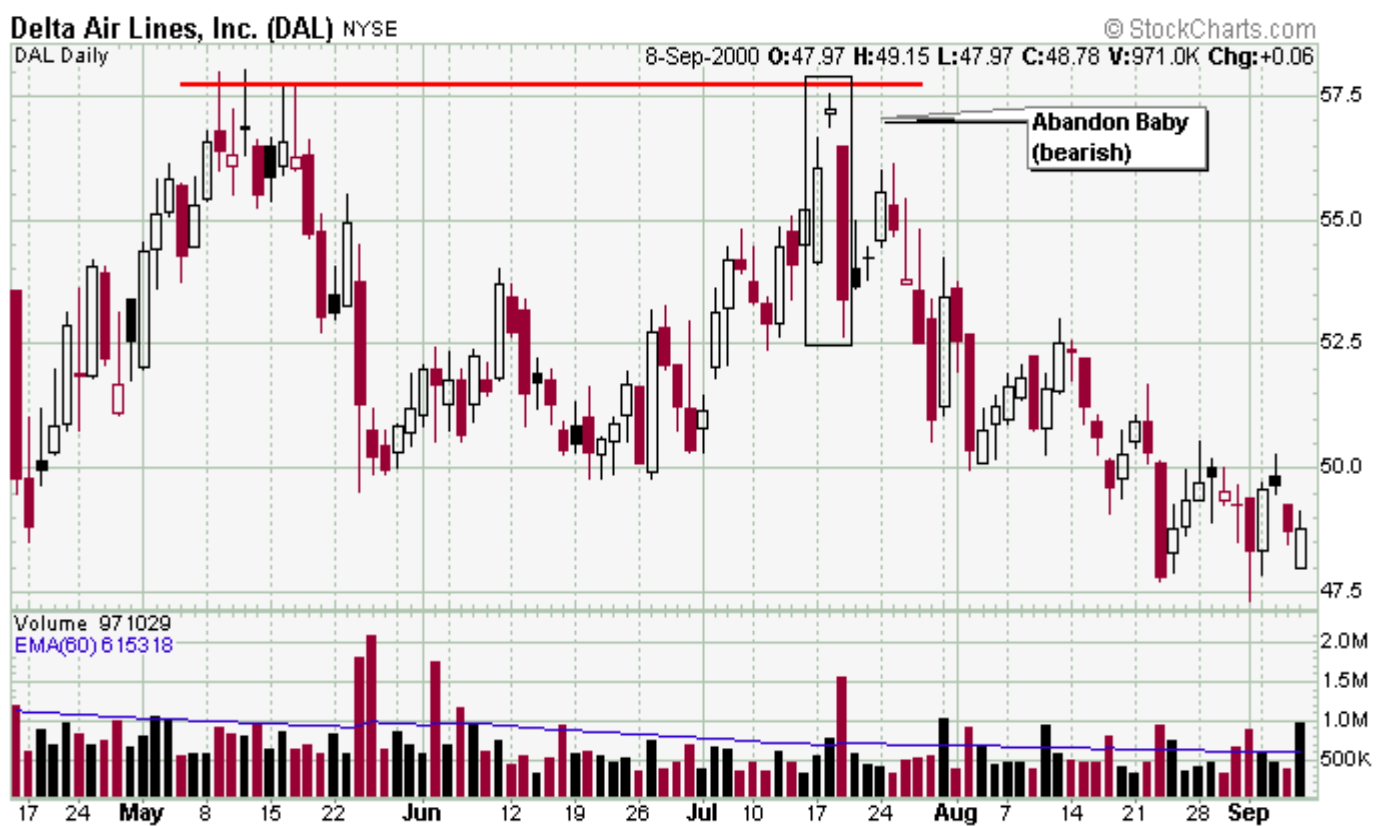
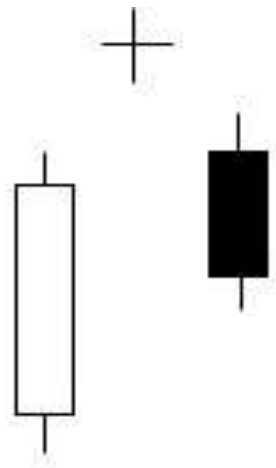


۴- الگوی پوشش ابر سیاه یا Dark Cloud Cover



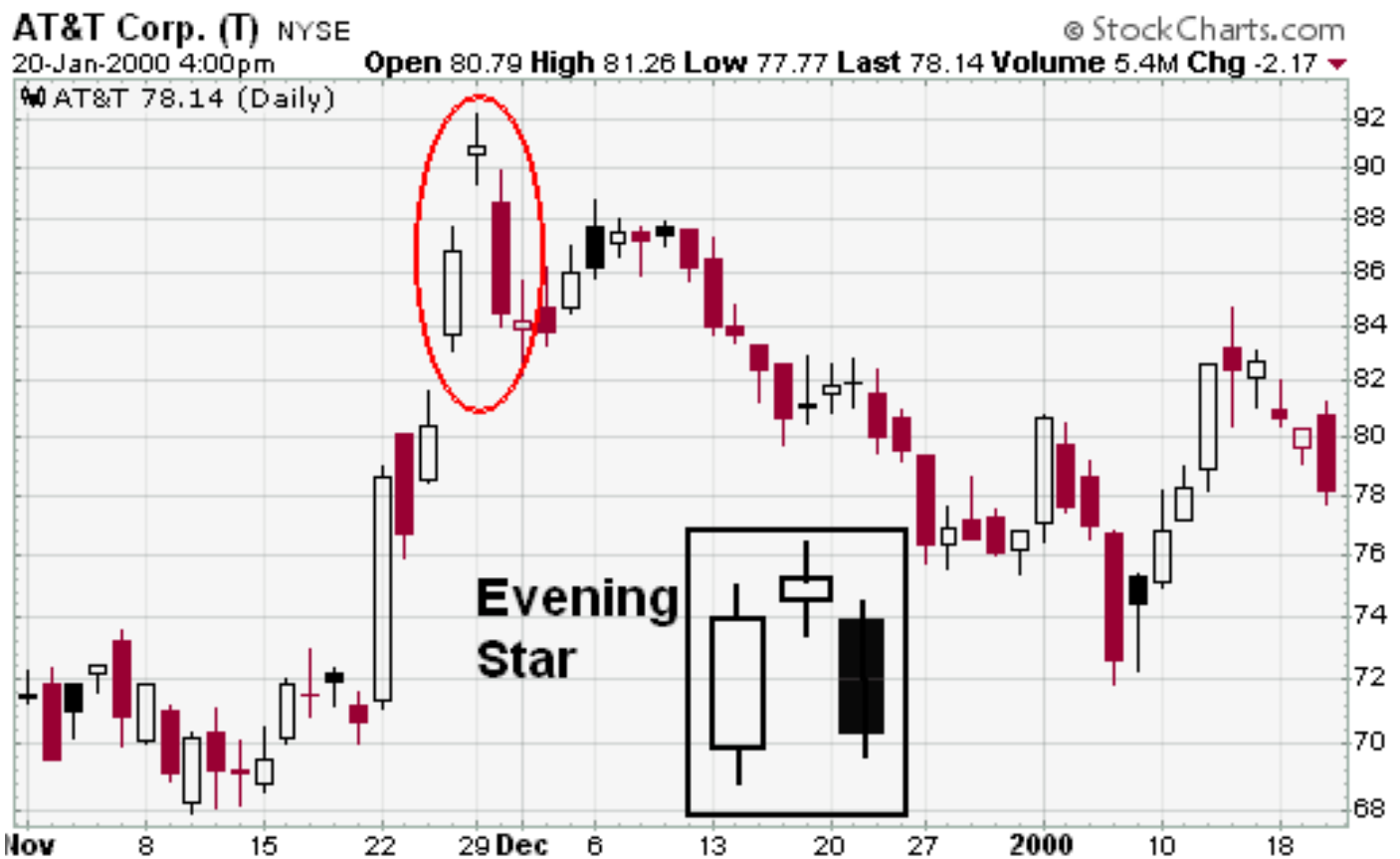
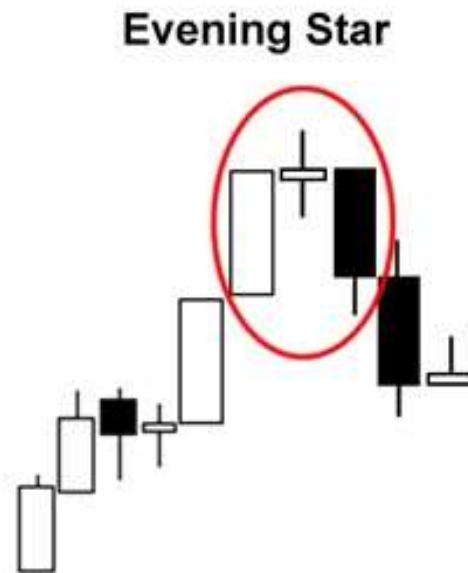
الگوهای سه شمعی نزولی

۱- الگوی کودک رها شده یا Abandoned baby



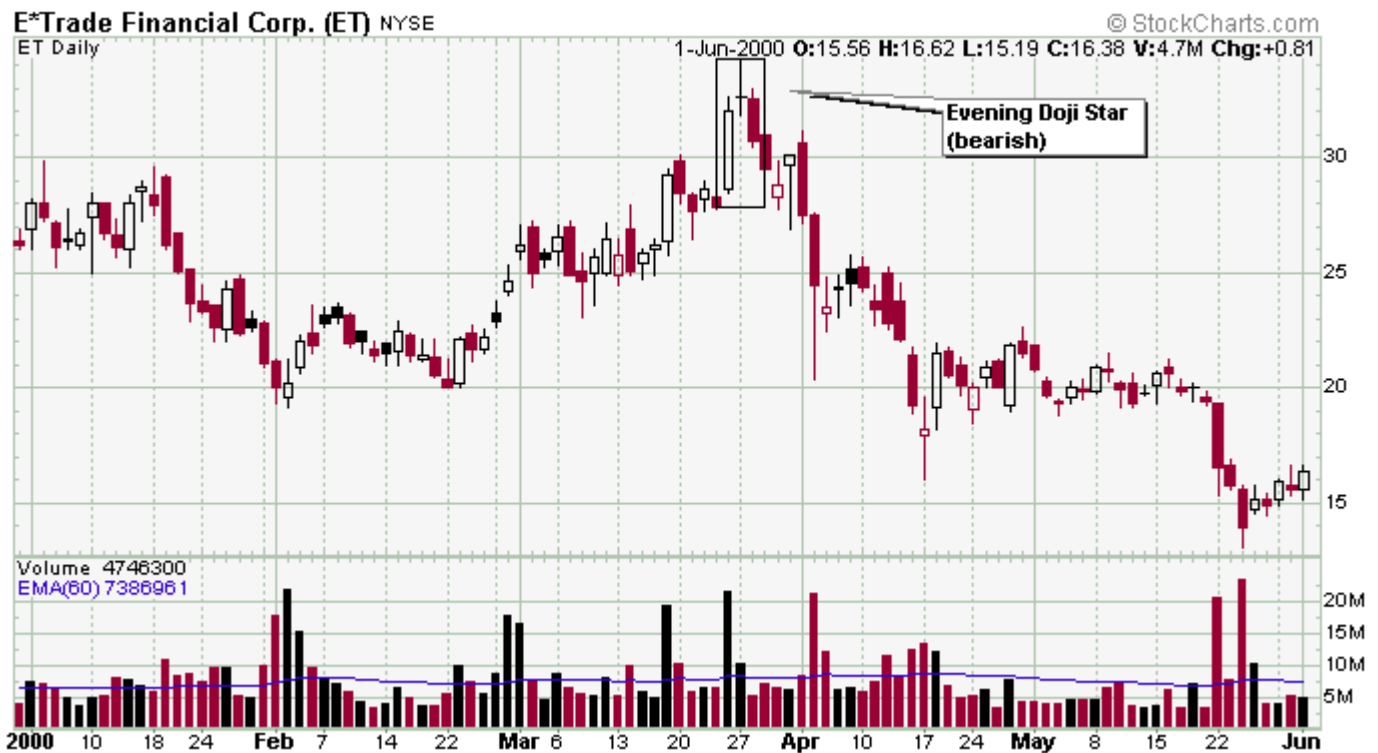
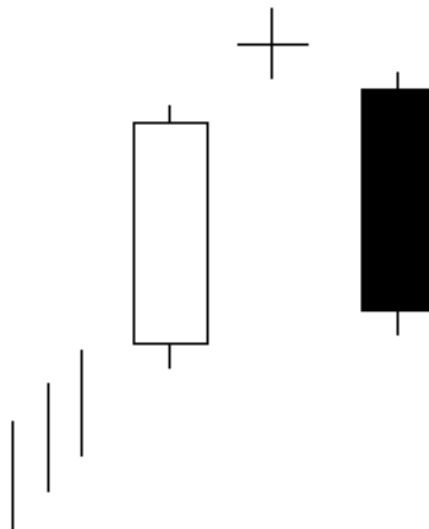
۲- الگوی ستاره عصرگاهی یا Evening Star

شمع وسطی می تواند صعودی یا نزولی باشد و سایه های کوتاه دارد.



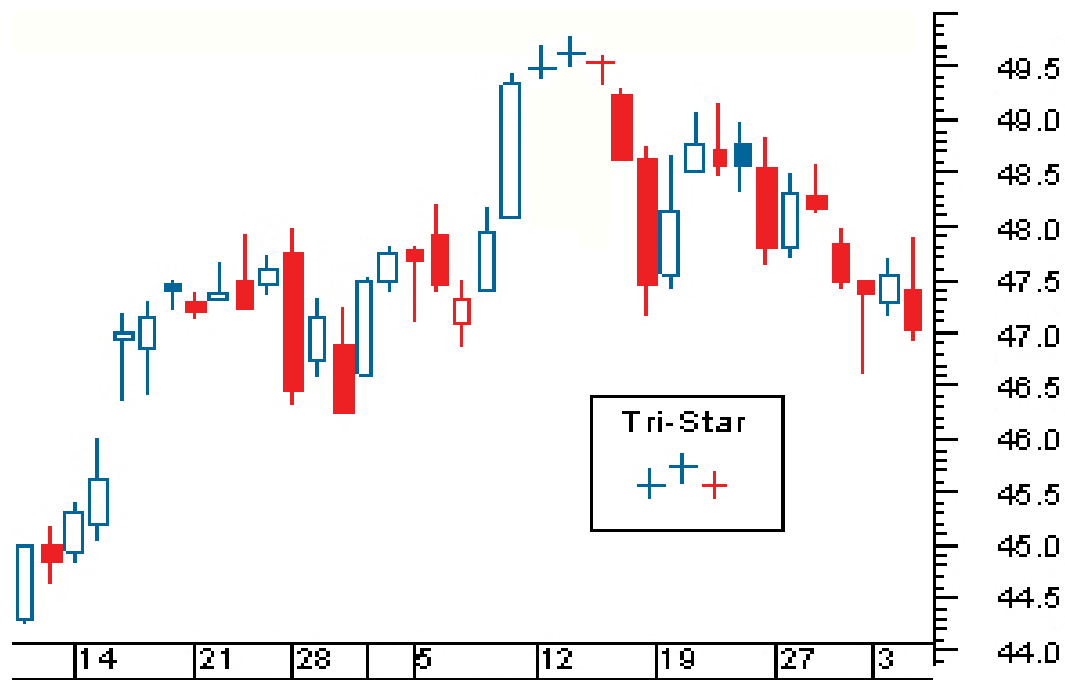
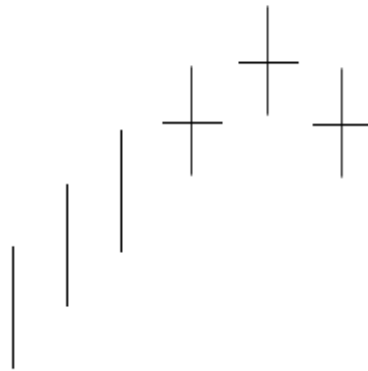
۳- الگوی ستاره دوجی عصرگاهی یا Evening Doji Star

Bearish Evening Doji Star



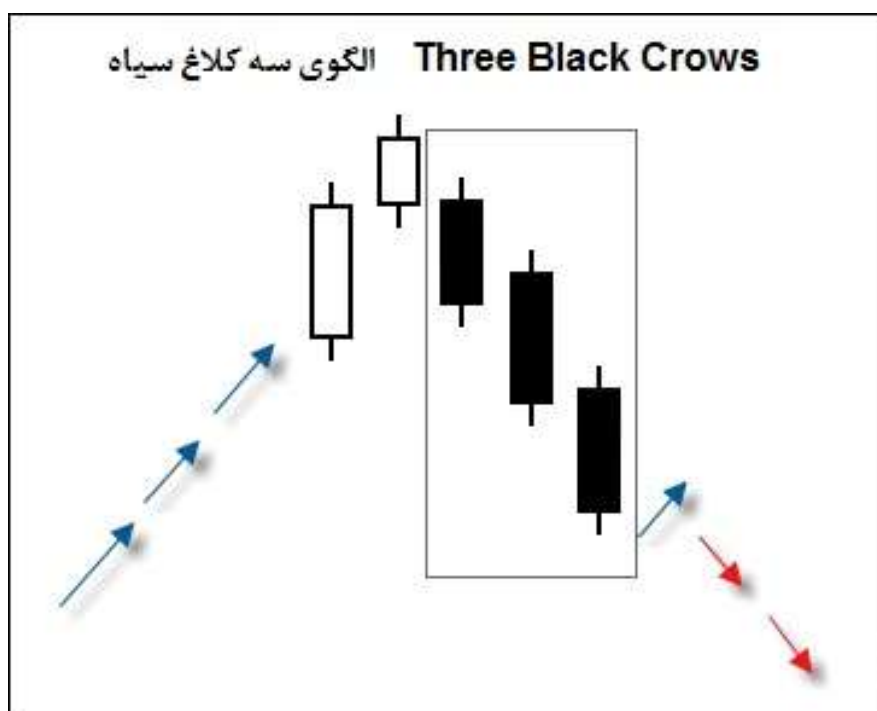
۴- الگوی سه ستاره یا Tri-Star

Bearish Tri Star



Source: Chart by MetaStock

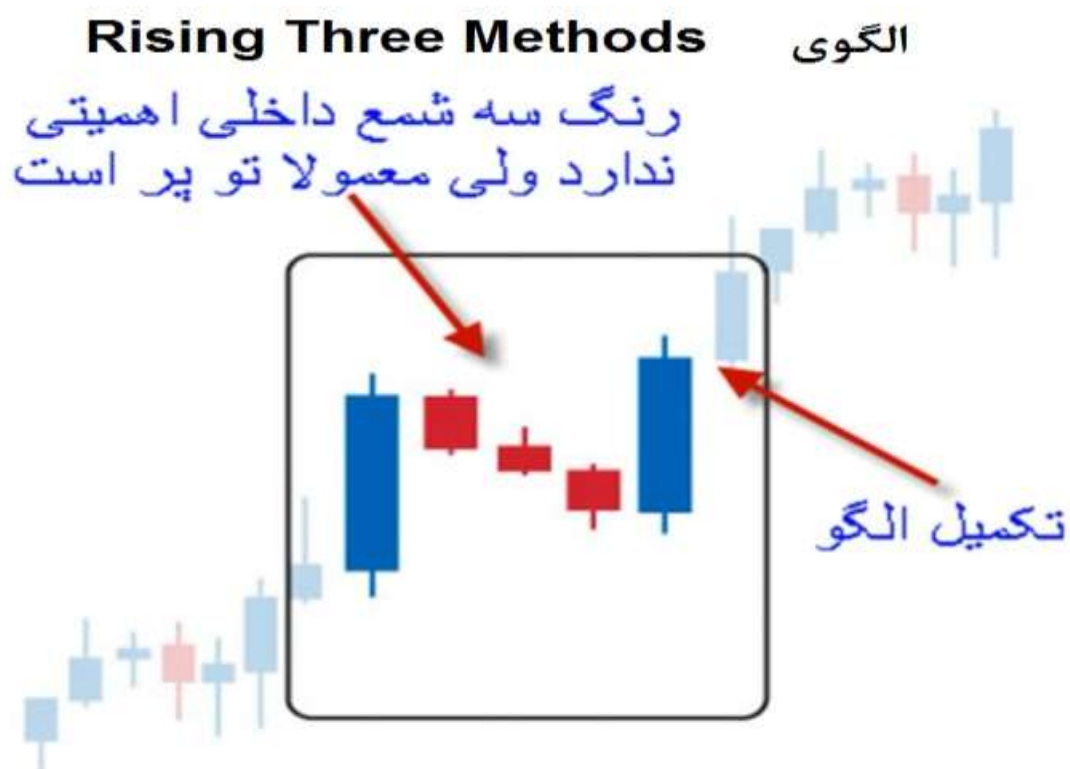
۵- الگوی سه کلاغ سیاه یا Three Black Crows



۱- الگوی Falling Three Methods



۲- الگوی Rising Three methods



پایان بخش مقدماتی تحلیل تکنیکال

جواد کشاورز